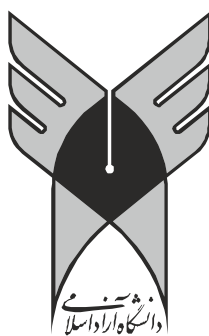


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد شاهرود

دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد «M.A.»

گرایش: جزا و جرم شناسی

عنوان:

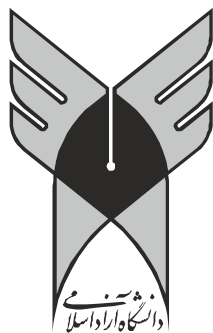
مصادره اموال ناشی از جرم در حقوق کیفری ایران

استاد راهنما: دکتر عبدلی

استاد مشاور: دکتر عسل عظیمیان

دانشجو: علی غلامپور

تابستان ۱۳۹۴



Islamic Azad university

Shahrood Unit

Human Science , low group

Thesis for master of Art

Major : punishment and criminology

Title :

Seizing goods due to penalty in penalty law in Iran

guidance professor :

Dr. Abdoli

Counselor professor :

Dr. Asal Azimiyan

Student :

Ali Gholampour

Summer 1394

سپاسگزاری

اللهم إنا نرغب إليك في دولةٍ كريمةٍ تعزّ بها الإسلام و أهله و تذلّ بها التّفاق و أهله و تجعلنا من الدعاة إلى طاعتك و القادة إلى سبيلك و ترزقنا بها كرامة الدنيا والآخرة.

صمیمانه کمال تشکر و خسته نباشید از استاد محترم و مدیر گروه حقوق دانشکده جرم شناسی و جزا، جناب آقای دکتر عبدلی به پاس راهنمایی های داهیانہ خود کہ مرا همراهی کردند، کمال سپاس و تشکر بی شائبه را دارم و از خداوند مٔان آرزوی توفیق روز افزون را دارم.

و همچنین کمال تشکر و سپاس از استاد مشاور و فرزانه و عالم سرکار خانم دکتر عسل عظیمیان که مرا یاری فرمودند را دارم و از خداوند آرزوی سلامتی و طول عمر را مسئلت می نمایم.

تقدیم به

خورشید عالم فروز هستی، تنها ذخیره الهی بر روی زمین، حضرت ولی عصر (عج) مهدی موعود.

ای پرده نشین لا مکان ادراکنی ای نور زمین و آسمان ادراکنی

افتاده به چاه موج این حادثه ها یا حضرت صاحب الزمان ادراکنی

ارواح مطهر و پاک لاله های سرخ (شهداء اسلام) که آرمیده اند.

و تقدیم به همسر مهربانم به پاس تمامی زحماتش که محیطی آرام را برایم فراهم نمود

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

۱	چکیده
۳	مقدمه
۳	1- بیان مسئله
۴	2- اهمیت و ضرورت تحقیق
۵	3- سوابق تحقیق
۵	4- جنبه جدید بودن نوآوری
۶	5- اهداف تحقیق
۶	6- سوالات تحقیق
۶	7- فرضیه تحقیق
۶	8- روش شناسی تحقیق
۷	9- سازماندهی تحقیق

فصل اول: کلیات

۹	۱-۱- مبحث اول: کلیات
۹	۱-۱-۱- گفتار اول: مصادره
۱۰	۱-۱-۱-۱- بند اول: مفهوم ملغوی
۱۱	۱-۱-۱-۲- بند دوم: مفهوم اصطلاحی
۱۲	۱-۲-۱-۱-۱- مصادره خاص
۱۶	۱-۲-۱-۱-۲- مصادره عام
۲۰	۱-۳-۱-۱- بند سوم: سابقه
۲۳	۲-۱- مبحث دوم: مال
۲۴	۱-۲-۱- گفتار اول: مفهوم ملغوی
۲۵	۲-۲-۱- گفتار دوم: مفهوم اصطلاحی
۲۹	۱-۲-۲-۱- بند اول: عین
۳۰	۲-۲-۲-۱- بند دوم: منفعت
۳۱	۳-۲-۲-۱- بند سوم: حق
۳۱	۳-۲-۱- گفتار سوم: مفهوم مالدر حقوق جزا و حقوق مدنی
۳۲	۱-۳-۲-۱- بند اول: حقوق مدنی
۳۳	۲-۳-۲-۱- بند دوم: حقوق جزا
۳۴	۴-۲-۱- گفتار چهارم: اموال ناشی از جرم
۳۸	۳-۱- مبحث سوم: مفاهیم مشابه
۳۸	۱-۳-۱- گفتار اول: ضبط

۴۰ ۱-۳-۲ گفتار دوم: عواید حاصل از جرم

فصل دوم: ضبط و مصادره اموال ناشی از جرم

۴۵ ۱-۲-۱- مبحث اول: ضبط و مصادره ی اموال ناشی از جرم در قوانین کشور

۴۹ ۱-۲-۱- گفتار اول: ضبط و مصادره اموال ناشی از جرایم مربوط به قاچاق

۵۵ ۱-۲-۲- گفتار دوم: برر سی ضبط و مصادره اموال در قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی اجعه قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲

۶۱ ۱-۲-۳- گفتار سوم: ضبط و مصادره اموال ناشی از جرم در قانون مبارزه با مواد مخدر

۷۰ ۲-۲- مبحث دوم: ضبط و مصادره اموال در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری

۷۳ ۲-۳- مبحث سوم: مصادره عواید حاصل از جرم

فصل سوم: تطهیر و سرنوشت اموال ناشی از جرم بعد از مصادره و آراء وحدت رویه

۷۷ ۱-۳- مبحث اول: تطهیر و سرنوشت اموال ناشی از جرم بعد از مصادره و آراء وحدت رویه

۷۷ ۱-۳-۱- گفتار اول: اموال ناشی از جرم و تطهیر آنها

۷۹ ۱-۳-۱-۱- بند اول: تصفیه ی پول

۷۹ ۱-۳-۱-۲- بند دوم: استفاده از بانک های فاسد

۸۰ ۱-۳-۱-۳- بند سوم: استفاده از پوشش های تجاری مشروع

۸۶ ۲-۳- مبحث دوم: وضعیت اشیا و اموال پس از ضبط و مصادره

۸۶ ۲-۳-۱- گفتار اول: استرداد

۹۲ ۲-۳-۲- گفتار دوم: ضبط به نفع دولت (مصادر اموال اشياء)

۹۳ ۲-۳-۳- گفتار سوم: معدوم کردن

۹۵ ۳-۳- مبحث سوم: آراء وحدت رویه در مورد مصادره اموال ناشی از جرم

۱۰۴ نتیجه گیری

۱۰۸ پیشنهادات

۱۱۱ منابع و مأخذ

۱۱۶ چکیده انگلیسی

چکیده

به نظر می رسد مصادره اموال ناشی از جرم در حقوق کیفری ایران، با توجه به احکام مختلفه قانونی می تواند ناظر به اخذ اموال حاصل از جرم باشد که خود بر ۲ نوع است؛ مصادر هامو الناشیاز جرم در حقوق کیفری یا ایر ان میتو اند بر دونو ععامیا خاصباشد(مصادر هعاممثماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی-مصادر هخاصم تلبند ۴ ماده ۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر) جایگاه ایر اکهمیتو انبر ایضبطو مصادر هامو الطر حر ریزینمود در جر ای مالیاست.

یعنی قانونگذار اینضمانتاجر ار اخاصجر ای می میداندسته که بهاهدفو انگیز همالی صور تگر فتهاستخوا هاینهدفو انگیز همستقیمباشد یا غیر مستقیم.

از اینرو باید بیان داشتضبطو مصادر هامو الناشیاز جرم در تمامجر ای مالی بهعنوانیک مجاز ات مستتر است، با این تفاوت که در بر خیز جر ای مالی اصطلاحضبطو مصادر هبیا نمیکرد و بهعبار تیموضو عنصر یحقانوناستمانند ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی «هر کس تکدییا کلا شیر آپیش خود قرار دهد....

کلیه اموالیکهاز طریق کلا شیو تکدی دستآور دهاستمصادر هخوا هشد» در پار هایمو ار دنیز با آنکه قانونگذار صراحتا نامیاز مصادر هیاضبطنمیبرد و لکن حکمیر ابیا نمیدار دکهاز مهاجر ای انا عمالضبطیامصادر هامو الا است (مانند ماده ۱ قانون تشدید مجاز ات مرتکبیناختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری) عبارت «در اصل مال به صاحبش» در ماده فوقناظر به اینمدعیاستچرا که ایناستر داد مستلز منگهدار یمو قتمالکسبشده از م حکومعلیه میباشد.

ماده ۹

قانون مجازات اسلامی نیز استنادی قابلتوجه در جهتتایید ایناستدلال میباشد. نهایتیبهتر یننمود، جهتاجر ای مجاز اتضبطو مصادر هامو الدر جر ای می پوشوبییا همانتنظهیبر پولاست

«مخفیکردن منبعاصلی اموال ناشی از جرم و تبدیل آنهابه بهامو الپاک، بطوریکه یافتن منبعاصلی آن غیر ممکن یا بسیار دشوار گردد». از سوی دیگر در قانون مجازات اسلامی اصلاحی از مصادره ی اموال به عنوان یکی از روش های مجازات برای متخلفان یاد شده است و آن را در کنار موارد دیگر در درجه ی نخست قرار داده اند.

شالود هاصلیموضو عدرا ینسو الاستکه؛ آیا ضبطو مصادر هبهیکمعناست؟ نظریاتمختلفیدر اینخصوص بیانگردیده است. در واقع می توان عنوان کرد که ضبطه نظر دار ایما هیتیمتغییر است؛ از یکسوناظر به مرحله ی تحقیقات(ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی)

و از سوی دیگر ناظر به مجاز اتقطعیمیباشد، هر چند بهعنوان زیر مجموعهمجاز اتهایدیگر مثلتعزیر (ماده ۵۲۲

قانون مجازات اسلامی «علاوه بر مجازاتهای مقرر در مواد (۵۱۸) و (۵۱۹) و (۵۲۰) کلیه امور التحصیلی از طریق مواردمذکور به عنوان تعزیر به نفع دولت ضبط خواهد شد» (همچنین با عنایت به ماده‌ی فوق‌باید بیان نمود ضبط همناظر به امور التحصیلی از وقوع جرائم مستک‌های نیز داشت بسیار ائهی تعریف ضبط در مقدمه‌ها مرشد هاست و همناظر به بخش‌های از مواد است.

کلیدواژگان: مصادره، جرم، ضبط، پولشویی.

۱- بیان مسأله

کیفر ضبط و مصادره اموال عبارت است از زیان وارده نسبت به اموال نامشروع متهم به حکم قانون و توسط مراجع قضائی. معمولاً ضبط مال در مراجعه تحقیق و مصادره اموال با صدور حکم دادگاه است. مراجع قضائی باید بر حسب مورد در صورت صدور قرار منع تعقیب، صدور حکم مبتنی بر محکومیت یا براءت، نسبت به اشیاء و اموالی که دلیل جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده تعیین تکلیف نماید که مسترد یا ضبط یا معدوم شود. (ماده ۱۰ ق.م.ا). به طور مثال، در اجرای ماده ۶۴۰ ق.م.ا. نوشته، طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علایم، فیلم، نوار سینما و به طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار نماید، دادگاه علاوه بر مجازات وارد یا صادر کننده یا کاسب چنین معاملاتی یا انتشار دهنده باید در اجرای تبصره ۲ ماده قانون مزبور حکم ضبط و محو آثار اشیاء مورد بحث را بدهد و سپس جهت استفاده لازم به دستگاه دولتی ذیربط تحویل دهد.

همچنین در اجرای مواد ۷۰۸ و ۷۰۹ ق.م.ا. در جرم دائر کردن قمارخانه یا دعوت مردم به آنجا برای قمار، علاوه بر محکومیت به ۶ ماده تا ۲ سال حبس و یا از ۳ میلیون تا ۱۲ میلیون ریال جزای نقدی، تمام اسباب و نقود متعلق به قمار حسب مورد معدوم یا به عنوان جریمه ضبط می شود. به طور کلی در اجرای ماده ۹ ق.م.ا. مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است اگر موجود باشد عیناً و اگر موجود نباشد مثل یا قیمت آن را به صاحبش بدهد و از عهده خسارات وارده نیز برآید. در فرهنگ فارسی ضبط را برخی از ادیبان و صاحب نظران به معنای گرفتن، نگه داشتن و بازداشت تعبیر نموده اند. (عمید، حسن، فرهنگ عمید) و مصادره اموال را نیز به معنای «مال کسی را به زور گرفتن یا به جریمه و تاوان دادن تعبیر کرده اند» (عمید، حسن، فرهنگ عمید). همچنین در پیرو معنای لغوی عده ای از حقوق دانان ضبط را در معنای عالم کلمه به «عمل بایگانی» تعبیر نموده اند (جعفری لنگرودی، محمد جفر، ترمینولوژی حقوق) و از مصادره به «مطالبه مال از سوی دولت از غیر به وسیله طرق قانونی یا طرق متعارف» تعبیر می کنند. در مقام تعبیر حقوقی این نوع مجازات می توان بیان داشت: مصادره یعنی، گرفتن اموال له دولت از محکوم علیه به وسیله یکی از صورهای قانونی، و ضبط عبارتند از: نگهداری دایمی یا موقت آلات و ادوات یا اموال پیرامون جرم. از تعریف واژه ضبط می توان

این گونه دریافت که ضبط خود بر دو نوع است الف): «و آن هنگامی است که اموال حاصله از امکان استرداد به محکوم علیه بر خوردار نخواهند بود» مثل ماده ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور سال ۱۳۶۹ ب): موقت، «و آن هنگامی است که اموال حاصله یا ادوات اخذ شده به محکوم علیه باز گردانده می شود» مثل مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری؛ بدین توضیح که قانون گذار در ماده ۱۰۷ قانون فوق اشاره به ضبط نموده «آلات و ادوات از قبیل: حربه، اسلحه... باید ضبط شود» و بلافاصله در ماده ۱۰۸ اشاره به شماره گذاری و حفظ نمودن آن اموال می کند و در انتها بیان میدارد «... با ذکر مشخصات به صاحبش رسید بدهد» و حال آنکه ارایه رسید جز با هدف استرداد آن ادوات (که جزء اموال هم محسوب میگردند) صورت نمی گیرد. همچنان که قانون گذار در ماده ۱۰۴ قانون فوق در قسمت اخیر این حکم را مقرر می دارد «چنانچه اشیاء مذکور حائزه اهمیت نبوده و ضبط آن ضرورت نداشته با اخذ رسید به صاحبش مسترد می شود».

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

یکی از انواع ضمانت اجراهای کیفری در قوانین جزایی دیوان ضبط و مصادره اموال می باشد. از نظر تاریخی ضبط و مصادره اموال دارای قدیمی بسیار دیرینه است و در اسلام نیز ضبط و مصادره اموال سابقه دارد و از زمان خلفای راشدین شروه شده است. بطور خلاصه ضبط عبارت است از توقیف مال موجود و کشف شده حاصل از جرم کسی بطور موقت و بدون حق برداشت. ضبط اموال یا موقت است یا دائم که در ضبط موقت امید بازگشت وجود دارد لکن ضبط دائم همراه است با سلب مالکیت از مالک. مصادره اموال عبارت است از تصرف و اخذ مال کسی بطور دائم و با حق برداشت آن به نفع مالک اصلی یا به نفع بیت المال یا دولت. مصادره یا عام است یا خاص و یا اجباری است یا اختیاری. علی الاصول ضبط و مصادره اموال به موجب دستور یا قرار یا حکم مقام قضائی می باشد. در مورد ماهیت ضبط و مصادره اموال حقوقدانان نظرات مختلفی ابراز داشتند، عده ای می گویند که ضبط و مصادره اموال دارای ماهیت جزائی است یعنی مجازات است و عده ای بر این عقیده اند که ضبط و مصادره اموال دارای ماهیت مدنی و حقوقی است. در قوانین کیفری ایران از ضبط و مصادره اموال گاهی به عنوان مجازات و گاهی به عنوان یک اقدام تأمین و گاهی هم در مفهوم مدنی آن (استرداد) بکار رفته است. مواد ۱۰ قانون مجازات اسلامی و ۹۶ الی ۱۱۲ آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور

کیفری در رابطه با تعیین و تکلیف اشیا و اموال در امور جزائی علی‌العموم بیان حکم می نماید. مرجع تجدیدنظر از احکام ضبط دادگاه تجدیدنظر و احکام صادره دیوان عالی کشور می باشد.

۳- سوابق تحقیق

علیرغم اهمیت موضوع ضبط و مصادره و رد مال حاصل از جرم این موضوع زیاد مورد توجه حقوقدانان قرار نگرفته است و صرفاً به ذکر ضبط و مصادره اموال در زمره مجازات های مالی بسنده شده است. بررسی انجام شده حاکی از این واقعیت است که در زمینه موضوع پایان نامه، مطالعات و پژوهش های بسیار محدودی انجام شده و منابع محدودی به زبان فارسی به شرح زیر با مشقت در دسترس می باشد:

- ۱- کتاب دکتر حمید محمدی با عنوان ضبط و مصادره و استرداد اموال که در سال ۱۳۷۵ از طرف انتشارات گنج دانش برای یک نوبت چاپ و منتشر شده است.
- ۲- پایان نامه کارشناسی ارشد آقای سید حسن قاسمی با عنوان ضبط و مصادره اموال در حقوق کیفری ایران.
- ۳- پایان نامه کارشناسی ارشد آقای نبی الله پطرودی با عنوان ضبط و مصادره اموال در جرایم قاچاق مواد مخدر.
- ۴- رساله دکترای آقای دکتر حمید دلیر با عنوان اموال مرتبط با جرم در حقوق ایران و انگلستان و اسناد بین المللی که اخیراً به شکل کتاب با عنوان حقوق مصادره از طرف انتشارات بنیاد حقوقی میزان منتشر شده است.

۴- جنبه ی جدید بودن و نوآوری

در مصادره اموال ناشی از جرم در حقوق کیفری ایران، تا به حال در این موضوع پایان نامه به صورت تخصصی کار چندانی صورت نگرفته است. و این پایان نامه سرآغازی برای شروع این گونه تحقیقات در این موضوع می تواند باشد.

۵- اهداف تحقیق

هدف پایان نامه حاضر، بررسی و تبیین نکات مهم مربوط به ضبط و مصادره اموال در قوانین جزائی و بررسی مراجع و مقامات صالح برای اعمال این نوع از مجازات در حقوق کیفری ایران بوده است که از طریق وضع قوانین مناسب و شفاف توسط مجلس مقننه قابل اعمال و اجرا می باشد.

۶- سوالات تحقیق

- ۱- تعریف ضبط چیست و چه تفاوتی با مصادره اموال ناشی از جرم در حقوق کیفری ایران دارد؟
- ۲- ماهیت ضبط و مصادره اموال چیست؟
- ۳- مبانی و ضوابط شرعی و قانونی ضبط و مصادره و رد مال حاصل از جرم کدام است؟

۷- فرضیه های تحقیق

مصادره اموال را به معنای «مال کسی را به زور گرفتن یا به جریمه و توان دادن تعبیر کرده اند». عده ای از حقوق دانان، ضبط را در معنای عالم کلمه به «عمل بایگانی» تعبیر نموده اند (جعفری لنگرودی، محمد جفر، ترمینولوژی حقوق) و از مصادره به «مطالبه مال از سوی دولت از غیر به وسیله طرق قانونی یا طرق متعارف» تعبیر می کنند.

در مقام تعبیر حقوقی این نوع مجازات می توان بیان داشت: مصادره یعنی، گرفتن اموال له دولت از محکوم علیه به وسیله یکی از صورهای قانونی، و ضبط عبارتند از: نگهداری دایمی یا موقت آلات و ادوات یا اموال پیرامون جرم

۸- روش شناسی تحقیق

در روش تحقیق دو مطلب حائز اهمیت می باشد؛ اول گردآوری و دوم تجزیه و تحلیل و فصل بندی مطالب. این پژوهش مانند سایر پژوهش های علوم انسانی تحلیلی و توصیفی بوده و عمدتاً با بهره گیری از منابع اسنادی و کتابخانه ای انجام شده و در گردآوری مطالب و اطلاعات لازم ضمن استفاده از منابع داخلی از منابع بین المللی نیز استفاده خواهد شد.

ابزار جمع آوری اطلاعات در روش کتابخانه ای، همه اسناد چاپی همانند کتاب، دایره المعارف ها، فرهنگ نامه ها، مجلات، روزنامه ها، هفته نامه ها، ماهنامه ها، لغت نامه ها، سالنامه ها، مصاحبه های چاپ شده، پژوهش نامه ها، کتاب های همایش های علمی، متون چاپی نمایه شده در بانک های اطلاعاتی و اینترنت و هر منبعی که به صورت چاپی قابل شناسایی باشد، است.

همچنین روش و ابزار تجزیه و تحلیل داده ها به صورت مطالعه کتابخانه ای علوم انسانی و با بررسی کتاب های فقهی و حقوقی و روش بکارگیری قوانین موضوعه جاری در کشور می باشد.

۹- سازماندهی تحقیق

برای انجام تحقیق، طبق روند نوشتن پایان نامه، ابتدا موضوع انتخاب گردیده و سپس تأیید می گردد. سپس با جستجو در منابع مورد نیاز از طریق مطالعه کتاب های فقهی، حقوقی و مجلات و جستجو در سایت های حقوقی در اینترنت، مطالب لازم به صورت دست نویس گردآوری و نوشته شد. بعد طبق فصل بندی این پایان نامه، مطالب را تنظیم نموده و تایپ و ویرایش گردید.

فصل اول:

کلیات

۱-۱-۱-مبحث اول: کلیات

در این فصل به عنوان فصل آغازین این نوشتار و با عنوان کلیات به دنبال تعریف و باز شناسی مفاهیم اصلی و باز تعریف عنوان های اصلی به کار رفته در این پایان نامه هستیم تا با ارائه ی دید نسبتا جامع و مانع، در ادامه دقیق تر و متقن تر طی طریق نماییم.

۱-۱-۱- گفتار اول: مصادره

در این بخش به تعریف و تبیین مصادره از نظر مفهوم لغوی و اصطلاحی می پردازیم و مفهوم مصادره را در این بخش و از لحاظ حقوقی نیز تبیین و تفسیر می کنیم.

۱-۱-۱-۱- بند اول: مفهوم لغوی

مصادره که گاهی در زبان عربی آن را به صورت مصادرت نیز می نویسند در فرهنگ های لغت به معنی توان گیری و مطالبه ی مال به زور یا به سبب ارتکاب گناه یا اخذ جریمه آمده است.^۱ از سوی دیگر می توان به معانی دیگر این واژه اشاره کرد: جریمه گیری، ضبط کردن اموال و دارایی کسی که به سبب جرمی که مرتکب شده یا دزدی و سلوک در طریق نا راست که سبب به دست آمدن آن دارایی شده است.^۲ برخی از نویسندگان مطالبه ی مال را معنای مصطلح و رایج آن دانسته اند.^۳

از سوی دیگر مصادره را به معنای «مال کسی را به زور گرفتن یا به جریمه و توان دادن» تعبیر کرده اند (عمید،^۴ هم چنین برخی ضبط را با مصادره به یک معنی گرفته اند و در تعریف هر یک تا حدودی شبیه به یکدیگر معنی کرده اند؛ مثلا دکتر محمد معین در ذیل این واژه می گوید:

^۱ - دهخدا، علیاکبر، ۱۳۷۳، لغتنامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۱۲، ص ۱۸۵۳۶.

^۲ - دهخدا، همان.

^۳ - جعفریلنگرودی، محمدجعفر،

۱۳۸۵، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، ص ۶۵۳.

^۴ - عمید، حسن، ۱۳۶۴، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ذیل واژه.

«مصادر هاز نظر لغوی هم معنی مالک سیراب هز و ر ضبط کردن^۱، جرم هم کردن، تاوان بازگیری است»^۲. برخی پا را از این هم فراتر گذاشته اند و قایل به یک معنی خاص و واژه ی خاص در تعریف آن نشده اند و در تبیین و تعریف آن گفته اند: «مصدره عبارت است از استیلا ی دولت بر تمام یا قسمتی از دارایی موجود محکوم علیه به موجب حکم دادگاه»^۳.

با توجه به آن چه تاکنون عنوان شد می توان گفت که در لغت نامه ها از جمله معانی مصدره «جریمه و بازگیری مال» آمده است یا به تعبیر دیگر، هرگاه معلوم شود که مال نزد کسی متعلق به او نیست، به درخواست مالک واقعی، آن مال از متصرف گرفته شده و به مالک واقعی بازگردانده می شود و اگر مجهول المالک باشد به بیت المال داده می شود. اگر شخصی مرتکب جرمی شده که طبق قانون، یکی از مجازات های آن مصدره ی اموال است. مال مصدره شده به مرجعی که در قانون معین شده تحویل می شود.

مصدره، ترجمه کلمه “Confiscation” فرانسه است که در اصل از زبان لاتین^۴ در حدود ۱۵۰۰-۱۶۰۰ سال پیش گرفته شده است و تقریباً به همین شکل در زبان انگلیسی نیز رواج یافته است. در فرهنگ های لغت انگلیسی به انگلیسی در معنای آن آمده است که اخذ و گرفتن مال خصوصی و دارای مالکیت کسی از سوی مرجع رسمی و غالباً به عنوان اعمال مجازات (Longman Dictionary).^۵ هم چنین از این واژه به معنی چپاول مال و مالکیت خصوصی و گرفتن با زور ولی در راستای اجرای قانون و به شکلی قانون مند یاد کرده اند.^۶ از سوی دیگر با واکاوی فرهنگ های لغت انگلیسی می توان به برخی از واژه ها در معنی Confiscation رسید که

^۱ - در ادامه به تنویر این مبحث نیز خواهیم پرداخت.

^۲ - معین، محمد،

۱۳۶۸، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، دوره ششم جلدی، ص ۱۳۸۴.

^۳ - اردبیلی، محمدعلی،

۱۳۸۴، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، انتشارات تمیزان، ص ۱۷۱.

^۴ - <https://en.wikipedia.org/wiki/Confiscation>

^۵ - to officially take private property away from someone, usually as a punishment

^۶ - for more; see: This article incorporates text from a publication now in the public domain: Chisholm, Hugh, ed. (1911). Encyclopedia Britannica (11th Ed.). Cambridge University Press.

تا حدود بسیاری نزدیک به کاربرد آن در زبان فارسی است. از آن جمله می‌توان به مصادره کردن، ضبط کردن، توقیف کردن، گرفتن، محروم کردن از اموال از طریق توقیف و...^۱.

۱-۱-۱-۲- بند دوم: مفهوم اصطلاحی

در تعبیر حقوقی می‌توان بیان داشت: مصادره یعنی گرفتن اموال، له دولت از محکوم‌علیه، به وسیله یکی از صور قانونی. همان طور که پیشتر گفتیم، مصادره از حیث لغوی «توقیف کردن» معنی می‌دهد؛ اما از نظر تعریف حقوقی بعضاً با کلمه ی ضبط مترادف است. یکی از اساتید حقوق آن را چنین تعریف کرده است: «مصادره یا ضبط اموال عبارت است از استیلائی دولت بر تمام یا قسمتی از دارایی موجود محکوم علیه به موجب حکم دادگاه».^۲

در تعریف دیگری مصادره اموال همان ضبط دائم اموال دانسته شده است که عبارت است از این که: «مصادره ی اموال یا در ادامه ضبط موقت اموال است که بدو از سوی مأموران کشف جرم و یا به دستور دادگاه کیفری بنا به احتیاط و تأمین حقوق زیان دیده از جرم بیت المال یا دولت و یا رعایت حال جامعه صورت گرفته و یا پس از رسیدگی به اتهام متهم و محاکمه ی او از سوی دادگاه کیفری و به عنوان مجازات مالی و یا به جهت استرداد حقوق زیان دیدگان رأساً و به موجب حکم خاص صورت می‌گیرد».^۳

مصادره می‌تواند بر دو نوع عام^۴ یا خاص^۵ باشد. مصادره ی عام مصادره ای است که تمامی اموال حاصله در هر صورت به نفع دولت از محکوم اخذ می‌شود. مصادره خاص مصادره ای

۱- ال. بی. کرزون، ۱۳۸۷، فرهنگ حقوق، ترجمه هیئت مدیره گلکاریانو، تهران، انتشارات دانشیار، ص ۱۲۴.

۲- اردبیلی، همان.

۳- محمدی، حمید، ۱۳۷۳، بررسی مواد ۱۰ قانون مجازات اسلامی ۱۰۷ آیین دادرسی کیفری، پایان نامه حقوق جزا و ایدانشگاه آزاد مرکز تهران، ص ۳۰۸.

۴- Confiscation General

۵- Confiscation Special

۶- مصادره ی عام مثل ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی و مصادره خاص مثل بند چهار ماده ۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر.

است که بنا به دلایلی فقط بخشی از اموال محکوم علیه که ناشی از جرم بوده به نفع دولت اخذ می شود. در تعریف و تبیین بیشتر این دو نوع از مصادره می توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱-۱-۱-۱-۲-۱- مصادره خاص

یک نوع مجازات تکمیلی اجباری است که به آلات و ادوات به کار رفته در جرم یا اموال و اشیایی که موضوع جرم بوده یا به ارتکاب جرم اختصاص یافته یا از جرم ناشی شده، تعلق می گیرد که معمولاً در جرایم جنایی مورد استفاده ی حکم قرار می گیرد. حکم این موضوع برای اولین بار، در ماده (۲۱ - ۱۳۱) قانون مجازات عمومی فرانسه مصوب ۱۹۹۲ م.^۱، که در ژوئیه ۱۹۹۴ م. لازم الاجرا شد، بیان شده است. به موجب این ماده، آلات و ادوات جرم یا اشیا و لوازم مذکور به نفع دولت یا شخص ثالث ضبط می شود.^۲ در واقع مصادره ی خاص عبارت از ضبط بخشی از دارائی که مؤثر در وقوع جرم بوده است، می باشد. مصادره ی خاص اصولاً یک نوع مجازات تکمیلی است که در کنار مجازات اصلی تعیین و به مورد اجراء گذارده می شود.^۳

¹ - ARTICLE 131-21 ; (Act no. 92-1336 of 16 December 1992 Articles 342, 343 and 373 Official Journal of 23 December 1992 into force 1 March 1994).

(Act no. 2003-495 of 12 June 2003 art. 6 II Official Journal of 13 June 2003)

(Act no. 2004-204 of 9 March 2004 article 60 II Official Journal of 10 March 2004)

Confiscation is mandatory for the articles defined as dangerous or noxious by statute or by regulations. Confiscation affects the thing which was used or intended for the commission of the offence or of the thing which is its product, except for articles subject to restitution. It may also relate to any movable property defined by the statutes or the regulations sanctioning the offence. The subject-matter of an offence is treated as a thing used for the commission of the offence or the product of an offence in the sense of paragraph two above. Where the thing confiscated has not been seized or cannot be produced, confiscation in value is imposed. For the recovery of the sum representing the value of the thing confiscated, the provisions governing judicial enforcement of public debts apply. The thing confiscated devolves to the State, except where a specific provision prescribes its destruction or its attribution, but remains encumbered up to its full value with any proprietary right lawfully created in favor of third parties. Where the thing confiscated is a vehicle that has not been seized or impounded during the investigation, the offender must, on the orders of the public prosecutor, hand over the vehicle to the department or organization responsible for destroying or disposing of it.

² -George levasaur, Albert chavanne Jeanmontril droit penal genal ET, procedure penale, edition 1994, Pp. 644-647.

³ -http://thesaurus.islamicdoc.org/thesaurus/thesaurus1.php?term_code1=247453

ماده ی (۱۰) قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰، که بازنویس ماده ی (۹) قانون مجازات عمومی و متخذ از قانون فرانسه است، نیز به همین موضوع اختصاص یافته و مقرر می دارد: «بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب باید تکلیف اشیا و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله جرم بوده یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال یا برای استعمال اختصاص داده شده است، تعیین کند تا مسترد یا ضبط یا معدوم شود. در مورد ضبط، دادگاه تکلیف اموال و اشیا را تعیین خواهد کرد...»^۱ در فراز آخر ماده مقرر شده: «... دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن، اعم از اینکه مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوف شدن تعقیب متهم باشد، نسبت به اشیا و اموالی که وسیله جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال یا برای استعمال اختصاص داده شده، حکم مخصوص صادر و تعیین نماید که آنها باید مسترد یا ضبط یا معدوم شود.»^۲

در ماده ی (۱۳) قانون اقدامات تأمینی^۳ نیز اشیایی که باید معدوم یا ضبط شوند، مشخص شده است و ضابطه ای که در این ماده قید شده آن است که وجود آلات و ادوات جرم یا حاصل شده از جرم، مخزن نظم عمومی یا آسایش مردم باشد.

در قوانین مختلف مانند قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات مصوب ۱۳۵۰ و ماده (۲۲) قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴ شهریور ماه ۱۳۷۴، مصادره ی سلاح و مهمات قاچاق و محصولات صیادی را در صورتی که شناور صیادی

۱- ن. ک. : فرج الهی، رضا، ۱۳۸۸، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، چاپ اول، تهران، نشر میزان.

۲- با مقایسه متن دو ماده (۲۱ - ۱۳۱) قانون فرانسه، و ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی ایران، به این نتیجه می رسیم که در قانون فرانسه، ضابطه معدوم نمودن اشیا مشخص شده، که چنانچه خطرناک یا زیان بار باشند، دادگاه حکم به معدوم شدن آنها می دهد. ولی ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی، ضابطه های به دست نداده است. در ماده (۲۱ - ۱۳۱) قانون جزای فرانسه، ضبط اشیا و اموال به قانون محول شده و اضافه کرده است، چنانچه اشیا مذکور به دست نیامده یا کشف نشده باشند، قیمت آنها از مجرم اخذ می شود. به هر حال، حقوق عینی قانونی اشخاص ثالث نسبت به آنها محفوظ خواهد ماند.

۳- ماده ۱۳ - اشیایی که آلت ارتکاب جرمی بوده و یا این که در نتیجه جرم حاصل شده باشد در صورتی که وجود آنها موجب تشویش اذهان و یا مخزن نظم عمومی یا آسایش مردم باشد بر حسب تقاضای دادستان و حکم دادگاه جنحه دستور ضبط آنها صادر می شود ولو آنکه هیچ کس را نتوان تعقیب یا محکوم نمود دادگاه حق دارد دستور دهد که اشیاء ضبط شده را از دسترس عموم خارج کرده و یا آنها را نابود نمایند.

خارجی باشد و بدون کسب پروانه، اقدام به صید کنند و محصولات صیادی و پرورشی و حاصل فروش آن‌ها و آلات و ادوات صید و سایر ابزار را در صورت تکرار جرم از طرف اتباع ایرانی به صورت اختیاری قابل مصادره دانسته است. لایحه‌ی قانونی مجازات صید غیر مجاز از دریای خزر و خلیج فارس مصوب ۱۳۵۸، و ماده (۱۴) از قانون شکار و صید، تور ماهیگیری، وسایل شکار و صید، نورافکن، دوربین چشمی، تور، قلاب ماهی‌گیری و آلات و ادوات صید غیر مجاز را قابل مصادره دانسته است.

به طور کلی برای تشخیص قابلیت ضبط و استرداد یا معدوم نمودن آلات و ادوات جرم یا ناشی از جرم یا به کار رفته و اختصاص یافته در حین جرم، باید حسب مورد به ماده‌ی قانونی مربوط به هر جرم رجوع کرد. بدیهی است در موارد مشکوک جز اشیایی که مشمول عنوان کلی مذکور در ماده (۱۳) قانون اقدامات تأمینی است، اصل بر مشروعیت اشیا و لوازم بوده و باید به صاحبانشان مسترد گردد.

در قانون مجازات اسلامی اصلاحی فعلی نیز می‌توان مصادره‌ی خاص را در ماده‌ی ۲۱۵ ذیل بخش ششم مشاهده کرد. در این ماده، قانون مقرر می‌دارد که «بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله‌ی ارتکاب جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا حسب مورد، مسترد، ضبط یا معدوم شود». همان‌طور که شاهد هستیم این ماده شبیه ماده‌ی مربوطه در قانون مجازات اسلامی پیشین است. در ادامه‌ی این ماده در مورد ضبط توسط دادگاه آمده است که «در مورد ضبط، دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین می‌کند» و در واقع به جز دادگاه صالحه کسی و یا نهاد دیگری نمی‌تواند برای این موارد تصمیم‌گیری کند.

با همه‌ی آن‌چه عنوان شد در ادامه‌ی این ماده، قانون‌گذار به مورد مهمی اشاره کرده و تکلیف اشیا و اموال مضبوط و مصادره شده را که نیازی در ادامه‌ی دادرسی و بازرسی نیست تعیین کرده و می‌گوید: «هم‌چنین بازپرس و یا دادستان مکلف است مادام که پرونده نزد وی جریان دارد به تقاضای ذی‌نفع و با رعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیاء مذکور را صادر نماید: الف-

وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد. ب- اشیاء و اموال، بلامعارض باشد. پ- جزء اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد»^۱

۱-۱-۱-۲-۲-مصادره عام:

مصادره ی عام نیز یک مجازات تنمیمی یا تکمیلی است، ولی از نوع اختیاری که به اموال محکوم علیه به ارتکاب جنایت تعلق می گیرد. این مجازات در طول دو قرن گذشته در فرانسه دست خوش تغییر و تحولاتی قرار گرفته و گاهی الغاء و سپس برقرار گردیده است. مصادره ی عام گاهی کلیه ی اموال محکوم علیه را شامل می شود که به آن مصادره کلی^۲ می

۱- ماده ۲۱۵- بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا حسب مورد، مسترد، ضبط یا معدوم شود. درمورد ضبط، دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین می کند. همچنین بازپرس و یا دادستان مکلف است مادم که پرونده نزد وی جریان دارد به تقاضای ذینفع و با رعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیاء مذکور را صادر نماید:

الف- وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد.

ب- اشیاء و اموال، بلامعارض باشد.

پ- جزء اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد.

در کلیه امور جزائی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن اعم از اینکه مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوفی تعقیب متهم باشد، در مورد اشیاء و اموالی که وسیله ارتکاب جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص یافته است، باید رأی مبنی بر استرداد، ضبط یا معدوم شدن آن صادر نماید. تبصره ۱- متضرر از قرار بازپرس یا دادستان یا قرار یا حکم دادگاه می تواند از تصمیم آنان راجع به اشیاء و اموال مذکور در این ماده شکایت کند و طبق مقررات در دادگاههای جزائی شکایت خود را تعقیب و درخواست تجدیدنظر نماید هرچند قرار یا حکم دادگاه نسبت به امر جزائی قابل شکایت نباشد. تبصره ۲- مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب برای دولت است یا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن می گردد و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نیست وهمچنین اموال ضایع شدنی و سریع الفساد حسب مورد به دستور دادستان یا دادگاه به قیمت روز فروخته می شود و وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهائی در صندوق دادگستری بهعنوان امانت نگهداری می گردد.

² - Total Confiscation

گویند و زمانی به جزیی از اموال محکوم علیه تعلق می گیرد که مصادره ی جزیی^۱ نامیده می شود.

ضبط کلیه ی دارائی یا مصادره ی عام گاهی به « اعدام مدنی »^۲ یاد می شود. در برخی از قوانین جزائی ایران چنین مصادره ای پیش بینی شده که به عنوان نمونه به دو مورد زیر اشاره می شود.^۳ در ماده ۱۳ آئین نامه دادگاه ها و داد سراهای انقلاب مصوب ۱۳۵۸ مقرر شده است که: « مجازات ها طبق حدود شرع اسلام و شامل اعدام، حبس، تبعید و ضبط اموالی که از راه غیر مشروع بدست آورده پس از تسویه دیون خواهد بود. در مورد ضبط اموال غیر مشروع در صورتی که محکوم علیه دارائی مشروعی نداشته باشد، نفقه ی قانونی اشخاص واجب النفقه به تشخیص دادگاه با دولت خواهد بود.»

در ماده ی ۲ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹ آمده است: « هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده یک چنان چه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنان چه در حد فساد فی الارض باشد، مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج تا بیست سال محکوم می شود و در هر دو صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده است، حکم خواهد داد. دادگاه می تواند علاوه بر جریمه مالی و حبس، مرتکب را به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در انظار عموم محکوم نماید.»

اصل (۴۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به طور مستقل مصادره ی اموال انباشته شده از ربا، دایر کردن قمار، غصب، سرقت، اختلاس و ارتشا و ... را به عهده ی دولت گذاشته که باید با رسیدگی دقیق قضایی انجام شود.

¹ - Particle Confiscation

² - Civil execution

^۳ - این قسم از مجازات در قوانین سال های ۱۷۹۲ و ۱۸۱۰ فرانسه علیه محکومین سیاسی و مرتکبین جنایات سوء قصد به شخص پادشاه و نیز در قانون سال ۱۹۱۸ همان کشور در مورد جرائم علیه امنیت خارجی مملکت پیش بینی شده بود.

در بندهای ۴، ۵ و ۶ ماده (۵)^۱ و بند ۶ ماده (۸)^۲ و تبصره ی یک قانون مبارزه با مواد مخدر نیز، مصادره کلی اموال قاچاقچیان عمده به استثنای هزینه ی متعارف خانواده پیش بینی شده است. هم چنین در ماده (۲) قانون اخلاص گران اقتصادی کشور، مصادره ی کلیه اموال مقرر گردیده است. این نوع مصادره یک مجازات مالی به منظور پیش گیری از قاچاق عمده ی مواد مخدر و به کار انداختن سرمایه در فعالیت های فساد انگیز قاچاق هروئین و تریاک و یا قاچاق عمده کالای مورد نیاز به قصد مقابله با نظام، با علم به مؤثر بودن اقدام، در مقابله با نظام در حد افساد فی الارض است.

در قانون مجازات اسلامی اصلاحی جدید هم در باره ی مصادره ی کل اموال محکومین قواعد و مقرراتی وجود دارد، از جمله در ذیل ماده ی ۱۹ این قانون آمده است که مجازات های تعزیری به هشت درجه تقسیم می شود که در مجازات های درجه ی ۱ مصادره ی کل اموال نیز پیش بینی شده است.^۳

۱- ماده ی ۵ - هرکس تریاک و دیگر مواد مذکور در ماده ۴ را خرید، نگهداری، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد و تبصره ذیل همین ماده به مجازات های زیر محکوم می شود: ... ۴- بیش از پنج کیلوگرم یا بیست کیلوگرم، شصت تا دویست میلیون ریال جریمه نقدی و پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و پنج تا ده سال حبس و در صورت تکرار برای بار دوم علاوه بر مجازات های مذکور، به جای جریمه مصادره اموال ناشی از همان جرم، و برای بار سوم اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم. ۵- بیش از بیست کیلوگرم تا یکصد کیلوگرم، علاوه بر مجازات مقرر در بند ۴ به ازاء هر کیلوگرم دو میلیون ریال به مجازات جزای نقدی مرتکب اضافه می گردد و در صورت تکرار اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم. ۶- بیش از یکصد کیلوگرم، علاوه بر مجازات جریمه نقدی و شلاق مقرر در بندهای ۴ و ۵ حبس ابد و در صورت تکرار اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم. تبصره - مرتکبین جرائم فوق چنانچه به صورت زنجیره ای عمل کرده باشند و مواد برای مصرف داخل باشد مشمول مجازات های ماده ۴ خواهند بود و چنانچه یکی از دو شرط موجود نباشد به مجازات های این ماده محکوم می گردند.

۲- ماده ۸ - هر کس هروئین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین و یا لیزرژیک اسید دی اتیل آمید (ال.اس.دی)، متیلن دی اکسی مت آمفتامین (ام.دی.ام.آ. یا آکستاسی)، گاما هیدروکسی بوتیریک اسید (جی.اچ.بی)، فلونیترازپام، آمفتامین، مت آمفتامین (شیشه) و یا دیگر مواد مخدر یا روان گردان های صنعتی غیر دارویی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می رسد را وارد کشور کند و یا مبادرت به ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، خرید یا فروش نماید و یا در معرض فروش قرار دهد و یا نگهداری، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به میزان مواد به شرح زیر مجازات خواهد شد: ... ۶- بیش از سی گرم، اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

۳- ماده ۱۹- مجازات های تعزیری به هشت درجه تقسیم می شود:

مصادره ی اموال بزهکاران به ویژه کسانی که از راه نا مشروع به ثروت های کلان دست یافته اند، مجازاتی مؤثر و عادلانه است؛ لیکن آثار محکومیت، خانواده و کسان دیگر محکوم علیه را متأثر می سازد.^۱ مصادره از نگاه دیگر، به دو نوع اجباری^۲ و اختیاری^۳ تقسیم می شود که در قوانین مختلف، نیز این دو نوع مصادره به خوبی مشهود است. از موارد اختیاری بودن مصادره که قانون، دادگاه را مخیر به ضبط آلات و ادوات جرم دانسته، ماده ی (۲۲) قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی^۴ است که در صورت تکرار جرم، دادگاه می تواند آلات و ادوات به کار رفته را مصادره

درجه ی ۱

- حبس بیش از بیست و پنج سال
- جزای نقدی بیش از یک میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال
- مصادره کل اموال
- انحلال شخص حقوقی
- ^۱ - اردبیلی، همان

^۲ -obligatory

^۳ -Facultative

^۴ - ماده ۲۲- الف - هر شناور صیادی خارجی که بدون کسب پروانه لازم پیش بینی شده در این قانون اقدام به انجام فعالیت صیادی در آبهای مذکور در ماده ۲ این قانون بنماید، به پرداخت جزای نقدی از دو میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال و مصادره محصولات صیادی محکوم می گردد. علاوه بر مجازات فوق الذکر دادگاه می تواند شناور صیادی، آلات و ادوات صید و سایر ابزار موجود در شناور را نیز مصادره نماید.

ب - مرتکبین جرائم ذیل: ۱- انجام فعالیت صیادی اشخاص ایرانی بدون کسب پروانه لازم پیش بینی شده در این قانون. ۲ - انتقال غیر مجاز محصولات صیادی از شناور به شناورهای غیر مجاز. ۳ - عرضه و انتقال آبیان به منظور تکثیر و پرورش آن ها بدون داشتن گواهی بهداشتی. ۴ - فروش آلات و ادوات صیادی غیر مجاز. ۵ - تغییر مسیر، ایجاد موانع فیزیکی و احداث هر گونه تاسیسات غیر مجاز در رودخانه هایی که به عنوان مسیر مهاجرت یا تکثیر طبیعی آبیان تعیین شده اند. ۶ - ایجاد هر گونه آلودگی یا انتشار بیماری های مسری و تخلیه فاضلاب های صنعتی و هر گونه مواد آلاینده که باعث خسارت به منابع آبی شود. با حکم محاکم قضائی محکوم به پرداخت جزای نقدی تا سه برابر ارزش محصول (متناسب با نوع تخلف، ظرفیت شناور، میزان و نوع صید) برای موارد ۱ و ۲ و ۳ و یا یک تا پنج میلیون یال برای سایر موارد می شود بعلاوه دادگاه می تواند محصولات صیادی و پرورشی و یا حاصل فروش آن ها و آلات و ادوات صید و سایر ابزار و مواد بکار رفته در ارتکاب جرائم را مصادره نماید و واحد آلاینده را نیز تا رفع نقص از ادامه کار باز دارد. در صورت تکرار جرائم مقرر در این بند دادگاه علاوه بر مجازات مقرر، آلات و ادوات صید و سایر ابزار و ادوات بکار رفته در ارتکاب جرائم مذکور را مصادره می نماید.

ج - شرکت سهامی شیلات ایران می تواند صیادانی را که مرتکب یک یا تمام جرائم زیر شده باشند به دادگاه معرفی نماید. دادگاه نسبت به مراتب و درجات جرم مرتکبین را به پرداخت جزای نقدی از یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال و مصادره محصولات

کند. نکته ی جالبی که در این ماده به طور عیان مشهود است، به کاربردن کلمه ی «مصادره» به جای «ضبط» است که همین صراحت موجب اختلاف و تهاافت در آرای دو شعبه چهارم و نوزدهم دیوان عالی کشور و سبب صدور رأی وحدت رویه شده است.

جهات مصادره ی اموال را می توان به شرح ذیل نام برد: ۱. به عنوان کیفر و مجازات مجرمی که در اثر ارتکاب جرم و از طریق مجرمانه آن اموال و اشیا را به دست آورده، دادگاه حکم به مصادره اموال می دهد. البته در صورتی که این نوع از ضمانت اجرای کیفری به عنوان مجازات های اصلی یا مجازات تکمیلی توسط مقنن در متن قانونی پیش بینی شده باشد. ۲. به منظور احقاق حقوق عمومی و اعاده اموال به غارت برده شده از بیت المال عمومی توسط مجرم، گاهی دادگاه حکم به مصادره اموال به غارت برده شده یا برای اعمال مجرمانه می دهد. ۳. به منظور پیشگیری از وقوع جرم و یا رفع خطر و یا جلوگیری از ورود ضرر به افراد و جامعه، گاهی دادگاه حکم به مصادره اشیا و اموال خطرناک و مضر صادر می کند.^۱

جایگاه مصادره ی اموال جرائم مالی است؛ یعنی قانونگذار این ضمانت اجرا را خاص جرائمی دانسته که با هدف و انگیزه مالی صورت گرفته است؛ خواه این هدف و انگیزه ی مستقیم باشد یا غیر مستقیم. از این رو باید بیان داشت ضبط و مصادره در تمامی جرائم مالی به عنوان یک

صیادی و ابزار و آلات صید محکوم می نماید. ۱ - صید در مناطق یا فصول ممنوعه. ۲ - صید گونه هایی که صید آن ها ممنوع اعلام شده است. ۳ - صید گونه هایی که برای آن ها اجازه لازم دریافت نشده است. ۴ - فعالیت شناورهای صیادی صنعتی در مناطق صید ساحلی. ۵ - صید با آلات و ادوات و مواد غیر مجاز و یا نگهداری این گونه آلات و ادوات و مواد در شناور بدون کسب مجوز از شیلات. ۶ - حمل و نگهداری محصولات صید شده غیر مجاز در شناور. ۷ - عدم ارسال اطلاعات مربوط به ماده ۱۶ این قانون و یا ارائه اطلاعات غیر واقعی مربوط به صید و فعالیت های تکثیر و پرورش انجام شده و به ترتیب مقرر در این قانون و مقررات اجرایی آن. ۸ - عدم رعایت مقررات مربوط به در معرض دید قرار دادن علائم، اسامی، حروف و شماره هایی که شناسایی یا تعیین هویت شناور را ممکن می سازد.

د - صید، عمل آوری، عرضه، فروش، حمل و نقل، نگهداری واردات و صادرات انواع ماهی های خاویاری و خاویار بدون اجازه شیلات ممنوع است و مرتکب یا مرتکبین به جزای نقدی تا سه برابر ارزش محصول (متناسب با نوع و میزان صید) و حبس یک تا سه ماه محکوم می شوند. در صورت تکرار جرائم مقرر در این بند دادگاه مرتکب یا مرتکبین را علاوه بر جزای نقدی مقرر به نود و یک روز تا شش ماه حبس تعزیری محکوم می نماید.

۱- مانند حکم به ضبط دائم اسلحه غیر مجاز.

مجازات مستتر است، با این تفاوت که در برخی از جرائم مالی اصطلاح ضبط و مصادره بیان می‌گردد و به عبارتی موضوع نص صریح قانون است.

در پاره ای موارد نیز با آن‌که قانون‌گذار به صراحت قیدی از مصادره یا ضبط اموال به میان نمی‌آورد، لکن حکمی را بیان می‌دارد که لازمه ی اجرای آن، ضبط یا مصادره اموال است. مانند ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاه برداری که عبارت رد اصل مال به صاحبش در ماده فوق ناظر به این مدعاست؛ چرا که این استرداد مستلزم نگهداری موقت مال مسترد شده از محکوم‌علیه می‌باشد. بهترین نمود جهت اجرای مجازات ضبط و مصادره اموال در جرائم پول شویی یا همان تطهیر پول در مفهوم «مخفی کردن منبع اصلی اموال ناشی از جرم و تبدیل آنها به اموال پاک، به طوری که یافتن منبع اصلی آن غیر ممکن یا بسیار دشوار گردد»، می‌باشد.^۱

۱-۱-۱-۳- بند سوم: سابقه

هر چند می‌توان مواردی از مصادره و ضبط اموال پیش از اسلام و در ایام تابخی به دست داد و در مورد آن‌ها مواردی را عنوان داشت ولی باید خاطر نشان کرد که به دلیل نبود کتابت و تاریخ موثق از این ایام، نمی‌توان به ضرس قاطع در مورد این ایام سخن گفت و به بررسی پرداخت. ولی باید گفت که ضبط و مصادره ی اموال از گذشته های بسیار دور رواج داشته و بیشتر به عنوان حربه ای علیه سرمایه داران و برای کسب اموال و دارایی آنان از جانب پادشاه مورد استفاده قرار می‌گرفت. در واقع وقتی کسی غیر از پادشاه از هر طریقی اموال و دارایی زیادی کسب می‌کرد، حتی اگر این فرد یکی از وزرا و یا درباریان می‌بود، به ترفندهای متفاوتی و با مورد اتهام قرار دادن او، در صدد کسب اموال او بر می‌آمدند و با ضبط و مصادره ی اموال، او را از هستی ساقط می‌کردند. در برخی موارد برای افراد سرشناس و سرمایه دار، مجازات قتل مقرر می‌کردند، که البته با

^۱ - ۱۳۸۰، پاک‌نماییتطهیر اموالکثیفناشیا زجرم، فصلنامهیدگها یحقوقض ایی، بهار و تابستان - شماره ۲۱ و ۲۲. ص ۳۳۲.

وساطت و ریش سفیدی برخی افراد متنفذ این حکم تبدیل به پرداخت جریمه می شد و این پرداخت جریمه به ضبط و مصادره ی اموال وی به نفع پادشاه منتهی می شد.

در واقع ضبط و مصادره ی اموال پیش از اسلام اکثرا برای کسب سرمایه و مال افراد بود و هیچ قانون مشخص و خاصی آن را در بر نمی گرفت. قوانین و فرمان ها اکثرا دل بخواهی و بدون پشتوانه ی حقوقی بود.

در اسلام مصادره ی اموال سابقه دارد و از همان ابتدای شکل گیری اسلام و در زمان خلفای راشدین شروع شده است، به این معنی که اگر والیان (عمال) از راه تجارت یا طریق دیگر اضافه بر حقوق، سودی به دست می آوردند، خلفا نصف آن سود را به نفع بیت المال مصادره می کردند.^۱ چنان که عمر با والیان خود در کوفه و بصره و بحرین چنان کرد و این عمل را در آن زمان مقاسمه^۲ و مشاطره^۳ می گفتند.

^۱ - البته باید توجه داشت که این ماده ها جنبه ی عمومی داشتند و به بیت المال تعلق می گرفتند.

^۲ - در لغت به معنی سوگند خوردن، با کسی سوگند خوردن، کسی را چیزی بخشیدن می باشد و در اصطلاح مالیات مخصوص اراضی که دولت اسلام از مسلمین یا اجانب تحت مقررات معین می گرفت. در این اصطلاح لغت «خراج» هم استعمال شده است. (ترمینولوژی حقوق تالیف جعفری لنگرودی). تقویم مالیات دیوانی از طریق تثبیت مقدار معینی از غله. تشخیص مقدار مالیات دیوان بوسیله تعیین سهم معینی از محصول. در واقع در معنای خراج، هر چند به معنای مطلق مالیات اراضی خراجی است؛ خواه مالیات، سهمی از محصول زمین-مثلا نصف یا ثلث آن - باشد یا مقداری مالعین از غیر آن؛ لیکن گاه در کلمات فقها همراه (مقاسمه) به کار رفته، که مراد از آن، مقداری مال از غیر محصول زمین خراجی است و مراد از (مقاسمه) سهمی از محصول زمین می باشد. مفهوم خراج در این کاربرد، مفهومی خاص است.

^۳ - در لغت به معنای چیزی را با کسی به دو نیم کردن، مناصفه، خانه ی خود را به خانه ی دیگری متصل کردن و ... آمده است. ابن سعد می گوید: عمر هر کس را به ولایتی می فرستاد اموال او را می نوشت و پس از بازگشت هر چه داشت دو نیمه می کرده نیمی را برای بیت المال برمی داشت و نیمی را به او پس می داد (این مشاطره اموال است) ابن سعد می افزاید عمر بعضی از اصحاب پیامبر (ص) هم چون، سعد بن ابی وقاص ابو هریره، عمر بن العاص، معاویه و... را سرکار می نهاد اما کسانی را که از آن ها برتر بودند هم چون عثمان، علی (ع)، طلحه، زبیر، ابن عوف، و... را رها می کرد چرا که آن افراد قوت بر کار داشتند و نسبت به امور بیناتر بودند (طبقات الکبری ج ۳ ص ۲۸۲، ۲۸۳، ۱۴۹). این مشاطره اموال در حقیقت به معنای آن است که والی اموالی را که از بیت المال بوده دزدیده است و باید از او پس گرفت:

در زمان بنی امیه که مامورین عالی رتبه ی دولت با ظلم و زور و استبداد مردم را غارت می کردند. مصادره به نام استخراج صورت می گرفت، تا آن درجه که در اواخر حکومت بنی امیه عاملی که از کار برکنار می شد دارایی او را حساب می کردند و آن چه از دستشان می آمد از دارایی والی ضبط می نمودند. در اوایل خلافت عباسیان مصادره معمول نبود؛ ولی بعدها که بیداد و طمع حکام آغاز گشت مصادره نیز رایج شد. منصور محلی را به نام «بیت المال مظالم» تاسیس کرد و هرچه از ماموران به مصادره می گرفت در آن محل جمع می کرد. بعدها مهدی و هارون و مامون و مهدی نیز به سبب مال های کلان که عمال از مردم ستنده بودند به مصادره ی اموال آنان پرداختند. مصادره اموال عمال گاه پیش از مرگ و گاه پس از مرگ آنان صورت می گرفت، چنان که هارون اموال علی بن عیسی والی خراسان را پیش از مرگ او مصادره کرد که تنها اموال منقولش ۱۵۰ بار شتر بود و اموال محمدبن سلیمان پس از مرگ وی مصادره گردید.

بعد از عمال مصادره ی وزیران شروع شد. زیرا مال های غارتی در بغداد نزد وزیران جمع می شد و خلفا آن را مصادره می کردند. این نوع مصادره در عهد «مقتدر» بیش از هر هنگام دیگر صورت گرفت، زیرا او در خردسالی به خلافت رسیده بود و وزیران از این فرصت استفاده کرده اموال کلانی به دست آورده بودند. مانند: ابن فرات و خاقانی و حامد بن عباس و عبدالله بن محمد و احمد بن عبیدالله که اموال همگی مصادره شد و خود زندانی یا کشته شدند.

عمرو بن العاص از جمله کسانی است که اموال او مشاطره شده است، خلیفه شنید که عامل او در شهر حمص خانه هائی ساخته و در بانی نیز بر آن نهاده کس را بفرستاد تا درب خانه او آتش زنند و باز پس از چندی او را بکارش گمارد (حیة الصحابة ج ۲ ص ۲۱۰، از کنز العمال ج ۳ ص ۱۶۶) خلیفه شخصی را به بادیه ای فرستاد تا هر کس قرآن نمی خواند او را تأدیب کند او نیز شخصی را آنقدر کتک زد تا مرد در حقیقت این قوت اوست. و اموال ابو هریره را که والی در بحرین بود مشاطره کرده و او را متهم به دزدی از بیت المال نمود. همچنین اموال «ابو موسی اشعری» و «حارث بن کعب» نیز مورد مشاطره قرار گرفته است «عتبه بن ابو سفیان» که مسئول جمع آوری زکات در طائف بود اموالش مورد مشاطره قرار گرفت. «ابو بکر» نیز از جمله والیان خلیفه بود وقتی عمر اموال او را مشاطره می کرد ابو بکر می گفت اگر همه این مال از آن خداست چرا همه را نمی گیری و اگر از ماست پس چرا آنرا می گیری. عین همین اعتراض نیز از علی (ع) در مورد عمر نقل گردیده و اضافه شده که تعجب از آنجاست که خلیفه آنها را باز بر سر کارهای اولیه می فرستد، وقتی والی خلیفه از یمن برگشت و لباسی زیبا بر تن داشت عمر گفت تا لباس او را در آوردند و باز او را به محل کارش اعزام داشت. از جمله کسانی که اموالشان مشاطره شد سعد بن ابی وقاص است.

به این ترتیب در عهد عباسیان مصادره، منبع درآمد عمومی و خصوصی شد. والی مردم را مصادره می کرد. وزیر والی را و خلیفه وزرا را و طبقات مختلف مردم یکدیگر را. اما خلفا تا برای پرداخت سپاهیان و هزینه های دیگر مجبور نمی شدند اموال وزیران را مصادره نمی کردند. خلفا اموال وزیران را متعلق به بیت المال و استرداد آن را که به زور از مردم گرفته شده بود برای رفع حوائج عمومی امری مشروع می دانستند.

مصادره ی اموال وزیران و امیران و صاحبان مشاغل و عمال و حکام در دستگاه سلاطین نیز رایج بوده است، چنان که نمونه های بسیار از آن را در تاریخ بیهقی و دیگر کتب ادب و تاریخ می توان دید و البته این غیر از نقل کلیه اموال و ضبط املاک کسی بوده که با امیر یا سلطان رابطه مملوکیت داشته.

این ترتیب و روال در طول قرن ها ادامه داشت و می توان عنوان داشت که جز در برخی مواقع تاریخی محدود که به واسطه ی سر کار آمدن حکمرانانی عادل که از انگشتان یک دست تجاوز نمی کردند شاهد ضبط و مصادره ی اموال مردم و به خصوص صاحبان سرمایه بوده ایم و ضبط و مصادره ی اموال و مصادره ی اموال ناشی از جرم از قانون و مقررات خاصی تبعیت نمی کردند.

از زمان به وجود آمدن قانون مدون در کشور، برخی تغییرات در ظاهر در مورد ضبط و مصادره ی اموال به وجود آمد. اگر بخواهیم سابقه ی مصادره ی اموال را از منظر حقوقی مورد مطالعه قرار بدهیم و در ادوار تاریخی به بحث مصادره ی اموال و مصادره ی اموال ناشی از جرم بپردازیم باید به قانون جزای عمومی پیش از انقلاب که مصوب ۱۳۰۴ هجری شمسی می باشد رجوع کنیم. بر اساس مواد این قانون، که نخستین قانون مدون و موضوعه ی جزایی ایران به شیوه ی جدید می باشد، و در ماده ی ۳ قانونگذار به بحث مصادره و رد اموال ناشی از جرم می پردازد و اشعار میدارد: «مجرم باید مالیراکه به واسطه ی جرم تحصیل کرده است (مثلا مال مسروق و قهوغیره) اگر موجود باشد، عیناً و اگر موجود نباشد، مثلیاً قیمت آنرا به صاحبش بدهد و از عهده ی خساراتیکه وارد آورده استبر آید». بر این اساس مشاهده می کنیم که از همان ابتدا که قانون مدون در کشور به تصویب رسیده و به مرحله ی اجرا در آمده است قانون گذار به بحث مصادره ی اموال توجه نشان داده است.

روند قانون گذاری همچنان ادامه داشته و با اصلاحاتی در طول بعد از انقلاب تا سال ۱۳۹۲ که قانون مجازات اصلاحی فعلی به تصویب رسید روند مصادره و ضبط اموال چهره ی قانونی

گرفته و در بیشتر مواقع ضبط و مصادره در مورد اموالی صورت می گیرد که یا ناشی از جرم هستند و یا اموال و آلاتی که در ارتکاب جرم به کار رفته اند.

۱-۲- مبحث دوم: مال

در این قسمت به توضیح و تشریح مال و انواع آن و مفاهیم لغوی و اصطلاحی و حقوقی مال می پردازیم و مباحث مورد نیاز برای ورود به بحث را پیش از پیش تنویر می کنیم.

۱-۲-۱- گفتار اول: مفهوم لغوی

مال در لغت فارسی به معنای دارایی و ثروت آمده است و جمع آن اموال می باشد. اموال در لغت به معنای املاک و اسباب و امتعه و کالا و دولت و ثروت و هر چیزی که کسی مالک و دارا باشد آمده است. هم چنین از آن به خواسته ها و مال ها، مایملک، دارایی و ضیاع و... نیز تعبیر شده است.^۱ از سوی دیگر برخی آن را از فعل ماضی میل دانسته اند و گفته اند که در فارسی به معنای خواسته است.^۲

در واقع در لغت مال را به چیزی معنا کرده اند که دارای ارزش مبادله و قابل استفاده و تملك باشد و در عرف بر چیزی اطلاق می کنند که انسان ها به آن تمایل دارند و نگهداری از آن برای بهره بردن در هنگام نیاز لازم شمرده می شود. برخی نیز در تعریف آن گفته اند مال چیزی است که مردم برای آن ارزش مبادله ای قائلند و اتلاف آن را موجب ضمان می دانند.

مال کلمه یونانی Malon و لغت لاتینی آن Malum است که در عربی آن را از فعل ماضی (مال- یمیل- مبلا) شمرده اند و در فارسی هم خواسته نامیده شده است. در زبان انگلیسی واژه ی property را برای آن عنوان می کنند و آن عبارت است از هر چیزی که شخص بتواند آن را

^۱ - دهخدا، همان، ذیل واژه .

^۲ - جعفریلنگرودی، همان، ۵۹۵

تصاحب کند و صاحبش گردد از سوی دیگر در مقابل این واژه از کلماتی چون مال، دارایی، ملک و مستغلات نیز یاد کرده اند و مالکیت را نیز هم معنای آن گرفته اند در برخی از مواقع.^۱

همان طور که گفته شد، مال در واقع کلمه ای است عربی^۲ و در لغت عربی به هر آن چه که قابلیت تملک داشته باشد و تملک بپذیرد اطلاق می شود.^۳ نخست به طلا و نقره مال می گفتند و سپس به هر چیزی که عینی ذخیره شدنی و تملک پذیر اطلاق مال می شد. اعراب شتر را مال می خواندند، زیرا دارایی را بر آن می نهادند.^۴

بی شک، واژه ی مال در گذر تاریخ، بسیار دگرگون شده است و به تدریج عرف، مصادیق جدیدی بر مال افزوده است؛^۵ بنابراین، برای تعریف مال باید از عرف کمك گرفت، چنان که عرف به تدریج معنی مال را گسترانیده و اکنون منفعت و حقوق مبادله پذیر را نیز مال می دانند و چیزی را که امکان تصرف در آن نباشد را مال نمی گویند. در واقع در همه ی زبان ها و فرهنگ ها، مال را آن دانسته اند که شخصی (حقیقی یا حقوقی) بتواند آن را تصاحب کند و قدرت بر حفظ آن را داشته باشد. در این صورت آن مال را از دارایی های شخص دانسته می شود که جز به اذن و اجازه ی آن فرد کسی حق هیچ گونه دخل و تصرف در آن را نخواهد داشت.

۱-۲-۲- گفتار دوم: مفهوم اصطلاحی

از نظر حقوقی به چیزی مال می گویند که دو شرط اساسی زیر را داشته باشد؛ یکی این که، مفید باشد و نیازی را برآورد، خواه آن نیاز مادی باشد یا معنوی و دیگری این که، قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین باشد. به بیان دیگر، مال، در حقوق به هر چه قابل تملک و مبادله باشد گفته می شود، در یک دید کلی هر چیزی که به وجه رایج کشور قابل تقویم باشد و ارزش اقتصادی داشته باشد مال می باشد، که در یک تقسیم بندی کلی به استناد مفاد مواد ۱۱ به

^۱ - کرزون، همان، ۴۷۲

^۲ - فیم، ۱۳۸۱، ذیلواژه

^۳ - الف) ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، نشر ادب حوزه، قم، ۱۳۶۳
ه. ش، ۱۴۰۵، ق. ه. ق، ص ۶۳۶

ب) کتاب العین فراهیدی، انتشارات دارالهجره، . ۱۴۰۵، ق. ه. ق، ص ۳۴۴

^۴ - طریحی، فخرالدین، ۱۳۸۵، جمعالبحرین، ص ۴۷۵.

^۵ - یوسف موسی، ۱۹۹۶، ص ۱۹۷.

بعد قانون مدنی اموال منقول (قابل جابجایی بدون آسیب دیدن) و اموال غیر منقول (که بارز ترین وجه آن زمین و ساختمان است) تقسیم می‌گردد.^۱

در واقع، مال، در اصطلاح چیزی است که به علت منافع واقعی یا اعتباری آن مورد رغبت باشد، به گونه ای که حاضر باشند در مقابل آن عوضی پرداخت نمایند. مال در عرف کنونی به دو معنی مادی و حقوقی به کار برده می‌شود؛ معنی مادی و محدود که به اشیا گفته می‌شود، مانند خانه و مال به معنای مجرد و حقوقی که عبارت از حقوق مالی است و امکان استفاده از اشیا را می‌دهد، مانند حق مالکیت. بنا به نظر حقوق دانان مال هر چیز یا امری است که عناصر عمومی و اختصاصی ذیل را داشته باشد:

- ۱- امکان اختصاص به شخص حقیقی یا حقوقی را داشته باشد.^۲
- ۲- قابل نقل و انتقال باشد ولی قابلیت مبادله عنصر اموال نیست.^۳
- ۳- نفع داشته باشد^۴
- ۴- عقلانی بودن منفعت^۵
- ۵- مال، حاکی نیست.^{۶، ۷}

در بیان عناصر اختصاصی برخی از اموال به عنوان نمونه در مورد منافع نیز عناصری را بیان نموده اند؛ نخست اتلاف منافع از طرف غیر مالک منافع، که عین را تلف نکند و دوم: اگر اتلاف در بین نباشد از راه عقد و تعهد، منافع اعیان، مهار شده باشد. «مانند کارگری که قرارداد یک دوره کاری معین را منعقد نموده باشد و کسی او را زندان نماید و بابت این مدت زمان باید خسارت پرداخت کند و این موضوع را اختصاص به منافع باید داد. به نظر می‌رسد که مفهوم مال با توجه به عناصر و شرایط یاد شده روشن می‌باشد و هر چیزی یا امری که میل و رغبت برای داشتن آن در برابر پول و

۱- جعفریلنگرودی، همان

۲- مانند هوا که نمی‌تواند مال باشد.

۳- حق شفعه حق مالی است قابل انتقال تنها از طریق ارث می‌باشد ولی قابل مبادله بوسیله مثلاً بیع نیست.

۴- میوه ای در دکان میوه فروشی پوسیده به علت نقصی که دارد مال نیست.

۵- گرچه خلاف عرف و عادت و نادر باشد.

۶- مانند اوراق قرضه که حاکی از طلب هستند.

۷- جعفریلنگرودی، محمدجعفر؛

۱۳۸۶، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم، جلد چهارم، صص ۳۱۲۶ و ۳۱۲۷.

یا ارزش دیگر وجود داشته باشد و ارزش داد و ستد داشته باشد مال می نامند. به این ترتیب قابلیت نقل و انتقال و اختصاص پیدا کردن و یا نفع و فایده داشتن در این تعریف بطور ضمنی در نظر گرفته شده است.^۱

استاد کاتوزیان تعریفی مشابه و با این مفهوم دارد که به لحاظ «حقوقی» به چیزی مال گفته می شود که دارای دو شرط اساسی باشد: ۱) مفید باشد و نیازی را برآورده نماید (نیاز مادی یا معنوی) و ۲) قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین را داشته باشد. این تعریف دارای ویژگی ها و اختصاصاتی است که برای تنویر بیشتر به آن ها اشاره می شود.^۲

اول این که آن شیء باید مفید باشد و نیاز مادی یا معنوی از انسان را تامین کند.^۳ نکته ی دوم در مورد شرط دوم است و آن قابلیت اختصاص است.^۴ نکته ی سوم این که دیده می شود برخی هوا را به صورت فشرده در می آورند و در کیپسول برای استفاده در زیر آب یا مصارف دیگر به کار می برند و یا نور خورشید را ذخیره می کنند؛ در این صورت متصدیان امر هیچ وقت نمی توانند ادعا کنند که هوا یا نور خورشید را (به طور مطلق) به مال تبدیل کرده اند، بلکه می توانند بگویند بخش ناچیزی از هوا یا انرژی خورشید را به خود اختصاص داده اند و این تملک نوعی انتفاع و بهره وری از نعمت های خداداد است و باید به گونه ای باشد که مزاحم بهره

^۱ - <http://www.shapormh.ir/print.php?ToDo=ShowArticles&AID=1964>

^۲ - <http://laws1390.mihanblog.com/>

^۳ - بنا بر این اگر کسی قطعه سنگ یا چوبی را برداشته و ادعا کند مالی را پیدا کرده عقلا بدان توجه نمی کنند و نشانه آن هم اینست که هیچ فردی حاضر نیست در قبال آن پولی پرداخت نماید و یا حتی مجانا آن را بگیرد زیرا هیچ نیازمادی یا معنوی او را بر آورده نمی کند بلکه باری بر دوش او خواهد بود، اما اگر همین سنگ یا چوب را بتراشند یا خراطی نمایند به نحوی که زیبا شود و در منزل برای تزیین استفاده شود نظر به اینکه اکنون یک نیاز معنوی (پاسخ به حس زیبایی طلبی انسان) را برآورده می کند، می توان به آن مال گفت.

^۴ - به عنوان مثال اشیائی مانند دریاها، آزاد، هوا و نور خورشید برای انسان بسیار دارای اهمیت است نور خورشید منبع انرژی کره خاکی است و برای همه انسان ها و حیوانات و .. مفید است و نیاز انسان را بر طرف می کند ولی چون هیچکس نمی تواند نسبت به آن ها ادعای مالکیت انحصاری نماید مال محسوب نمی شوند (شرط دوم موجود نیست)، زیرا علم حقوق علم اعتباری است و به آن چیزهایی مال گفته می شود که در عمل مورد چالش و اختلاف واقع شود در حالی که در مثال های پیش گفته اگر چه از نعمات بزرگ الهی به بشر است ولی در عالم حقوق به لحاظ وفور آن هیچ بشری بر سر آن نقاش و مجادله نمی کند و انسان می بایستی تنها شاکر خداوند بزرگ باشد.

بررداری عموم نشود. البته به لحاظ زحمتی که در جمع آوری آن کشیده اند ممکن است آن را بفروشند. نکته چهارم و نکته بسیار مهم دیگر این است آن چه مهم است « قابلیت اختصاص » است، نه این که لزوماً آن چیز بالفعل مختص به کسی باشد.^۱

نکته ی ششم این است که در گذشته بیشتر به چیزی مال گفته می شد که مادی و قابل دیدن و لمس باشد مثل میوه، لباس، خانه و... اما امروزه برخی اموال وجود دارند که دارای آن دو شرط پیش گفته می باشند و از طرفی در عالم خارج دیده و قابل لمس نیستند. به عنوان مثال حق سرقتی (نه خود ملک) و دیون و مطالبات و جنبه ی مالی حق تالیف و اختراع از حقوق مالی است که به آن مال گفته می شود. نکته ی هفتم: با ملاحظه مصادیقی که قانون مدنی از مال بر شمرده بر می آید که قانون مدنی به اشیاء و حقوقی، مال می گوید که دارای ارزش اقتصادی باشد.^۳

در عرف نیز مال به دو معنای فوق بکار می رود. گاه به معنای مادی یعنی به اشیایی گفته می شود که در بازار قابل داد و ستد بین اشخاص هستند. مثل خانه، ماشین و قالی و.. و گاه به معنای حقوق مالی که چنانچه کسی دارای آن باشد، امکان استفاده و انتفاع از شیئی را پیدا می کند مثل حق مالکیت نسبت به منزل و یا حق سرقتی یک ملک تجاری؛ در هر حال مال شامل هر دو مصداق فوق می باشد؛ زیرا، در تعریفی که در ابتدا گفته شد جای می گیرند یعنی مثلاً حق سرقتی قابلیت اختصاص به شخص را دارد و از طرف برای انسان مفید است و نیازی (امکان تجارت و کسب و کار) را بر آورده می سازد، اگرچه با چشم دیده نمی شود و قابل لمس نیست و مولوکول یا سلول ندارد.

بسیاری از فقها، « مال » را تعریف نکرده و آن را بی نیاز از تعریف دانسته اند و آن را به عرف واگذار نموده اند؛ یکی از فقها در این باره می گوید: معنای ملکیت و مالیت و ملك و مال،

۱- کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت، انتشارات میزان، چاپ بیستوسوم، تهران ۱۳۸۷
۲- به عنوان مثال اگر کسی در دل کوه قطعه سنگ قیمتی را ببیند؛ قبل از پیدا شدن آن، آن قطعه اختصاص به کسی نداشته ولی این قابلیت را داشته که مختص کسی شود بنابراین مال بوده و هست، زیرا آن چه مهم است اینست که قابلیت اختصاص به فردی را داشته باشد هم چنان که یابنده می تواند (چنان چه شرایط آن موجود باشد) آن را مختص خود نماید.
۳- کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت، انتشارات میزان، چاپ بیست و سوم، تهران ۱۳۸۷، ص ۶۵.

عرفی است که به توضیح شرع و نیز به دلیل شرعی نیاز ندارد. بلکه برای تعریف آنها عرف و لغت را باید دید.^۱

در تبیین بیشتر مال و با توجه به آن چه پیشتر عنوان شد، مال را عبارت دانسته اند از هر چیزی که دارای ارزش مبادلاتی باشد. در واقع برای کالا دو نوع ارزش وجود دارد: ارزش مصرفی^۲ و ارزش مبادلاتی^۳. از این رو وقتی گفته می‌شود مال، چیزی است که دارای ارزش مبادلاتی باشد، یعنی؛ اولاً: نیازی را تأمین کند. بنابراین نخ‌های مصرف شده در لباسی که آن را شکافته‌اند و میوه‌های خراب شده چون به درد نمی‌خورد و به تعبیر فقها منفعت عقلایی^۴ ندارد، مال نیست.^۵ ثانیاً: به حدی زیاد نباشد که بدون کار و یا گرفتن از دیگران، در دسترس همه باشد. و لذا هوا و آفتاب در عین حال که نیاز اساسی را تأمین می‌کنند و دارای ارزش مصرفی هستند، مال نمی‌باشند. که از آن در کتاب‌های فقهی به «عزّة الوجود» تعبیر می‌شود.^۶

۱- نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۱۴، قم، ۱۳۷۵، ص ۱۳۱.

۲- این است که به طور مستقیم - بالفعل یا بالقوه - نیازی از نیازها را تأمین کند. و به عبارت دیگر: فایده‌ای داشته باشد.

۳- عبارت است از این که آن کالا به گونه‌ای باشد که مردم حاضر باشند در برابر آن، چیزی بپردازند. و این ارزش در صورتی به وجود می‌آید که علاوه بر داشتن فایده، از نظر فراوانی در حدی نباشد که دیگر، تقاضایی نسبت به آن وجود نداشته باشد.

۴- تعبیر فایده‌ی عقلایی که در متون فقهی آمده است؛ یعنی منفعتی که عرف (عقلا) به آن توجه کنند و بیانگر همین حالت متغیر مال است که ممکن است نسبت به شرایط جغرافیایی، فرهنگی، تمدن‌ها و زمان‌ها و ... متفاوت باشد. و به عبارت دیگر: تعبیر نسبی بودن مال را می‌رساند. به عنوان مثال: یک مؤسسه‌ی داروسازی، حیواناتی را که از نظر نوع مردم بی‌فایده است خریداری کرده و در برابر آن پول می‌پردازد. و یا اینکه عکس فردی برای فرزندانش ارزشمند است و لذا آنان حاضر می‌شوند برای دستیابی به آن عکس پول قابل توجهی بپردازند، در حالی که دیگران هیچ گونه تقاضا و تمایل خاصی به آن ندارند و لذا هرگز حاضر نیستند در برابر آن وجهی بپردازند.

۵- انصاری، شیخ مرتضی، ۱۴۲۰، مکاسب، جمعی الفکر الاسلامی، ص ۱۶۱.

۶- طباطبایی، السید محسن، ۱۴۲۱ق، نهج الفقاهه، انتشارات دارالفقه، قم، ص ۳۲۵.

۷- لزومی ندارد که حتماً کالایی برای همه و در کلیه‌ی نقاط دارای فایده باشد تا مال قلمداد شود. ممکن است چیزی برای یک منطقه و یا گروه خاصی به دلیل اینکه نیاز خاص آن‌ها را تأمین می‌کند، ارزش داشته باشد ولی برای منطقه‌ی دیگری چنین نباشد.

مال دارای انواع مختلفی است که از یک نظر به عین، منفعت و حق و از جهت دیگر به عینی و اعتباری تقسیم می‌گردد که به ترتیب توضیحاتی در مورد هر یک داده می‌شود:

۱-۲-۲-۱- بند اول: عین

مالی است که دارای وجود مادی بوده و با حواس ظاهر، قابل درک باشد، و خود به طور مستقل مورد داد و ستد قرار گیرد. این مال در مبادلات اقتصادی، خود دارای دو قسم است: یکی وجود شخصی است که عبارت است از آن چه دارای وجود عینی و فیزیکی است و در خارج ذهن، وجود خارجی دارد مانند کالایی که در مبادلات نقدی داد و ستد می‌شود مثل: ماشین، فرش و رادیو. و دیگری وجود کلی به این معنا که کالایی که در روابط مبادلاتی، آن را اعتبار می‌کنند و یک طرف، نسبت به آن متعهد می‌گردد.

بر اساس همین تعهد، مبادله انجام می‌شود. مثل اینکه در معاملات «سلف» که تحویل کالا، مدت‌دار و پرداخت پول به صورت نقد، انجام می‌گیرد کالایی که هنوز حتی ممکن است تولید نشده باشد خریداری می‌گردد. به این صورت که بهای آن پرداخت می‌شود و فروشنده تعهد می‌نماید در زمان مشخصی، کالا را تحویل دهد. مثل تحویل گندم به هنگام درو و یا تحویل اتومبیل پس از تولید. در این جا آنچه خریداری و مبادله می‌شود در عین حال که جنبه‌ی فیزیکی و مادی دارد و دارای ابعاد سه‌گانه می‌باشد، اما تعین خارجی آن مورد توجه نیست بلکه به صورت کلی در «ذمه و عهده» ی اعتبار شده و موضوع مبادله می‌باشد که در اصطلاح به آن «کلی فی الذمه» می‌گویند.

۱-۲-۲-۱- بند دوم: منفعت

عبارت است از فایده و ارزش مصرفی که از یک موجود خارجی به دست می‌آید. و به عبارت دیگر: فایده‌ای که وابسته به کالا و عین می‌باشد. این نوع مال نیز چند قسم است یکی، فایده و خاصیتی که به تدریج به دست آمده و از بین می‌رود مثل امکان بهره‌برداری از مسکن یا اتومبیل و دیگری فایده‌ای که به تدریج از «عین» به دست می‌آید، اما کم کم متراکم شده و به صورت کالای خاصی درمی‌آید مانند: میوه‌های درخت در رابطه با باغی که آن باغ مورد اجاره است. در اینجا

میوه‌ها اگر چه به صورت یک کالا است اما نتیجه و نموّ عین (درخت) و وابسته به آن می‌باشد. و بالاخره اینکه کار تولیدی یا خدماتی نیز نوع دیگر منفعت است و مال محسوب می‌شود؛ زیرا می‌تواند تأمین کننده‌ی نیازهای مختلف باشد (ارزش مصرفی دارد) و به گونه‌ای است که مردم حاضرند در برابرش پول بپردازند و به اصطلاح ارزش کامل مبادلاتی دارد^۱.

نظر مشهور فقهی بر این است که کسی که دیگری را حبس کرد و مانع کار وی شد، ضامن درآمد آن روز و به عبارت دیگر مسؤول منافع و توانایی بر کار آن روز نمی‌شود مگر اینکه عامل که جلو کار او گرفته شده در رابطه با فرد یا مؤسسه‌ای قرارداد کار بسته و طبعاً به صورت کلی در ذمه، مقدار کاری به عهده‌ی وی آمده باشد. در این فرض جلوگیری از کار کارگر را موجب ضمان و پرداخت خسارت به صاحب کار می‌دانند. ولی سبب نفی ضمان در فرض فوق (یعنی موردی که قراردادی نبسته‌اند) این است که یکی از شرایط ضمان و به عهده آمدن خسارت این است که تلف و از بین رفتن مال، استناد به ضامن داشته باشد. و در فرض مذکور از کار افتادگی و از دست رفتن توانایی و نیروی کار به کسی که کارگر را از کار باز داشته مستند نمی‌شود.

به عبارت دیگر: این گونه موارد از قبیل «تلف منافع» است نه «اتلاف» و از بین بردن، که مربوط به ضامن باشد. و به نقل دیگر: ضمان در موردی است که منافع به وسیله‌ی طرف استیفا شده باشد اما در جایی که به وسیله‌ی غاصب بهره برداری نشده بلکه خود به خود از بین رفته باشد، خارج از ادله‌ی ضمان خواهد بود. در عین حال چنان چه در پاره‌ای از نظرات فقهی آمده می‌توان گفت: مانع کار کارگر شدن سبب ضمان و به عهده آمدن خسارت می‌شود؛ زیرا از دست رفتن توان کار، عرفاً به بازدارنده استناد پیدا می‌کند و دلیل ضمان، انحصاری به منافع مستوفاه ندارد. مرحوم سید کاظم یزدی در عروه همین نظر را اختیار کرده است و ضمناً در مورد مال بودن نیروی کار، نقد و بررسی‌های دیگری شده است^۲.

^۱ - یکی از نتایج مال بودن نیروی کار که در فقه به عنوان منفعت شناخته می‌شود در موضوع «ضمان» روشن می‌گردد. به عنوان مثال کسی که مانع کار و کسب کارگری می‌گردد و او را از تلاش اقتصادی باز می‌دارد، بر اساس مال بودن توان و قوه‌ی کار، ضامن بودن وی مطرح می‌شود که می‌بایست خسارت باز ماندن کارگر را از کار جبران نماید. در صورتی که اگر توانایی بر کار، خود «مال» نباشد ضمانت و مسؤول جبران خسارت بودن، معنی ندارد؛ زیرا موضوع «ضمانت» مال است.

^۲ - ن. ک. الف) طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، ۱۴۱۷ق. العروه الوثقی، انتشارات موسسه‌ی نشر اسلامی، قم، ص ۵۳۱، مسأله‌ی ۳۲.

۱-۲-۳- بند سوم: حق

بعضی از حقوق نیز مال به شمار می‌آیند؛ زیرا ارزش اقتصادی دارند مانند «حق تحجیر».

۱-۲-۳- گفتار سوم: مفهوم مال در حقوق جزا و حقوق مدنی

در مقررات موضوعه کشور ما مال تعریف نشده است و در ماده ی ۱۱ قانون مدنی قبل از ارائه تعریف در مورد مال، به تقسیم بندی آن به منقول و غیر منقول پرداخته و احکام مربوط به هر یک از این دو دسته از اموال را بر آن مرتبط ساخته است. رویه‌ی قضائی نیز جهت‌گیری خاصی راجع به مفهوم مال ابراز نداشته است. لذا حقوق‌دانان به‌گونه‌های مختلفی آن را تعریف کرده‌اند^۱، که از مجموع کلمات آنها چنین برمی‌آید که "مال" بایستی لااقل دارای مشخصه‌های ذیل باشد: اول آنکه قابل اختصاص یافتن به شخص (حقیقی یا حقوقی) باشد. دوم آنکه قابل نقل و انتقال (مبادله) باشد. سوم اینکه مفید بوده و برآورنده نیاز (مادی و معنوی)، انسان باشد.^۲

۱-۳-۲- بند اول: حقوق مدنی

(ب) امام خمینی (ره)، ۱۴۱۸ق، البیع، موسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ج ۱، ص ۲۰ و ص ۳۸۳.

(پ) طباطباییزادی، سیدمحمدکاسم، ۱۴۱۷ق، حاشیه‌ی سید بر مکاسب، ج ۱، ص ۱۱۰.

(ت) حکیم، سید محسن، ۱۳۹۰ق، مستمسک (العروه الوثقی)، ج ۱۱، ص ۴۲.

(ث) خویی، سید ابوالقاسم، ۱۳۵۳، مصباح الفقاهه، انتشارات مکتبه الداوری، قم، ج ۲، ص ۳۶.

(ج) امام خمینی (ره)، تحریر الوسيله، ۱۳۷۹ش، انتشارات موسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۱۵۸، مسأله‌ی ۵ و ص ۱۶۱، م ۱۲.

۱- ن. ک. الف. عدل، مصطفی، ۱۳۷۳، حقوق مدنی، انتشارات بحر العلوم، قزوین، ص ۴۳.

(ب) حائری شاه باغ، سیدعلی، ۱۳۷۶، شرح قانون مدنی، ج ۱، تهران، گنج دانش، ص ۷؛

(پ) جعفریلنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۶، حقوق اموال، چاپ چهارم، تهران، گنج دانش، صص ۳۷-۴۵.

۲- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۶، حقوق مدنی، نشر دادگستر، تهران، ص ۹.

برخلاف قانون مدنی ایران که مال را تعریف نکرده است، قانون مدنی مصر در ماده ۱/۸۱ آن را به این صورت تعریف کرده است: "کل شیء غیر خارج عن التعامل بطبیعتہ او بحکم القانون، یعنی مال هر چیزی است که طبیعتاً و یا به حکم قانون قابلیت معامله (و مبادله) داشته باشد. بنابراین این تعریف، مال، کلیه اموال غیرمنقول، منقول و حقوق عینی متفرع از آنها که قابل استیلاء و تصرف و معامله هستند را شامل می‌شود. براساس این مقررہ قانونی، حقوقدانان مصری اشیاء را به دو دسته طبقه‌بندی کرده‌اند: دسته اول- اشیائی که طبیعتاً و یا به طور قانونی قابل معامله و مبادله هستند، دسته دوم- اشیائی که طبیعتاً و یا به طور قانونی قابل معامله و مبادله نیستند. از دیدگاه مدنی حقوق، دسته‌ی اول مال محسوب می‌شود و دسته‌ی دوم مال نیستند. اشیائی که مال محسوب نمی‌شوند به نوبه‌ی خود به دو قسم تقسیم می‌شوند: اشیائی که طبیعتاً قابل معامله و مبادله نیستند^۱ و اشیائی که قانوناً قابل معامله و مبادله نیستند.^۲

بنابر آن چه در بالا بیان شد، معلوم می‌شود که معیار و مشخصه‌ی اصلی مال در حقوق این کشور نیز "قابلیت معامله و مبادله داشتن" شیء است. این معیار می‌تواند متضمن معنای دو مشخصه‌ی دیگر (قابل اختصاص بودن و مفید بودن)، که بر اساس دیدگاه حقوق‌دانان ایران به آن‌ها اشاره شد، نیز باشد. به عبارت دیگر هر چیزی زمانی واجد مشخصه‌های مذکور است که قابلیت معامله و مبادله را داشته باشد. بنابراین، معیار مزبور می‌تواند معیار مناسب و فراگیری برای بیان مفهوم "مال" باشد؛ منتہی در حقوق ایران باید این تعریف را با یک قید اضافی تکمیل کرد و آن قید "شرعاً"

۱- الوسیط فی شرح القانون المدنی، جلد هشتم، قاهره، دار النهضة العربیة، ۱۹۶۷، ص ۶۰.

۲- این قسم شامل اشیائی می‌شود که به طور طبیعی و ذاتی، تصرف و حیات انحصاری آنها ممکن نیست و در استفاده‌ی از آنها همه مردم اشتراک دارند به نحوی که انتفاع بعضی از اشخاص مانع انتفاع سایرین نخواهد بود، همانند نور خورشید، آب دریا و اشیائی از این قبیل.

۳- چنین اشیائی را به طور طبیعی می‌توان مورد تصرف و حیات قرار داد لکن بنابه جهت و مصالح خاصی، قانون تصرف و حیات آنها را از طرف اشخاص ممنوع اعلام داشته است. این دسته از اشیاء نیز به نوبه خود به دو قسم تقسیم می‌شوند: اول- اشیائی که قانونگذار داشتن و نگهداری آنها را محل نظم و امنیت عمومی و یا بهداشت و سلامت جامعه می‌داند، همچون مواد مخدر، سلاح‌های غیرمجاز و اشیائی از این قبیل. چنین اشیائی نمی‌توانند موضوع حق شخصی واقع شوند، در نتیجه در دایره‌ی معامله و مبادله قرار نمی‌گیرند مگر با شرایط و قیود خاصی که قانون مقرر داشته است. دوم- اموالی که به شخص خاصی تعلق ندارند

به تعریف مزبور است. بنابراین و با توجه به مبانی شرعی حقوق ایران، دسته ی دیگری از اشیاء را باید از مفهوم مال خارج دانست که شرعاً قابل معامله و مبادله نیستند.^۱

لذا از نظر حقوق مدنی، می‌توان مال را این گونه مورد تعریف قرار داد: «مال هر چیزی است که طبیعتاً یا به طور قانونی یا شرعاً قابل معامله و مبادله باشد». بنابراین، چیزهائی که به طور طبیعی قابل معامله نیستند مثل هوای جو، نور خورشید و آب دریا و چیزهائی که از نظر قانونی فاقد این خصوصیت هستند مثل مواد مخدر، اسلحه ی غیر مجاز و اشیائی از این قبیل و هم چنین چیزهائی که از نظر شرعی قابلیت معامله را ندارند مثل خمر، خنزیر، خوک، آلات لهو و لعب و غیره، مال محسوب نمی‌شوند.

۱-۲-۳-۲- بند دوم: حقوق جزا

چنانکه بیان کردیم از نظر حقوق مدنی، اشیاء به دو دسته کلی قابل تقسیم هستند: یکی اشیائی که قابل معامله و مبادله هستند و دیگری اشیائی که به طور طبیعی، قانونی یا شرعی، قابل معامله و مبادله نیستند. از دیدگاه حقوق مدنی دسته اول، مال محسوب می‌شوند و از نظر جزایی نیز این دسته از اشیاء با وجود شرایط و اوصافی که بیان خواهیم داشت، موضوع جرایم علیه اموال واقع می‌شوند. اما راجع به سایر اشیاء می‌توان تفصیل ذیل را بیان داشت. اشیائی که ذاتاً و طبیعتاً قابل معامله و مبادله نیستند. این دسته از اشیاء به‌طور قطع موضوع هیچیک از جرایم علیه اموال واقع نمی‌شوند، مگر آنکه جنبه اختصاصی و انحصاری پیدا کنند^۲، در این صورت جنبه اختصاصی پیدا می‌کند و در ردیف سایر اموال قرار می‌گیرد و از این حیث تصرف و تجاوز به آن جرم خواهد بود^۳.

اشیائی که به حکم قانون قابل معامله و مبادله نیستند. این دسته از اشیاء نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند: یکی اشیائی که در زمره ی اموال عمومی هستند و دسته‌ای دیگر اشیائی که از جهت نظم و

۱- از قبیل: خمر، خنزیر، خوک، آلات لهو و لعب و
۲- مانند این که شخصی مقداری آب دریا یا هوا را در ظرفی قرار داده و به انحصار خود درآورد.
۳- الف) نجیب‌حسینی، محمود، شرح قانونالعقوباتوجرائم الاعتداء علیالاموال، ص ۳۱
ب) رشدی، مراد، ۱۹۸۲، اختلاس فی جرائم الاموال، چاپ دوم: قاهره، جامع‌هالقاهره، ص ۳۱.

یا بهداشت عمومی معامله آنها ممنوع است. عدم قابلیت معامله و مبادله‌ی اموال عمومی، مستلزم این نیست که موضوع جرایم علیه اموال واقع نشوند.^۱ اشیایی که شرعاً قابل معامله و مبادله نیستند مثل خمر، خنزیر، خوک، آلات لهو و لعب و غیره. چنانکه قبلاً اشاره شد این قبیل اشیاء در بین مسلمانان موضوع هیچیک از جرایم علیه اموال واقع نمی‌شوند و در ارتباط با این قبیل اشیاء هیچگونه ادعایی از مسلمانان مسموع نخواهد بود. ولی چنانچه زیان‌دیده غیرمسلمان باشد به اعتقاد بعضی از فقهاء ضمان مالی و مسئولیت مدنی برعهده‌ی مسلمان ایجاد می‌شود و در هر حال مسئولیت کیفری در پی ندارد.

۱-۲-۴ - گفتار چهارم: اموال ناشی از جرم

یکی از اهداف اصلی حقوق کیفری از میان برداشتن انگیزه ارتکاب جرم در بین مجرمان است برای این منظور، قانون‌گذار کیفری به انگیزه‌ی مجرم از ارتکاب جرم توجه می‌کند و می‌خواهد در عمل مانع تحقق انگیزه‌ی مجرم شود. انگیزه‌ی عمده‌ی مجرم در جرایم مالی، در کنار دیگر انگیزه‌ها، تحصیل عوائد جرم است.^۲ ولی انگیزه‌ی برخی مجرمان در برخی موارد تنها سود جوئی نیست، بلکه برخی از مجرمان عوائد حاصله از جرم را در برخی موارد صرف اعمال مجرمانه‌ی دیگری می‌نمایند. برای مثال، گفته می‌شود که «گروه‌های تروریستی از پول حاصله از قاچاق مواد مخدر برای خریدهای تسلیحاتی خود استفاده می‌کنند».^۳

یکی از سیاستهایی که قانون‌گذار برای جلوگیری از عملی شدن انگیزه‌ی افراد اتخاذ می‌کند، الزام مجرم به اعاده‌ی اموال حاصله از جرم به بزه‌دیده و مصادره‌ی عوائد حاصله از جرم به نفع دولت است. قانون‌گذار در این مورد تا جایی پیش می‌رود که انتقال اموال و عوائد حاصله از

^۱ - ذکر این خصیصه برای چنین اموالی تنها حکایت از این دارد که اشخاص نمی‌توانند به حیازت یا سایر اسباب تملک آن‌ها را مالک شوند؛ ولی دست‌اندازی به آن‌ها و یا تصرف و تصاحب غیر قانونی آن‌ها حسب مورد، جرم و قابل تعقیب جزایی است. اما اشیایی هستند که از دیدگاه نظم و امنیت و یا بهداشت عمومی قابل معامله و مبادله نیستند، مثل سلاح یا مواد مخدر.

^۲ - Rider Barry & Ashe Michael, 1996, Money Laundering Control. Individual Contributors and Round Hall Sweet & Maxwell, Dublin, p. 1.

^۳ - Bosworth, Davies Rowan & Saltmarsh, Graham, 1995, Money Laundering: A Practical guide to the new legislation. Chapman & Hall Press. London, p. 36.

جرم به خویشان و دیگران را نیز باطل تلقی می‌کند و در صورتی که از عوائد حاصله از جرم منافی هم برای متهم یا خویشان وی ایجاد شده باشد (منفعت در منفعت) آن‌ها را نیز قابل مصادره میداند.

در یک مفهوم کلی می‌توان گفت مال حاصله از جرم، عبارت از هر مالی است که بزهدار در اثر ارتکاب جرم از بزهدیده تحصیل می‌کند. این مفهوم از عبارت به کار رفته در ماده ی ۹ قانون مجازات اسلامی سابق به راحتی قابل استنباط است. به عبارت دیگر، منظور مقنن از مال حاصله از ارتکاب جرم تنها مالی است که از ید بزهدیده خارج و در ید بزهدار قرار گرفته است.

برای مثال، در مورد سرقت، مال مسروقه، که از تصرف صاحب مال خارج و در تصرف متهم قرار می‌گیرد مال حاصله از جرم است و یا در جرم کلاهبرداری، اموالی که بزهدیده در اثر توسل به وسایل متقلبانه از ناحیه ی متهم تحویل وی داده است اموال حاصله از ارتکاب جرم می‌باشند. یا در خیانت در امانت، اموال مورد امانت که استعمال، تصاحب، مفقود یا تلف شده‌اند، اموال حاصل از ارتکاب جرم تلقی می‌شوند.

دلالت ماده ۹ قانون مجازات اسلامی بر اموال حاصله از جرم و عدم دلالت آن بر عوائد حاصله از جرم از اینجا قابل استنباط است که قانون‌گذار در مورد اموال حاصله از جرم به عنوان یک قاعده ی کلی، در هر حال متهم را ملزم به استرداد آن‌ها (چه به صورت عین، مثل یا قیمت) به مالباخته می‌داند ولی به نظر می‌رسد در مورد عوائد حاصله از ارتکاب جرم مقررات عامی در حقوق کیفری ایران وجود ندارد و برخی موارد استثنائی، قانون‌گذار به این مطلب اشاره کرده است. برای مثال، در این مورد می‌توان به ماده ی ۲۸ مصوبه ی مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ و اصلاحی ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام اشاره نمود.

بر این اساس و بر طبق آن چه عنوان شد، در قانون مجازات اصلاحی مصوب سال ۱۳۹۲، این ماده علاوه بر این که مکانش تغییر پیدا کرده و از ماده ی ۱۰ در قانون سابق به ماده ی ۲۱۴ در بخش ششم نقل مکان کرده است، تا حدود زیادی تبیین و تشریح شده، چنان که در این ماده می‌خوانیم: «مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است، اگر موجود باشد عین آن را و اگر موجود نباشد مثل آن را و در صورت عدم امکان رد مثل، قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده

ی خسارات وارده نیز بر آید. هرگاه از حیث جزائی وجهی بر عهده ی مجرم تعلق گیرد، استرداد اموال یا تأدیه ی خسارت مدعیان خصوصی بر آن مقدم است»^۱.

همان طور که مشاهده می شود، این ماده تغییراتی را در جهت تکمیل شدن در قانون جدید به خود دیده است و سرنوشت چنین اموالی که حاصل از جرم هستند نیز پیش بینی شده است و حالت هایی را که می تواند امکان اتفاق افتادن داشته باشد را در بر گرفته است.

بیشتر کشورهای اروپایی، مقرراتی را در مورد عوائد حاصله از جرم به طور کلی، صرف نظر از این که چه نوع جرمی باشد، وضع کرده اند و برخی نیز مقررات خاصی را در ارتباط با عوائد حاصله از جرایم خاص پیش بینی کرده اند. فرانسه، سوئد، اسپانیا و یونان از جمله کشورهای هستند که مقررات خاصی را در مورد جرایم قاچاق مواد مخدر وضع کرده اند. در قوانین بلژیک، برخلاف پیش بینی مصادره در مورد ابزار بکار رفته در جرم با اموالی که مستقیماً از جرم حاصل شده اند، مصادره عوائد حاصله از جرم پیش بینی نشده است.

در ایتالیا نیز مقررات خاصی در مورد مصادره ی اموال افراد مظنون به عضویت در مافیا وجود دارد. بیشتر کشورهای اروپایی مصادره ی همه ی انواع مال (قوانین برخی کشورها از جمله ایرلند اجازه ی عطف مقررات مربوط به مصادره ی عوائد جرم به ماسبق را نیز می دهند)^۲ را اجازه می دهند، اگر چه بسیاری از آنها اجازه ی مصادره ی عوائد حاصله از جرم را که با اموال حاصل شده از طریق قانونی مخلوط شده باشند نمی دهد.

در مورد اموال مخلوط شده، قوانین آلمان اجازه می دهند که معادل ارزش عوائد حاصله از جرم که با اموال مشروع مخلوط شده باشند، جزای نقدی پرداخت شود. طبق مقررات سوئیس نیز اگر بتوان عوائد حاصله از جرم را از اموال مشروع جدا کرد به نحوی که به اموال مزبور صدمه ای وارد نشود، عوائد مزبور مصادره خواهند شد و طبق قوانین هلند اموال غیر منقول قابل مصادره نیستند.

در کل، برای امکان مصادره وجود رابطه مستقیم بین جرم و مصادره مال از شرایط مصادره است. در فرانسه و آلمان عوائد جانشین (یعنی کالاهائی که همراه با عوائد اصلی خریداری می شوند) و منافع ناشی از عوائد، قابل مصادره نیستند. با این حال، در ترکیه و سوئد لازم نیست بین

^۱ - ماده ی ۲۱۴ قانون مجازات اصلاحی فعلی.

^۲ - Rider & Ashe, 1996, p. 221.

مال و جرم رابطه‌ای وجود داشته باشد، همین که در ارتباط با جرم منفعتی ایجاد شد منفعت مزبور قابل مصادره است. در این کشورها امکان مصادره ی همه ی اموال متهم وجود دارد.

بسیاری از کشورها، به جز آلمان و سوئد که فقط به منافع خالص توجه دارند، عوائد جرم را بر پایه ی منفعت فاحش ارزیابی می‌کنند. حقوق بسیاری از کشورها از اشخاص ثالث از طریق پیش بینی حق تجدید نظر خواهی یا شرکت در فرایند رسیدگی، حمایت می‌کنند، ولی در کل، مال متعلق به اشخاص ثالث یا موجود در تصرف شخص ثالث قابل مصادره نیست. ولی حقوق فرانسه، سوئیس و ایتالیا در این زمینه به نحو دیگری برخورد می‌کنند و بدون توجه به مالکیت، مال را مصادره می‌کنند.

در برخی کشورهای دیگر، حقوق اشخاص ثالث با حسن نیت مورد حمایت قرار می‌گیرد، اگرچه درجات مختلفی از قصد در ارتباط با منشاء غیر قانونی مال وجود دارد. برای مثال، در سوئد اگر شخص ثالث علم به ارتباط مال با جرم داشته یا دلیلی برای تصور این که مال در ارتباط با جرم بوده است وجود داشته باشد، مال مزبور قابل مصادره است. در حالی که در آلمان، اطلاع کلی کفایت می‌کند و اطلاع دقیق و کامل لازم نیست. در دانمارک اگر احراز شود که شخص ثالث از ارتباط مال با جرم اطلاع داشته یا در این زمینه مسامحه آشکار نموده، مال قابل مصادره است.^۱

۱-۳-۳- مبحث سوم: مفاهیم مشابه

در این گفتار به مفاهیم مشابهی که پیرامون این موضوع وجود دارد می‌پردازیم و برخی از اصطلاحاتی را که با موضوع و عنوان پایان نامه ارتباطاتی دارند را مورد و اشکافی و ارزیابی قرار می‌دهیم و با تعریف و باز شناسی این گونه مفاهیم به تبیین هرچه بیشتر آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۳-۱- گفتار اول: ضبط

^۱- www.Rcmp.ca/poc/Proceeds-e.htm

«ضبط» در لغت به معنای نگاه داشتن، حفظ کردن، محکم کردن یا نگهداری کردن و بایگانی است^۱ هم چنین ضبط نگهداری کردن از چیزی به سختی نیز معنی شده است.^۲ در واقع می توان گفت که از حیث لغوی، کلمه «ضبط» به دو معنی ذیل بکار رفته است: ۱- توقیف موقت شیء بدون سلب مالکیت از مالک در بخشی از اموال. ۲- توقیف دائم و تصرف و تملک شیء برای همیشه، با سلب مالکیت از مالک، در تمام یا بخشی از اموال. در واقع ضبط اموال در اصطلاح حقوق به گرفتن مال یا عین وجه (مشخصا بر گه های اسکناس موجود در دست کسی) گفته می شود.

ضبط اموال به استناد قوانین مختلف انجام می شود. در قانون ایین دادرسی کیفری و نیز قانون مجازات اسلامی اموال بکار برده شده برای یا اموال حاصل از ارتکاب از جرم به تصمیم بازپرس یا دادگاه ممکن است به سود دولت ضبط شوند. در این حال این اموال به سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی که بخشی از وزارت دارایی است، تحویل داده می شوند. وجهی که در نتیجه ی جرم به تصرف مجرم در می آید و دیگر به صورت اسکناس وجود خارجی ندارد بلکه تنها در ذمه ی مجرم است از شمول واژه ی ضبط خارج است.

ضبط از نظر حقوقی عبارت است از «توقیف مال موجود و کشف شده ی حاصل از جرم، به طور موقت و بدون حق برداشت. در اموال و اشیای مربوط به ارتکاب جرم و یا حاصل از جرم، توقیف مال به موجب دستور یا قرار یا حکم مقام صلاحیت دار قانونی است و طبعا نفع و حقوق مالک و متصرف قانونا محفوظ و به شکل امانت در توقیف خواهد بود.^۳ هم چنین گفته شده است «ضبط مال به معنی نگهداری و توقیف، آن است که اگر برای همیشه و به نفع دولت برداشت شود، مصادره نیز نامیده می شود.^۴

ضبط را می توان به دو نوع عام و خاص تقسیم کرد. در ضبط عام (مصادره عام) نسبت به تمام دارایی، حقوق و متفرعات محکوم (به استثنای هزینه ی افراد واجب النفقه) اعمال می شود اما ضبط خاص ممکن است نسبت به قسمتی از اموال و دارایی محکوم صورت گیرد. دکتر جعفری

۱- معین، محمد،

۱۳۶۸، فرهنگفارسی معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، دوره هفتم جلدی، ص ۲۱۸۱.

۲- خلیل جر، ۱۳۵۱، فرهنگ لاروس، جلد دوم، ذیلواژه

۳- محمدی، حمید، ۱۳۷۸، ضبط، مصادره و استرداد اموال، تهران، انتشارات گنج دانش، صص ۷۸-۷۹.

۴- زراعت، عباس، ۱۳۷۸، شرح قانون مجازات اسلامی، جلد اول، نشریه فیض، چاپ دوم، ص ۱۰۵.

لنگرودی نوشته است: توقیف مال عبارت است از سلب آزادی از مال شخص و در اختیار گرفتن آن در مدت معین یا محدود؛ به طوری که در زمان آن حالت انتظار ترخیص وجود داشته باشد و اگر حالت انتظار ترخیص وجود نداشته باشد، آن را ضبط یا مصادره گویند.^۱

اگر چه ضبط و مصادره از حیث لغوی و تعریف حقوقی متفاوت اند اما قانون گذار ایران در برخی موارد این دو مفهوم را یکسان تلقی کرده است برای مثال ماده ی (۹) قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره، مقرر می‌دارد: «استفاده کنندگان از تجهیزات دریافت ماهواره علاوه بر ضبط و مصادره ی اموال مکشوفه، توسط دادگاه‌ها به مجازات ده تا یکصد میلیون ریال محکوم می‌شوند». اما در موارد متعددی، مقنن ایرانی بین ضبط و مصادره تفاوت قائل شده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت اگر چه ضبط و مصادره وفق بند "ج" ماده ی (۲۳۲) و بند دال ماده ی (۲۳۳) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ به طور ضمنی مجازات تلقی شده است، اما شدت عمل قانون گذار در مصادره ی اموال شدید تر بوده و الزاما باید در قالب حکم دادگاه صادر گردیده باشد. اما ضبط می‌تواند در قالب تصمیم قضایی نیز مورد اقدام قرار گیرد.

در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مورد ضبط موادی وجود دارد که به ترتیب می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره کرد. از جمله در ماده ی ۲۱۵ این قانون آمده است: «بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله ی ارتکاب جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند، تا حسب مورد، مسترد، ضبط یا معدوم شود. در مورد ضبط، دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین می‌کند. هم چنین بازپرس و یا دادستان مکلف است مادام که پرونده نزد وی جریان دارد به تقاضای ذینفع و با رعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیاء مذکور را صادر نماید: الف- وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد. ب- اشیاء و اموال، بلا معارض باشد. پ- جزء اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد».

هم چنان که در این ماده مشاهده می‌کنیم مقنن در مورد ضبط تکلیف را مشخص کرده است و دادگاه را مسؤول تعیین تکلیف اموال ضبط شده می‌داند؛ هر چند تعریف مشخصی از ضبط اموال به دست نمی‌دهد. از سوی دیگر باز پرس و دادگاه نمی‌تواند هر مالی را ضبط کند و مکلف است تا

^۱ - جعفریلنگرودی، پیشین، ص ۱۸۱.

اموالی را که دارای اوصاف سه گانه ی فوق هستند را رفع توقیف کرده و از ضبط آزاد نماید. در ادامه ی این ماده موارد دیگری در مورد ضبط اموال آمده است.

۱-۳-۲ - گفتار دوم: عواید حاصل از جرم

عواید حاصله از جرم را می‌توان به « هر گونه پرداخت یا پاداش دریافت شده به وسیله ی متهم یا هر شخص دیگری که متهم نسبت به او در هر زمانی کنترل مؤثر دارد، در ارتباط با هر فعالیت مجرمانه ی انجام شده به وسیله ی متهم یا هر شخص دیگر تعبیر کرد.^۱

به این ترتیب باید گفت که عواید حاصله از جرم شامل هرگونه نفعی، در هر شکلی که باشد، است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از ارتکاب جرم حاصل می‌شود. به این ترتیب، عواید حاصله از جرم شامل کلیه ی منافع و اموالی می‌شود که شخص در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است. از این نظر اموال و منفعی که از عواید حاصله از ارتکاب جرم حاصل شوند، نیز، داخل در مفهوم عواید حاصله از ارتکاب جرم خواهند بود.

مشکلی که در مورد عواید حاصله از جرم وجود دارد شناسائی آن است. برای مثال، اگر مبلغی پول در حساب بانکی شخصی واریز شود یا شخص به طور ناگهانی مالک اتومبیل گران قیمت یا فراتر از حد متعارف وضعیت مالی خود شود یا ناگهان صاحب خانه‌ای شود، در حالی که با توجه به وضعیت مالی خود در آن موقعیت زمانی نمی‌توان مالکیت وی را معقول تلقی کرد و از طرف دیگر متهم به ارتکاب جرمی شود، آیا می‌توان گفت که اموال مزبور عواید جرم هستند؟ اگر دلیلی وجود داشته باشد مبنی بر این که فردی در قبال تحویل مواد مخدر به دیگری، برای مثال، ۱۰ میلیون تومان دریافت نموده و بعداً معلوم شود که در حساب بانکی وی مبلغ ده میلیون تومان موجود است چگونه می‌توان ثابت کرد که این همان مبلغی است که از خریدار مواد مخدر دریافت کرده و در واقع عواید حاصله از جرم است؟

مشکل وقتی پیچیده تر می‌شود که مرتکب عواید حاصله از جرم را به نام فرزندان یا همسر و دوستان یا خویشان خود به ثبت رسانده باشد یا با نام های مجعول اقدام به افتتاح حساب یا سرمایه گذاری‌های دیگر کرده باشد.

¹ - www.geocities.com/capitoltil/lobby/3473/proceeds.htm.77k.p.1

برخی برای رهایی از این مشکل معتقدند که «قانون گذار برای مصادره ی عوائد حاصله از جرم موفقیت آمیز نخواهد بود مگر آن که دولت از بار اثبات معاف شود.»^۱ به عبارت دیگر برای موفقیت آمیز بودن مصادره ی عوائد جرم، باید بار اثبات اینکه اموال مورد ادعای دادستان از جرم ناشی نشده‌اند بر عهده ی متهم گزارده شود.

قانون گذاران این نظریه را به علت مخالف با اصل برائت به طور مطلق نمی پذیرند و برای این که تعادلی بین اصل مزبور و تسهیل کار دادستان ها ایجاد نمایند، به طور استثنائی برخی موارد را احصا یا برای برخی موارد استثنائی سقفی را معین می‌کنند و چنان چه مبالغ موجود در حساب‌های بانکی شخص از حد مقرر تجاوز نماید، بار اثبات معکوس می‌شود.

این موارد را می‌توان «فروض قانونی» نامید؛^۲ برای مثال، قانون گذار اعلام می‌کند که هر کسی که در حساب بانکی خود مبلغی بیش از ۵ میلیون تومان داشته باشد باید کیفیت تحصیل آن را ثابت کند. نمونه ی این وضعیت را در حقوق برخی کشورها می‌توان مشاهده کرد. برای مثال، در فرانسه، تشخیص هویت مشتریان عادی بانک هنگامی که عملیاتی که نسبت به مبالغ بیش از ۵۰۰۰۰ فرانک انجام می‌گیرد برای بانک الزامی است.^۳ در حقوق خودمان نیز می‌توان به قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشگری و شهرداری ها و مؤسسات وابسته به آن ها مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۹ و معروف به قانون از «کجا آورده‌ای؟» مشاهده نمود.^۴

با این حال این فروض قانونی نیز در همه ی موارد کار ساز نیست. چون ممکن است شخص در جایی غیر از بانک اقدام به سرمایه‌گذاری کرده باشد یا با خرید و فروش اموال منقول و

^۱ - www.lawreform.ie/publication/data/volume8/lrc-06.html.p9

^۲ - آشوری، محمد،

۱۳۸۴، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سمت، ص ۲۵۰.

^۳ - آنتسیه،

۱۳۷۹، مشکلات اجرایی قانون فرمانسهدرز زمینیهت تطهیر پول، ترجمه پیر و خالدین کرد علی وند، مجموعه مقالات (سخنرانیهای خارجی)، همایش بین المللی علمی-

کاربرد جنبه های مختلف فلسفیه استجنا بیدر قبلو ادمدر، چاپ روزنامه مهرسی، ص ۲۷.

^۴ - می‌توان گفت که هدف قانون گذار از تصویب این قانون نظارت بر نحوه تحصیل دارایی از طرف کارمندان دولتی است و می‌خواهد مراقبت کند که دارایی نامشروعی بر دارایی آنان افزوده نشود. وقتی کارمندی موقع استخدام صورت ریز دارایی خود را به اداره مربوط اعلام کند و میزان حقوق و درآمدی که از طریق اداره تحویب می‌کند مشخص باشد قاعدتاً باید بار اثبات نحوه تحصیل دارایی افزوده زائد بر مبالغ دریافتی از اداره بر عهده او مستقر باشد.

نهایتاً تخصیص سود حاصله به نام فرزندان یا همسر خود، تدابیر قانون گذار را برای مقابله با عوائد حاصله از جرم خنثی کند، یا در مقاصد مشروع سرمایه‌گذاری کند. این امر که از آن به تطهیر پول^۱ تعبیر می‌شود به نحو ماهرانه ای صورت می‌گیرد و تشخیص این که چه مقدار از پول یا سرمایه از ارتکاب جرم تحصیل شده یا از عوائد حاصله از جرم چه عوائدی عاید متهم شده است را بسیار مشکل می‌نماید.

با توجه به مفهومی که از اموال حاصله از جرم داده شد، الزام مرتکب به پرداخت اموال حاصله از جرم را ماهیتاً باید دارای جنبه ی جبران خسارت دانست و نه کیفر. از این جهت که، مرتکب در اثر ارتکاب جرم اموالی را عائد خود می‌کند که قانوناً مستحق آن نیست. برای مثال، با فروختن سکه قلب به مردم، که در واقع نوعی کلاه برداری است، اموالی را از آنان کسب می‌کند که حق تحصیل آن را نداشته است. در واقع اموالی که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است به بزه‌دیدگان تعلق دارد و هر جا که مرتکب مالی را در اثر ارتکاب جرم تحصیل می‌کند مال یا منفعت متعلق به بزه دیده است و باید به او برگردد.

ولی در مورد عوائد حاصله از جرم وضعیت متفاوت است. بر عکس اموال حاصله از جرم که لزوم اعاده ی آن ها از طرف مرتکب را دارای ماهیت جبران خسارت تلقی کردیم، در مورد عوائد حاصله از جرم، باید قایل به ماهیت کیفری باشیم. از این نظر دارای ماهیت کیفری است که بزه دیده، در عین بزه دیدگی، بزه‌کار نیز هست و عمل شخصی نیز که مال یا منفعت از او تحصیل شده طبق قانون جنبه ی مجرمانه دارد که در این صورت اموال و منافع حاصله، نه مال فرد مزبور، بلکه متعلق به دولت خواهد بود. در این حالت می‌توان گفت که مال باخته در قبال مالی که از دست می‌دهد، ما بازاری را به دست می‌آورد. برای مثال، وقتی در قبال جعل سند مبلغی پول به جاعل می‌دهد یا در قبال دریافت مواد مخدر پولی به فروشنده می‌دهد، استفاده‌ای که از سند مجعول خواهد برد و

^۱ - از تطهیر پول تعاریف مختلفی به عمل آمده است. برخی آن را به فرایندی که بموجب آن مجرمان تلاش می‌کنند منشاء واقعی و مالکیت فعالیت‌های مجرمانه خود را مخفی کنند و اگر به نحو موفقیت‌آمیزی این کار را انجام دهند، می‌توانند نسبت به عوائد حاصله از جرم اعمال کنترل نمایند و نهایتاً پوشش مشروعی برای منبع درآمد خود پیدا کنند، تعبیر کرده‌اند. و برخی دیگر آن را به فرایند تحریف یا تمیز کردن مال با علم به اینکه از طریق ارتکاب جرم تحصیل شده و به قصد مخفی کردن منشاء آن تعبیر کرده‌اند (رحم دل، ۱۳۸۵، ۱۷۳).

موادی که دریافت می‌کند، ما به ازاء پولی تلقی می‌شود که پرداخت می‌کند. در این مورد می‌توان به جرایم ارتشاء و روسپی‌گری نیز، که در حقوق ما جرم تلقی شده است، اشاره نمود.

با توجه به ماهیت کیفری عوائد حاصله از جرم، باید مصادره ی این عوائد را نوعی مجازات تلقی کرد. هم چنانکه گفته‌شد این نوع مجازات یک نوع وجه باز دارندگی نیز دارد. به این اعتبار که قانون‌گذار با مصادره عوائد حاصله از جرم می‌خواهد مانع از گرایش اشخاص به ارتکاب جرائمی شود که اهدافشان از ارتکاب آن جرم تحصیل منفعت می‌باشد. واجد جنبه ی کیفری تلقی کردن مصادره، این حسن را هم دارد که علاوه بر عوائد جرم، عوائد عواید جرم نیز قابل مصادره باشند. برای مثال اگر متهم از ارتکاب جرم عوائدی تحصیل نموده و با سرمایه‌گذاری و به گردش انداختن آن عوائدی را نیز تحصیل کند، عوائد مزبور نیز باید به عنوان عوائد حاصله از جرم ضبط و مصادره شود.

فصل دوم:

ضبط و مصادره‌ی اموال ناشی از جرم در قوانین کشور

۱-۲- مبحث اول: ضبط و مصادره ی اموال ناشی از جرم در قوانین کشور

مصادره ی اموال گاه به عنوان کیفر اصلی یا یکی از کیفرهای اصلی جرایم در قانون پیش بینی می‌شود و گاه به عنوان اثر تبعی ارتکاب برخی جرایم محسوب می‌شود. به عنوان مثال قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر در بند ۴ ماده ی ۴^۱، مصادره ی اموال را از جمله کیفرهای اصلی بر شمرده است. هم چنین ماده ی ۱۹ لایحه ی مجازات اسلامی^۲، مصادره ی اموال را از جمله کیفرهای اصلی درجه ی یک بر شمرده است و در تبصره ی ۵ تصریح کرده است که این کیفر، چیزی متفاوت از موارد مصادره ی اموال ناشی از جرم یا به کار گرفته شده در جرم و امثال آن ها است.^۳ علاوه بر موارد مذکور در قوانین مختلف مصادره ی برخی اموال به عنوان مجازات تبعی مورد توجه قانون گذار بوده است، در این موارد مال مصادره شده یا حاصل جرم بوده، یا برای ارتکاب جرم استفاده شده یا در نظر گرفته شده است. به عنوان نمونه از قوانین زیر می‌توان یاد کرد:

۱- ماده ۴ - هر کس بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیر، سوخته، تفاله تریاک و یا دیگر مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر دارویی که فهرست آن ها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد را به هر نحوی به کشور وارد و یا به هر طریقی صادر یا ارسال نماید یا مبادرت به تولید، ساخت، توزیع یا فروش کند یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد مذکور به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: ۱- تا پنجاه گرم، تا چهارمیلیون ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق. ۲- بیش از پنجاه گرم تا پانصد گرم، از چهارمیلیون تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و در صورتی که دادگاه لازم بداند تا سه سال حبس. ۳- بیش از پانصد گرم تا پنج کیلوگرم، از پنجاه میلیون ریال تا دویست میلیون ریال جریمه نقدی و پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و سه تا پانزده سال حبس. ۴- بیش از پنج کیلوگرم، اعدام و مصادره ی اموال ناشی از همان جرم. تبصره - هرگاه محرز شود مرتکبین جرائم موضوع بند ۴ این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن ها هم نشده و مواد، بیست کیلو یا کمتر باشد دادگاه با جمع شروط مذکور آن ها را به حبس ابد و هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره ی اموال ناشی از همان جرم می‌نماید. در اوزان بالای بیست کیلوگرم مرتکبین تحت هر شرایطی اعدام می‌شوند

۲- ماده ی ۱۹- مجازات های تعزیری به هشت درجه تقسیم می‌شود: درجه ی ۱- حبس بیش از بیست و پنج سال، جزای نقدی بیش از یک میلیارد ریال، مصادره ی کل اموال، انحلال شخص حقوقی.

۳- در اسناد فراملی ماده ۳۱ کنوانسیون مبارزه با فساد (مریدا ۲۰۰۰) و ماده ۱۲ کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته و فراملی (پالرمو) به موضوع مصادره اموال ناشی از جرم پرداخته اند.

ماده ی ۹ قانون مبارزه با پول شویی^۱، ماده ی ۸ قانون مبارزه با قاچاق انسان^۲، ماده ی ۵ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیر مجاز می‌کنند^۳، مواد ۸ و ۹ قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره^۴، ماده ی ۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق^۵، تبصره ماده ی ۲۸ و ماده ی ۳۰ اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر^۱، تبصره ی ۲ ماده ی ۳ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات^۲.

۱- ماده ۹- مرتکبین جرم پولشویی علاوه بر استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم مشتمل بر اصل و منافع حاصل (و اگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن) به جزای نقدی به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم محکوم می شوند که باید به حساب درآمد عمومی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز گردد. تبصره ۱ چنان چه عواید حاصل به اموال دیگری تبدیل یا تغییر یافته باشد، همان اموال ضبط خواهد شد. تبصره ۲ صدور و اجراء حکم ضبط دارایی و منافع حاصل از آن در صورتی است که متهم به لحاظ جرم منشأ، مشمول این حکم قرار نگرفته باشد. تبصره ۳ مرتکبین جرم منشأ، در صورت ارتکاب جرم پولشویی، علاوه بر مجازات های مقرر مربوط به جرم ارتكابي، به مجازات های پیش بینی شده در این قانون نیز محکوم خواهند شد

۲- ماده ۸- تمامی اشیاء، اسباب و وسائط نقلیه ای که عالماً و عامداً به امر «قاچاق انسان» اختصاص داده شده اند به نفع دولت ضبط خواهند شد.

۳- ماده ۵: کلیه وسایل و تجهیزات مربوطه که بر اساس این قانون از محکومین ضبط می گردد به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحویل می شود و در خصوص وسایل و تجهیزات تمیل شده از سوی مراجع ذیصلاح در شهرستانها نیز به همین نحو عمل می شود

۴- ماده ۸ - واردکنندگان، تولیدکنندگان و توزیع کنندگان تجهیزات دریافت از ماهواره علاوه بر ضبط و مصادره اموال مکشوفه توسط دادگاه ها به مجازات ده تا یکصد میلیون ریال محکوم می گردند.

ماده ۹ - استفاده کنندگان از تجهیزات دریافت از ماهواره علاوه بر ضبط و مصادره اموال مکشوفه به مجازات نقدی از یک میلیون تا سه میلیون ریال محکوم می گردند. الف - حمل، نگهداری، نصب و تعمیر تجهیزات دریافت از ماهواره ممنوع و مرتکبین به مجازات نقدی از یک تا پنج میلیون ریال محکوم می گردند. ب - وجوه دریافتی بابت مجازات مواد ۸ و ۹ این قانون به خزانه واریز و صد درصد (۱۰۰٪) آن جهت تأمین هزینه های اجرای این قانون و مقابله با تهاجم فرهنگی در اختیار وزارتخانه های کشور و فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران قرار داده می شود تا در حدود اعتبارات مصوب بودجه سالانه کل کشور به مصرف برسد.

۵- ماده ۵- هر گاه مال موضوع عایدات دولت و یا اشیا ممنوع الورد یا ممنوع الصدور به توسط مکاري یا اتومبیل و یا سایر وسایط نقلیه یا به وسایل دیگری نقل شود و حامل نتواند ارسال کننده یا کسی را که محمولات باید به او تسلیم شود تعیین و اثبات کند علاوه بر ضبط مال باید شخصاً از عهده جزای نقدی مقرر در ماده اول این قانون برآید.

قابل اعتراض یا قطعی بودن حکم به مصادره ی اموال و نیز مرجع رسیدگی به تجدید نظر خواهی تابع شرایط جرم و قابل اعتراض بودن یا نبودن آن در قانون است. به موجب ماده ی ۱۹ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب و بند (ج) ماده ی ۲۳۲ و ماده ی ۲۳۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری نیز آرای مراجع کیفری در خصوص مصادره ی اموال قابل تجدید نظر خواهی از سوی محکوم علیه در دیوان عالی کشور است.

در قانون جدید آیین دادرسی کیفری نیز در مورد تجدید نظر خواهی در مواردی غیر از چند مورد که در ذیل ماده ی ۴۲۷ آمده است، می توان فرجام خواهی کرد. بر این اساس و بر اساس ماده ی ۴۲۷، آرای دادگاه های کیفری جز در موارد زیر که قطعی محسوب می شود، حسب مورد در دادگاه تجدید نظر استانها منحوز می شود، قضایا قابل تجدید نظر و یا در دیوان عالی کشور قابل فرجام است: الف- جرایم تعزیری درجه هشت باشد. ب- جرایم مستلزم میرد اختدیها ارش، در صورتیکه میز انیا جمع آنها کمتر از یکدهم دیده کامل باشد. تبصره ۱- در مورد مجازات های جایگزین حبس، معیار قابلیت تجدید نظر، همان مجازات قانونی و لایه است. تبصره ۲- آراء قابل تجدید نظر، اعماز محکومیت، برائت، یا قرار های منعو موقوفیت عقیب، اناطه و تعویق صدور حکماست.

۱- ماده ۳۰ - وسائط نقلیه ای که حامل مواد مخدر یا روان گردان های صنعتی غیر داروئی شناخته می شوند به نفع دولت ضبط و با تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر در اختیار سازمان کاشف قرار می گیرد. چنانچه حمل مواد مخدر بدون اذن و اطلاع مالک وسیله نقلیه صورت گرفته باشد وسیله نقلیه به مالک آن مسترد می شود. تبصره - کلیه افرادی که به هر نحو اقدام به ساخت یا تعبیه جاسازی جهت حمل مواد مخدر یا روان گردان های صنعتی غیر داروئی در وسائط نقلیه می نمایند، در صورت وقوع یک جرم به عنوان معاون در جرم ارتکابی و در غیر آن از سه ماه تا شش ماه حبس و حسب مورد از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی محکوم می شوند

۲- ماده ۳ - هرگاه یک یا چند نفر جنس یا نقودی را که صدور یا ورود آن ممنوع یا در انحصار دولت یا موقوف به اجازه دولت است مسلحانه قاچاق کنند در صورتی که مرتکب یا مرتکبین که لااقل یک نفر از آنان مسلح باشد در مقابل قوای دولتی مسلحانه مقاومت نمایند به حبس دائم یا اعدام و اگر مقاومت نمایند به حبس با کار از سه تا ده سال محکوم می شوند. تبصره ۱ - هرگاه برای ارتکاب بزه مندرج در این ماده با توجه به نوع جنس مورد قاچاق به موجب قوانین دیگر کیفر شدیدتری مقرر شده باشد مرتکب به کیفر اشد محکوم می شود. تبصره ۲ - در تمام موارد مذکور در این قانون دادگاه نسبت به ضبط مال مورد قاچاق و تعیین جریمه نقدی طبق قوانین مربوط رأی مقتضی صادر خواهد نمود. تبصره ۳ - در مورد جرائم موضوع این قانون هرگاه ثابت شود که مال مورد قاچاق متعلق به دیگری است و مباشر یا مباشرین عامل صاحب مال باشند علاوه بر مباشر صاحب مال نیز حسب مورد مشمول مواد ۱ و ۳ این قانون خواهد بود.

قرار در خواست و خواهی تجدید نظر خواهی، در صورتی که مستحق آن باشد، قابل تجدید نظر خواهی باشد.

بر این اساس مصادره ی اموال که در قانون مجازات اصلاحی پیش بینی شده است و در مجازات های تعزیری در جه ی یک قرار دارد نیز شامل تجدید نظر خواهی قرار می گیرد و می توان از آراء صادره بر اساس قانون خواهان تجدید نظر شد.

بر اساس ماده ی ۱۹ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب آرای زیر قابل درخواست تجدید نظر می باشد تا چنان چه مرجع تجدید نظر پس از رسیدگی پی به اشتباه بین حکم و یا عدم صلاحیت دادگاه ببرد و رای را نقض و رسیدگی مجدد نماید.

۱- اعدام و رجم. ۲- حدود، قصاص نفس و اطراف. ۳- مصادره و ضبط اموال. ۴- دیه بیش از خمس دیه کامل. ۵- در صورتی که حداکثر مجازات قانونی جرم بیش از ۶ ماه حبس یا شلاق یا بیش از یک میلیون ریال جزای نقدی باشد. ۶- حکمی که خواسته آن از یک میلیون ریال متجاوز باشد. ۷- حکمی که مستند به اقرار خوانده در دادگاه نباشد. ۸- حکمی که مستند به رای یک یا چند نفر کارشناس که طرفین کتبا رای آنان را قاطع دعوی قرار داده باشند، نباشد. ۹- حکم راجع به مقرعات دعوی در صورتی که حکم راجع با اصل دعوی قابل تجدید نظر باشد. ۱۰- حکم راجع به نکاح و طلاق و فسخ نکاح و مهر. ۱۱- حکم راجع به نسب و وصیت و وصایت و وقف و ثلث و حبس و تولیت. ۱۲- حکم راجع به حجر و رفع حجر.

نکته ی مهم در این باره این است که در صورتی که اشخاص غیر مرتبط با پرونده در اثر حکم به مصادره ی یک مال متضرر شوند به استناد تبصره ی ۱ ماده ی ۱۰ قانون مجازات اسلامی سابق طبق مقررات حق تجدید نظر خواهی نسبت به این حکم در دادگاه های جزایی دارند هر چند قرار یا حکم قضایی دادگاه کیفری قابل اعتراض نباشد. در ماده ی ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی جدید در ماده ی ۲۱۵ این ماده تقریباً به همین مضمون اشاره شده است.

بر اساس این ماده «بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله ی ارتکاب جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا حسب مورد، مسترد، ضبط یا معدوم شود. در مورد ضبط، دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین می کند. هم چنین باز پرس

و یا دادستان مکلف است مادام که پرونده نزد وی جریان دارد به تقاضای ذی نفع و با رعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیاء مذکور را صادر نماید:

الف- وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد.

ب- اشیاء و اموال، بلاعارض باشد.

پ- جزء اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد. در کلیه ی امور جزائی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن اعم از این که مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوفی تعقیب متهم باشد، در مورد اشیاء و اموالی که وسیله ی ارتکاب جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص یافته است، باید رأی مبنی بر استرداد، ضبط یا معدوم شدن آن صادر نماید.

علاوه بر این قانون گذار در تبصره ی ذیل این ماده تصریح می کند که: متضرر از قرار باز پرس یا دادستان یا قرار یا حکم دادگاه می تواند از تصمیم آنان راجع به اشیاء و اموال مذکور در این ماده شکایت کند و طبق مقررات در دادگاه های جزائی شکایت خود را تعقیب و درخواست تجدید نظر نماید، هر چند قرار یا حکم دادگاه نسبت به امر جزائی قابل شکایت نباشد.

هر چند تبصره ی مذکور درباره ی دادگاه صالح برای رسیدگی به این تجدید نظر خواهی ابهام دارد ولی به نظر می رسد ماده ی ۳ قانون نحوه ی اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی در این خصوص تعیین تکلیف کرده است. به موجب این ماده: «به منظور اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی قضایی موظف است در مرکز هر یک از استان های کشور و شهرستان هایی که لازم بداند شعبه یا شعبی از دادگاه انقلاب را جهت رسیدگی و ثبوت شرعی دعاوی مطروحه معین کند».

همان طور که شاهد هستیم بر اساس ماده ی اخیر الذکر قانون اساسی شورای عالی قضات باید در مرکز استان ها و البته شهرستان هایی که به هر دلیلی لازم بداند به فراخور احتیاج، شعبه یا شعبی از دادگاه های انقلاب را دایر نماید که می توان با توجه به این مطلب ابهام موجود در تبصره ی قانون مجازات اسلامی را تا حدودی رفع نمود.

۲-۱-۱- گفتار اول: ضبط و مصادره اموال ناشی از جرایم مربوط به قاچاق

در سطح بین المللی و ملی و داخلی، قاچاق کالا معضلی دیرینه است که از دیرباز خسارت های اقتصادی و فرهنگی هنگفتو گسترده ای به کشورمان وارد کرده است و ملت را از درآمد های مشروع و قانونی چشم گیری محروم ساخته است و علاوه بر آن بسیاری از افراد را با مشغول کردن به این عمل زشت و ناپسند از فعالیت های مفید باز داشته است. به نحوی که ارزش کالای قاچاق وارد شده به کشور در سال ۱۳۸۸ شمسی را تا دو میلیارد دلار و خسارت ناشی از آن به خزانه دولت را تا هزار میلیارد تومان در سال برآورد کرده اند.^۱ از این رو مجمع تشخیص مصلحت نظام به تدوین و تنظیم قانون مبارزه با قاچاق کالا پرداخت و علاوه بر مراجعی چون دادگاه های انقلاب اسلامی و سازمان تعزیرات حکومتی، ستادهای مبارزه با قاچاق کالا نیز شکل گرفت.

با این حال قوانین مربوط به قاچاق خالی از اشکال نمی باشد؛ از جمله ی این موارد می توان به نامناسب بودن قوانین و مقررات مربوط به مبارزه با قاچاق کالا و نارسایی و پراکندگی آن ها و نیز تعدد مراکز تصمیم گیری، ناهماهنگی سازمان های ذی ربط در مبارزه با قاچاق کالا و عدم اتخاذ رویه های مناسب در این امر، عمده ترین مشکلات مبارزه با قاچاق ارز و کالا است. همانند قسمتی از بخش نامه شماره ی ۴۰۶ / ۱۰۵۹۰۰ مورخه ۱۳ / ۹ / ۷۵ قائم مقام معاونت حقوقی و امور مجلس رئیس جمهوری که مقرر داشته: «در حال اعتراض صاحبان کالا و ارز مانع از عملیات اجرایی نسبت به ضبط و فروش و اخذ جریمه و واریز وجوه و سایر اقدامات نخواهد بود» در عمل گمرکات را با مشکل جدی روبرو می سازد؛ زیرا به محض اعلام قاچاق شدن کالا سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی، به فروش کالاهای قاچاق شده مبادرت می ورزد و صاحبان کالا پس از اعتراض و اخذ حکم برائت از مراجع قضایی جهت استرداد کالای ضبط شده به گمرک رجوع می کنند. در حالی که اولاً در گمرک موجود نیست؛ ثانیاً وصول قیمت کالای به فروش رفته به وسیله ی سازمان جمع آوری و پرداخت وجوه آن به صاحبان کالا مشکلات اجرایی و مالی فراوانی را برای گمرک به وجود آورده است.

در مراجع قضایی نیز رسیدگی به پرونده ی قاچاق به دلیل عدم شفافیت مقررات مربوط به صلاحیت های ذاتی مراجع قضایی رسیدگی کننده، شاهد ناهماهنگی آرای صادره از سوی دادگاه های انقلاب و شعب تعزیرات حکومتی است. اختلاف در اصول و آیین نامهی دادرسی و نیز به دلیل نبود

۱- روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۶۴۶، سه شنبه ۲۵ خرداد، ۱۳۸۸

وحدت رویه در مراجع قضایی یاد شده، اغلب در خصوص پرونده های مشابه آرای متفاوت صادر می شود. موضوع دیگر، تقسیط جزای نقدی حکم صادره بدون مبنا و مستند قانونی و بدون هماهنگی با سازمان های شاکی است که این امر باعث طولانی شدن غیر منطقی وصول حقوق دولت و مأموران ذی ربط می شود.

ماده ۱ قانون مجازات مرتکبین قاچاق اصلاحی ۱۳۷۳ / ۱۱ / ۹ مقرر می دارد: «هر کس در مورد مالی که موضوع درآمد دولت بوده مرتکب قاچاق شود، علاوه بر رد مال و در صورت نبودن عین مال رد بهای آن، حسب مورد با توجه به شرایط و امکانات و دفعات و مراتب جرم به پرداخت جزای نقدی تا حداکثر پنج برابر معادل قیمت ریال مال مورد قاچاق و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می شود و در مورد اموال ممنوع الورد و کالاهای انحصاری علاوه بر مجازات فوق به حبس تعزیری تا دو سال محکوم خواهد شد...». مجازات مرتکب قاچاق کالا در این ماده پرداخت جزای نقدی، شلاق و حسب مورد حبس تعزیری در نظر گرفته شده است.

در تبصره ی ۲ ماده ی مزبور تقطیر الکل در خارج از مراکز که جهت تولید الکل مجازند، ممنوع اعلام شد و عین مال و آلات و ادوات مربوط به تقطیر الکل ضبط می شوند که مجازات مزبور علاوه بر مجازات های ماده ی یک بوده و به عنوان مجازات اصلی و از لحاظ نوع هم، جزء مجازات های بازدارنده می باشد. در مواد ۱۲ و ۲۳ و ۵ نیز ضبط عین مال (مورد قاچاق) به عنوان یکی از مجازات های اصلی پیش بینی شده است که در کنار جزای نقدی آمده و هم چنین در صورتی که عین مال از بین رفته باشد، مرتکب جرم باید بهای مال از بین رفته را بپردازد که به نفع دولت ضبط می شود.

در ماده ی ۵ این قانون در مورد ضبط و مصادره ی اموال آمده است: «هرگاه مال موضوع درآمد دولت و یا ممنوع الصدور و یا ممنوع الورد به توسط مکاری یا اتومبیل و یا سایر وسایط نقلیه

۱- ماده ۲ - شروع به جرم قاچاق علاوه بر ضبط مال و نصف جزای نقدی فوق موجب محکومیت به دو ماه تا یک سال حبس جنحه ای خواهد بود.

۲- ماده ۳ (اصلاحی ۲۹/۱۲/۱۳۵۳) - در مورد شرکاء جرم قاچاق عین مال ضبط و هریک از شرکاء به کیفر حبس مقرر در ماده ۱ محکوم می شوند و دادگاه سهم هریک را از کل جزای نقدی مقرر تعیین و آنان را متضامنا^۱ به پرداخت آن محکوم می نمایند و در صورتی که مال قاچاق از بین رفته باشد بهای آن از کلیه شرکاء متضامنا وصول خواهد شد. کیفر حبس معاون جرم برابر کیفر مباشر آن است ولی به جزای نقدی و بهای مال از بین رفته محکوم نخواهد شد مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری برای آن مقرر شده باشد...

و یا به وسایل دیگری حمل شود و حامل نتواند ارسال کننده و یا صاحب اصلی آن را تعیین و اثبات نماید علاوه بر ضبط مال و در صورت نبودن مال رد بهای آن باید شخصاً از عهده ی پرداخت جریمه ی مقرر در این قانون بر آید». همان طور که مشاهده می کنیم ضبط اموال در این ماده نیز پیش بینی شده است. از بررسی مواد مزبور این گونه بر می آید که منظور مقنن از ضبط مال، مصادره ی اموال به نفع دولت می باشد و هم چنین مقنن به درستی بر اعمال مجازات های مالی با توجه به هدف قاچاقچیان از ارتکاب قاچاق که همان سود جویی می باشد، تأکید بیشتری کرده است.

در مورد قاچاق طلا و نقره که در ماده ی ۴۴ قانون مجازات مرتکبین قاچاق آمده است،^۱ در تاریخ ۲۵ / ۴ / ۱۳۵۹ شورای انقلاب در لایحه ی قانونی راجع به ارزشها و طلا و آلات و جواهراتی که توسط سازمان های ذیربط از مسافران و یا قاچاقچیان به هنگام ورود یا خروج و یا در داخل کشور ضبط می شود، تلویحاً قاچاق طلا و نقره را ممنوع اعلام کرد.

ماده واحده ی مزبور مقرر داشته: «از تاریخ ۱ / ۱ / ۵۹ کلیه ی ارزشها و طلا و جواهراتی که در داخل کشور و یا مرزها، بنادر و فروشگاه توسط ژاندارمری جمهوری اسلامی، گمرک، دادگاه ها و دادرسی انقلاب، نیروی دریایی، هواپیمایی ملی، سپاه پاسداران، مأموران نخست وزیری، جهاد سازندگی و یا هر سازمان دیگر از مسافران یا قاچاقچیان ضبط یا کشف می شود و کلیه ی ارزشها، طلا و جواهرآلاتی که از این طریق در حال حاضر نزد دادگاه های انقلاب، گمرک و سپاه پاسداران و سایر سازمان های فوق الذکر می باشد، باید فقط به بانک مرکزی ایران تحویل شود و»

با توجه به این که قاچاق طلا ممنوع است، بنابراین مشمول ماده ۴۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق می شود که مقرر می دارد: مقصود از قاچاق اشیای ممنوع الورد یا ممنوع الصدور وارد کردن اشیای ممنوع الورد است به خاک ایران، در هر نقطه از مملکت که اشیای مزبور کشف شود و خارج کردن اشیای ممنوع الصدور تسلیم آن است به متصدی حمل و نقل و یا هر شخص دیگری برای خارج کردن و یا هر نوع اقدام دیگری برای خارج کردن از مملکت».

^۱ - لازم به توضیح است که بر اساس ماده واحده ی مصوب ۲۹ / ۱۲ / ۱۳۵۳ بعضی از مواد قانون مجازات مرتکبین قاچاق به شرح زیر اصلاح و ماده ۸ و تبصره های آن و مواد ۱۱ و ۳۳ و مواد ۳۷ و ۳۹ و تبصره های آن و مواد ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۴ و تبصره آن و ماده ۴۹ لغو و ماده ۵۰ و تبصره های آن و مواد ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ به قانون مذکور اضافه می شود منسوخ شد.

بنابراین چنان چه متهم قصد خارج کردن طلا از مملکت را داشته باشد و اقداماتی را نیز انجام داده باشد، قاچاق تحقق یافته محسوب می شود؛ هر چند طلا از مرز خارج نشده باشد. قاچاق طلا اعم از طلای مسکوک و غیر مسکوک است و در مورد خرید و فروش یا وارد کردن طلای مسکوک ممکن است مقررات قاچاق با مقررات قانون مجازات اسلامی تعارض پیدا کند. یعنی عملی هم مصداق قاچاق باشد و هم مصداق وارد کردن مسکوک طلای مخدوش به کشور که در این صورت می توان این گونه استدلال کرد که وارد کردن سکه ی قلب یا مخدوش گرچه عنوان قاچاق دارد (اگر وارد کردن آن را قاچاق بدانیم)، اما چون جرم خاص است بنابراین مشمول مقررات قاچاق نمی شود.

یا این که قاعده ی تعدد معنوی جرم^۱ جاری شود؛ یعنی اگر عملی هم مصداق وارد کردن مسکوک طلای کشور و هم مصداق قاچاق طلا باشد، ممکن است با توجه به مقررات ماده ی ۴۶ قانون اسلامی تعداد معنوی جرم محسوب شده و مجازات شدیدتر اعمال شود. اما در مورد صلاحیت دادگاه این سؤال مطرح است که آیا دادگاه انقلاب به اعتبار قاچاق بودن عمل صلاحیت رسیدگی دارد یا دادگاه عمومی به اعتبار وارد کشور کردن مسکوکات طلا؟ احتمالاً صلاحیت دادگاه با توجه به میزان مجازات تعیین می شود؛ یعنی اگر مجازات قاچاق شدیدتر باشد، در دادگاه انقلاب و اگر مجازات وارد کشور کردن شدیدتر باشد، در دادگاه عمومی رسیدگی می شود.^۲

البته تعیین مجازات اشد بدون در نظر گرفتن مجازات ضبط و مصادره ی طلا و جواهرآلات مزبور تشخیص داده می شود؛ زیرا مجازات یاد شده در هر دو قانون به عنوان مجازات اصلی و اجباری آمده است. ماده ی ۴۶ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مقرر می دارد: «هرگاه کالای قاچاق با کالای دیگر مخلوط باشد در صورتی که قابل تفکیک باشد، فقط کالای قاچاق ضبط و در غیر این صورت تمام کالا ضبط خواهد شد. ولی جزای نقدی به نسبت مقدار کالای قاچاق وصول می

^۱ - قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، ماده ۲۴ قانون راجع به مجازات اسلامی به موضوع تعدد معنوی یا اعتباری جرم پرداخته است قانونگذار قبل از انقلاب نیز همین مقرر را در ماده ۳۱ مورد توجه قرار داده بود به موجب ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد مرتکب به مجازات اشد محکوم می شود.» در حقوق کشور فرانسه تعدد معنوی در قانون پیش بینی نشده است بلکه در آرای دیوان کشور به آن توجه شده است در رأی مورخ دوم آوریل ۱۸۹۷ کلاهبرداری از طریق سوء استفاده از حرفه پزشکی، مستلزم تنها مجازات کلاهبرداری شناخته شده است.

^۲ - زراعت، عباس، ۱۳۷۸، شرح قانون مجازات اسلامی، جلد اول، نشریه فیض، چاپ دوم، ص ۱۷۷.

شود». در واقع یک نوع مجازات اضافی را در صورت اختلاط کالای قاچاق با سایر کالا و عدم قابلیت تفکیک بیان می کند که چندان عادلانه به نظر نمی رسد.

مواردی که در قانون امور گمرکی سابق قاچاق محسوب می شود، به خصوص در ماده ی ۲۹ این قانون مشخص تر است. البته در بعضی از مواد دیگر نیز مواردی به عنوان قاچاق گمرکی ذکر شده که به تفصیل شرح داده خواهد شد. مواردی که طبق ماده ۲۹ قانون امور گمرکی قاچاق محسوب می شود به شرح زیر است: بند یک ماده ی فوق شامل مواردی می شود که کالا به ترتیب غیر مجاز وارد کشور شود و یا از کشور خارج شود. البته قانونگذار استثنایی برای این مورد قایل شده و آن به هنگامی است که کالای مزبور در موقع ورود و یا صدور ممنوع یا غیر مجاز یا مجاز مشروط نبوده و از حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض بخشوده باشد. مسلماً وارد کردن یا خروج کالا از راه های غیر مجاز گمرکی از مصادیق این بند است.

چنان چه مسافری یا وسیله ی حملی قصد ورود یا خروج طلا یا ارز یا غیره را بدون اظهار به مسئولان گمرک و انجام تشریفات گمرکی داشته باشد، عمل به استناد بند یک قاچاق تلقی می شود. ضمن این که در بند ۵۴ و ۵۶ آیین نامه ی اجرایی قانون امور گمرکی اشاراتی به این مورد دارد. چنان چه وسایل نقلیه اعم از زمینی یا هوایی یا آبی حامل کالا بوده و در راه غیر مجاز یا لنگرگاه یا فرودگاه غیر مجاز توقف کند، عمل مسئولان شروع به قاچاق محسوب شده و طبق قانون مجازات مرتکبین قاچاق با آنان رفتار خواهد شد. البته در صورتی که راننده اقدام به تخلیه و بارگیری هر نوع کالا در راه غیر مجاز کند، (به غیر از کالاهای مجاز بخشوده از حقوق و سود عوارض که مجازات آن پرداخت جریمه انتظامی از هزار تا پنج هزار ریال حسب تشخیص رئیس گمرک است) این عمل قاچاق محسوب می شود.^۱

انواع قاچاق گمرکی در قانون جدید در ماده ی ۱۱۳ آمده است. و البته تغییرات زیادی در این مورد حاصل نشده است.

مجازات بزه قاچاق در هر مورد علاوه بر ضبط و مصادره ی مکشوفه و تعقیب کیفری قاچاقچی بر اساس ماده ی ۱ قانون مجازات مرتکبین قاچاق، پرداخت جریمه ی نقدی نیز هست.

^۱ - قادری، حسین،

۱۳۶۱، موارد قاچاق در قوانین گمرکی، ماهنامه صنعت حمل و نقل، شماره چهارم، آبان ماه، ص ۷۵.

جریمه ی نقدی قاچاق بر حسب نوع کالا متفاوت است. میزان جریمه در مورد کالاهای مجاز دو برابر حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض متعلقه و در مورد کالاهای غیر مجاز دو برابر ارزش و حقوق و سود و عوارض است و در هر مورد که به عین کالا دسترسی نباشد، بهای مال از بین رفته نیز از مرتکب وصول می شود. اداره ی گمرک بر اساس ماده ی ۶ قانون مجازات مرتکبین قاچاق در صورت وصول جریمه و ضبط مال قاچاق می تواند از تعقیب کیفری متهم صرف نظر کند. مشروط بر این که مرتکب، سابقه ی محکومیتی به علت قاچاق نداشته باشد و از این ارفاق نیز بیش از یک بار نمی تواند استفاده کند.

بنابراین مجازات قاچاق گمرکی همان مجازات مقرر در قانون مرتکبین قاچاق می باشد که یکی از مجازات های اصلی و اجباری این جرم، ضبط و مصادره ی عین مال مورد قاچاق می باشد. البته لازم به ذکر است که مطابق ماده ی ۵ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، رسیدگی به کلیه ی جرایم مربوط به قاچاق در صلاحیت دادگاه های انقلاب اسلامی می باشد.

۲-۱-۲- گفتار دوم: بررسی ضبط و مصادره اموال در قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲

مصادره ی اموال ناشی از جرم به عنوان یکی از مجازات های عملی و تأثیر گذار بر فعالیت های قاچاقچیان همواره مد نظر قانون گذار بوده و از آن به عنوان یک حربه برای جلوگیری از جرایم مربوط به قاچاق که برای کسب سود و پول فراوان انجام می شود به کار برده شده است. مصادره ی اموال ناشی از جرم علاوه بر مصادره ی اموال قاچاق می باشد و در برخی موارد ضبط و مصادره ی عواید و حتی عواید را نیز در بر می گیرد.

بر اساس قانون نحوه ی اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز که در سال ۱۳۹۲ باز بینی و تصویب شد، می توان به مواردی که در آن قانون گذار به ضبط و مصادره ی اموال ناشی از جرم پرداخته است اشاره کرد. در واقع می توان گفت که ضبط و مصادره ی اموال ناشی از جرم یکی از پایه های این قانون به حساب می آید و قانون گذار به آن تأکید فراوانی کرده است. در ادامه به مواد و قوانینی که در این قانون در مورد ضبط و مصادره ی اموال آمده است می پردازیم و هر یک را بر حسب مورد تفسیر و تبیین می کنیم.

بر اساس ماده ی ۱۹ قانون فوق الذکر «در صورتی که کالای قاچاق موضوع ماده ی (۱۸) این قانون^۱ با کالای دیگر مخلوط شود و امکان تفکیک وجود نداشته باشد تمام کالا ضبط و پس از کسر جریمه های ماده ی مذکور و سایر هزینه های قانونی به نسبت کالای غیر قاچاق از حاصل فروش به مالک مسترد می شود». همان طور که این ماده نیز اشاره کرده است در صورتی که امکان تفکیک کالای قاچاق و غیر آن در صورت اختلاط آن دو وجود نداشته باشد، همه ی آن کالا ضبط می شود و در ادامه سایر مراتب قانونی در مورد آن اعمال می شود.

مورد دیگری که در این قانون در مورد ضبط و مصادره ی اموال آمده است در مورد وسایل نقلیه ی مورد استفاده در قاچاق است بر حسب مورد ماده ی ۱۸ مذکور. بر اساس ماده ی ۲۰ این قانون وسایل نقلیه ی مورد استفاده در حمل قاچاق کالای موضوع ماده ی ۱۸ این قانون، اعم از زمینی، دریایی و هوایی به شرح زیر ضبط می گردد: الف- وسایل نقلیه ی سبک در صورتی که ارزش کالای قاچاق مکشوفه یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا بیشتر باشد. ب - وسایل نقلیه ی نیمه سنگین زمینی در صورتی که ارزش کالای قاچاق مکشوفه سیصد میلیون (۳۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا بیشتر باشد. پ - وسایل نقلیه ی نیمه سنگین هوایی و دریایی در صورتی که ارزش کالای قاچاق مکشوفه نهصد میلیون (۹۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا بیشتر باشد. ت - وسایل نقلیه ی سنگین زمینی در صورتی که ارزش کالای قاچاق مکشوفه یک میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا بیشتر باشد. ث - وسایل نقلیه ی سنگین هوایی و دریایی در صورتی که ارزش کالای قاچاق مکشوفه سه میلیارد (۳.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا بیشتر باشد.

۱- ماده ۱۸- هر شخص که مرتکب قاچاق کالا و ارز و حمل و یا نگهداری آن شود، علاوه بر ضبط کالا یا ارز، به جریمه های نقدی زیر محکوم می شود:

الف- کالای مجاز: جریمه نقدی یک تا دو برابر ارزش کالا
ب - کالای مجاز مشروط: جریمه نقدی معادل یک تا سه برابر ارزش کالا
پ - کالای یارانه ای: جریمه نقدی معادل دو تا چهار برابر ارزش کالا
ت - ارز: جریمه نقدی ارز ورودی، یک تا دو برابر بهای ریالی آن و جریمه نقدی ارز خروجی، دو تا چهار برابر بهای ریالی آن
تبصره ۱- عرضه و فروش کالای قاچاق موضوع این ماده جرم محسوب و مرتکب به حداقل مجازاتهای مقرر در این ماده محکوم می شود.
تبصره ۲- فهرست کالاهای یارانه ای با پیشنهاد وزارتخانه های امور اقتصادی و دارایی و صنعت، معدن و تجارت تهیه می شود و به تصویب هیئت وزیران می رسد.
تبصره ۳- وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است فهرست کالاهای مجاز مشروط را اعلام نماید.

تبصره ۱- در غیر از موارد فوق وسیله نقلیه توقیف می‌شود و در صورتی که محکوم علیه ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی، جریمه ی نقدی مورد حکم را نپردازد از محل فروش وسیله نقلیه برداشت و ما بقی به مالک مسترد می‌گردد.

تبصره ۲- در صورتی که ارتکاب جرم قاچاق با هر یک از انواع وسایل نقلیه ی مذکور حداقل سه بار تکرار شود و ارزش کالا در مجموع معادل یا بیشتر از مبالغ این ماده باشد وسیله ی نقلیه ضبط می‌شود.

تبصره ۳- مصادیق وسایل نقلیه در این ماده به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

تبصره ۴- در صورتی که وسیله نقلیه متعلق به شخصی غیر از مرتکب قاچاق باشد و از قرائنی از قبیل سابقه ی مرتکب ثابت شود با علم و اطلاع مالک برای ارتکاب قاچاق در اختیار وی قرار گرفته است، وسیله ی نقلیه ضبط می‌شود و در غیر این صورت وسیله ی نقلیه به مالک مسترد و معادل ارزش آن به جریمه ی نقدی مرتکب اضافه می‌گردد.

تبصره ۵- در صورتی که وسیله نقلیه بلاصاحب یا صاحب متواری و یا مجهول‌المالک باشد، عین وسیله نقلیه به نهاد مأذون از سوی ولی فقیه تحویل می‌شود و یا با هماهنگی و أخذ مجوز فروش از نهاد مأذون کالای مزبور توسط سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی به فروش می‌رسد و وجوه حاصل از آن به حساب نهاد مأذون از سوی ولی فقیه واریز می‌شود.

در واقع در این ماده قانون گذار به طور کلی تکلیف وسایل نقلیه ی مورد استفاده در حمل قاچاق کالا را مشخص کرده است و در باره ی هر کدام از وسایل نقلیه و ارزش آنها و نحوه ی مصادره ی آن ها صحبت کرده است.

در ماده ی ۲۱ این قانون نیز به مواردی از ضبط کالا اشاره شده است. بر اساس این ماده در صورتی که ارزش کالای قاچاق و یا ارز مکشوفه موضوع ماده ی (۱۸) این قانون، برابر تشخیص اولیه ی دستگاه کاشف معادل ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا کمتر باشد با قید در صورت جلسه ی کشف به امضای متهم می‌رسد و در صورت استنکاف، مراتب در صورت جلسه کشف قید و حسب مورد، کالا ضبط و به همراه صورت جلسه به سازمان جمع‌آوری و فروش اموال

تملیکی تحویل می‌شود و ارزش مکشوفه به حساب مشخص شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز و رونوشتی از اوراق به متهم ابلاغ می‌گردد.

تبصره ۱- صاحب کالا و یا ارزش می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ در اداره ی تعزیرات حکومتی شهرستان محل کشف به این تصمیم اعتراض نماید. تا تعیین تکلیف قطعی قاچاق از سوی سازمان تعزیرات حکومتی، باید عین کالا نگهداری شود. تبصره ۲- مرتکب قاچاق موضوع این ماده در صورت تکرار برای مرتبه سوم و بالاتر علاوه بر ضبط کالا و یا ارزش به جریمه ی نقدی موضوع ماده ی (۱۸) این قانون محکوم می‌گردد. تبصره ۳- به کشفیات موضوع این ماده وجهی تحت عنوان حق الکشف یا پاداش تعلق نمی‌گیرد.

قانون گذار در ماده ی ۲۲ از فصل چهارم این قانون و در ذیل عنوان قاچاق کالای ممنوع باز هم در مورد ضبط اموال سخن گفته و در واقع تکیه ی اصلی را بر آن گذاشته است. بر اساس این ماده هرکس مرتکب قاچاق کالای ممنوع گردد یا کالای ممنوع قاچاق را نگهداری یا حمل نماید یا بفروشد، علاوه بر ضبط کالا به شرح زیر و مواد (۲۳) و (۲۴) مجازات می‌شود

در تبصره ی دوم این ماده تصریح شده است که وجوه حاصل از قاچاق کالای ممنوع ضبط می‌شود و علی الاصول این به اطلاق اشاره دارد و منظور قانون گذار ضبط همه ی موارد مشمول می‌باشد. از سوی دیگر در تبصره ی سوم نیز آمده است: آلات و ادواتی که جهت ساخت کالای ممنوع به منظور قاچاق یا تسهیل ارتکاب قاچاق کالای ممنوع مورد استفاده قرار می‌گیرد، ضبط می‌شود. البته در این مورد قانون گذار استثنایی قایل شده است و آن در موردی است که استفاده کننده مالک نبوده و مالک عامداً آن را در اختیار مرتکب قرار نداده باشد، مشمول حکم این تبصره نمی‌باشد.

در ماده ی ۲۳ این قانون مطابق آن چه پیشتر به آن اشاره شد، در مواردی که کالای قاچاق مکشوفه مشمول شرایط بندهای (پ) و (ت) ماده ی (۲۲) گردد وسیله ی نقلیه ی مورد استفاده در قاچاق کالای مزبور، در صورت وجود هر یک از شرایط زیر، ضبط می‌شود. بر اساس ادامه ی این ماده شرایطی که بر اساس آن ضبط صورت می‌گیرد از این قرار اند: الف- وسیله ی نقلیه ی مورد استفاده، متعلق به شخص مرتکب قاچاق باشد. ب- با استناد به دلایل یا قرائن از جمله سابقه مرتکب و یا مالک وسیله ی نقلیه در امر قاچاق، ثابت شود که مالک وسیله نقلیه عامداً، آن را جهت استفاده برای

حمل کالای قاچاق در اختیار مرتکب قرار داده است. تبصره- در غیر موارد فوق، وسیله ی نقلیه به مالک مسترد و معادل ارزش آن به جریمه ی نقدی مرتکب اضافه می‌شود.

در ماده ی ۳۲ این قانون، قانون گذار ضبط اموال را به عنوان یک کیفر اصلی به حساب آورده است و می گوید کسانی که مطابق این قانون قاچاقچی حرفه ای محسوب می شوند، علاوه بر ضبط اموال و کالا و یا ارز قاچاق، به حداکثر جزای نقدی و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری و مجازات‌های حبس به شرح زیر محکوم می‌شوند در واقع قانون گذار در این ماده علاوه بر ضبط اموال به مجازات های دیگری نیز اشاره کرده است و آن را بعد از ضبط اموال ذکر کرده است.

قانون گذار در ماده ی ۵۹ این قانون باز از ضبط اموال سخن گفته است و از آن به عنوان یکی از مجازات ها یاد کرده است. بر اساس این ماده در صورتی که کشف کالا و یا ارز قاچاق، همراه با درگیری مسلحانه مرتکبان قاچاق با انواع سلاح گرم و آتش‌زا با مأموران کاشف باشد، در صورتی که وسیله نقلیه متعلق به مرتکبان باشد و یا با استناد به قرائنی از قبیل سابقه مرتکب معلوم شود که مالک عامداً آن را جهت ارتکاب قاچاق در اختیار مرتکب قرار داده است، با حکم مرجع قضائی به نفع دستگاه کاشف جهت استفاده در امر مبارزه با قاچاق ضبط می‌شود. در غیر این صورت خودرو به مالک مسترد و معادل ارزش آن به جزای نقدی مرتکب یا مرتکبان افزوده می‌شود.

قانون گذار در ماده ی ۶۴ و ۶۵ از ضبط اموال سخن گفته است و از آن به عنوان یکی از مجازات ها در کنار سایر مجازات ها یاد کرده است. بر اساس ماده ی ۶۴ هر شخصی که با علم و اطلاع مرتکب جرم حمل کالا یا ارز قاچاق شود و نتواند ارسال کننده و یا صاحب اصلی آن را تعیین نماید، علاوه بر ضبط کالا یا ارز، به مجازات‌های مقرر در مورد مالک کالا و ارز نیز محکوم می‌شود. از سوی دیگر بر اساس ماده ی ۶۵ چنان چه قرائنی از قبیل جاسازی و نظائر آن حاکی از اطلاع مالک وسیله ی نقلیه یا محل نگهداری، از استفاده آن ها در قاچاق کالا و ارز باشد و مالک نیز اقدام بازدارنده به عمل نیاورده باشد علاوه بر حداقل مجازات مقرر برای مرتکب، وسیله ی نقلیه به شرح مندرج در ماده ی (۲۰) این قانون، ضبط می‌شود و در مورد ضبط محل نگهداری کالای ممنوع، ماده ی (۲۲) این قانون و تبصره‌های آن اعمال می‌گردد. در صورتی که محکوم علیه ظرف دو ماه از تاریخ صدور حکم قطعی، جزای نقدی مورد حکم را نپردازد، از محل فروش آن ها برداشت و مابقی به مالک مسترد می‌گردد.

قانون گذار در این قانون فرض شراکت متخلفان را نیز پیش بینی کرده است و در ماده ی ۶۶ این قانون چنان چه دو یا چند نفر در ارتکاب قاچاق شرکت نمایند، مرجع رسیدگی علاوه بر حکم به ضبط کالای قاچاق، سهم هر یک را از کل جزای نقدی تعیین و به پرداخت آن محکوم می‌نماید و در صورتی که کالا یا ارز قاچاق، از بین رفته باشد بهای آن نیز به نسبت مالکیت دریافت می‌شود. تبصره- چنان چه جرم ارتكابی مجازات حبس و یا شلاق نیز داشته باشد، هر یک از شرکاء به مجازات حبس و یا شلاق مقرر محکوم می‌گردد. همان طور که شاهد هستیم در این مورد نیز قانون گذار راه حل عملی را برای آن پیش بینی کرده است و برای هر یک از متخلفان و قاچاقچیان جریمه و جزای معینی را پیش بینی کرده است.

در ماده ی ۶۷ این قانون، قانون گذار به وضعیت اشخاص حقوقی پرداخته است و شرایط ضبط آن را نیز معین کرده است. بر اساس این ماده «اگر قاچاق توسط شخص حقوقی ارتکاب یابد، مرجع صدور حکم نسبت به ضبط کالا و یا ارز قاچاق مکشوفه اقدام می‌کند و شخص حقوقی، علاوه بر محکومیت به جزای نقدی، حسب مورد به دو تا چهار برابر حداکثر جریمه مقرر برای شخص حقیقی به ترتیب زیر محکوم می‌شود.....»

علاوه بر آن چه تاکنون عنوان شد قانون گذار در این مقررات به وضعیت هایی که متخلفان معاف از ضبط و مصادره ی اموال می‌شوند نیز اشاره کرده است. بر اساس ماده ی ۷۲ «هرگاه اشخاصی که مرتکب جرائم موضوع این قانون شده‌اند، در مراحل تحقیقات مقدماتی، با اقرار خود موجبات کشف کالا و ارز و یا دستگیری سر شبکه‌های قاچاق و سایر متهمان را فراهم کنند، بنا به تشخیص مرجع رسیدگی، ضمن ضبط کالا و ارز قاچاق از کیفرهای موضوع این قانون معاف یا در مجازات آنان تخفیف متناسب داده می‌شود».

و در پایان قانون گذار تکلیف اموال و کالاها و ... ضبط و مصادره شده را نیز مشخص کرده است. بر اساس تبصره ی ماده ی ۷۷ «کلیه مبالغ حاصل از اجرای این قانون از قبیل وجوه ناشی از فروش کالا و ارز قاچاق، وسایل ضبطی و جریمه‌های وصولی به حساب ویژه‌ای نزد خزانه‌داری کل کشور واریز می‌گردد».

۲-۱-۳- گفتار سوم: ضبط و مصادره ی اموال ناشی از جرم در قانون مبارزه با مواد مخدر

جرایم مواد مخدر یکی از مهم ترین جرایمی است که در سطح جهان قربانیان بسیار دارد. برخی از افراد سود جو و سودا گر فقط جهت نفع شخصی و کسب در آمد های غیر مشروع مبادرت به تولید و توزیع مواد مزبور در سطوح داخلی و بین المللی می کنند. جرایم مواد مخدر به علت شیوع آن در سطوح جامعه و ارتکاب آن توسط باندها و سازمان های جنایتکار جزء جرایم سازمان یافته در سطح بین المللی مطرح بوده و کنوانسیون های زیادی برای پیشگیری از این بلای خانمان سوز و مجازات مرتکبین آن ها شده است.

قاچاق مواد مخدر به طور گسترده و وسیع توسط اتحادیه های جنایتکار سازمان یافته که هدفی جز تأمین منافع اقتصادی ندارند، اداره می شود. این موارد شامل فروش خیابانی مواد به صورت وسیع و جریان سریع پول ها و درآمدهای ناشی از فروش مواد به سطح بالاتر شبکه های جرایم بین المللی می باشد. در نهایت این سرمایه برای تداوم و ثبات شبکه های توزیع قاچاق مواد مخدر به کار گرفته می شود و این عملکرد بدون در نظر گرفتن مرزهای ملی و سیستم های مالیاتی و مقررات اعمال شده برای بازرگانی و تجارت انجام می شود. یک چنین جریانی از پول، قدرت لازم را برای تضمین و اطمینان تدام عملکرد سیستم های قاچاق فراهم می کند.^۱

یکی از عوامل بسیار مؤثر و بازدارنده ی افراد از ارتکاب بزه قاچاق مواد مخدر، مصادره ی اموال مرتکبین آن جرایم می باشد که کاملاً در جهت عکس هدف آن ها است. قاچاقچیان اغلب برای رسیدن به پول ها و ثروت های کلان مرتکب قاچاق مواد مخدر می شوند و اگر به این نتیجه برسند که آن چه از این راه به دست می آورند از آن ها گرفته می شود و علاوه بر آن جریمه هایی هم باید بپردازند، انگیزه ی اقتصادی ارتکاب جرم قاچاق در قاچاقچیان از بین خواهد رفت.

در هر حال برخورد با قاچاقچی و مجازات شدن او نسبت به سایر مجرمان از اولویت برخوردار است و فوریت دارد؛ زیرا قاچاق مواد مخدر علاوه بر آثار زیان بار غیر قابل جبران فردی، اجتماعی، اقتصادی و...، باعث ارتکاب به جرایم متعدد دیگری از قبیل: قتل، سرقت، تجاوز، فحشا و... می شود. چه بسیارند زندانیانی که مرتکب قتل، سرقت و یا جرایم دیگر شده اند، ولی عامل اصلی ارتکاب به جرم، قاچاق و اعتیاد به مواد مخدر بوده است و اگر این افراد را به زندانیانی که در

۱- باقرزاده میمانجی، احد، ۱۳۷۸، همکاریهایی بینالمللی در مبارزه با مواد مخدر، انتشارات آزاد اسلامی، چاپ اول، ص ۴۹.

رابطه‌ی مستقیم با مواد مخدر در حبس هستند اضافه کنیم، باید بگوییم درصد زندان‌هایی که به نحوی با مواد مخدر ارتباط دارند.

از این رو در این مجال به بررسی ضبط و مصادره‌ی اموال در قوانین مربوط به قاچاق مواد مخدر می‌پردازیم. با بررسی و مطالعه‌ی مقررات و قوانین راجع به مواد مخدر قبل از انقلاب، مشخص می‌شود که در هیچ یک از مقررات مذکور مجازاتی تحت عناوین مصادره‌ی اموال یا ضبط اموال و دارایی‌های مجرمان پیش‌بینی و تصویب نشده و آن‌چه در این مورد وجود دارد بسیار کم‌رنگ و استثنایی است؛ برای مثال بند سوم از فصل آیین‌نامه اجرایی و طرز مجازات متخلفان از قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب آبان ۱۳۳۴ مطابق ۱۹۶۵ میلادی اشاره تلویحی دارد به این‌که: «هرکس در داخل کشور مواد افیونی نگهداری یا خرید و فروش یا حمل کند، اعم از این‌که مالک یا واسطه‌ی حمل و نقل باشد، علاوه بر ضبط عین مال در وزارت بهداشت به حبس تأدیبی از سه ماه تا شش ماه محکوم می‌شود». در این بند آن‌چه به خوبی جلوه‌گر است مالکیت داشتن مواد مخدر و مشروعیت آن است و ضبط به خود تریاک بر می‌گردد و اگر منظور مقنن اموال یا مال دیگری بود، باید به صراحت یا به قرینه‌ای صریح به آن اشاره می‌کرد.

استثنای دیگر که می‌تواند محکم‌تر از بند مذکور باشد، ماده‌ی ۱۱ لایحه‌ی قانونی راجع به اصلاح قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب تیرماه ۱۳۳۸ است با این عبارت: «ماده ۱۱ - در موارد مذکور در ماده‌ی چهار و قسمت اخیر ماده‌ی هفت این قانون وسیله‌ی نقلیه‌ی موتورسیکلت حامل مواد مخدر که مال مرتکب بوده و در حین کشف به دست مأموران افتد به دستور دادستان موقتاً توقیف و در صورت محکومیت مرتکب طبق رأی دادگاه به ملکیت وزارت بهداشت استقرار خواهد یافت» و در اصلاحیه‌ی مورخ ۱۰/۷/۱۳۴۲ هیئت وزیران ماده‌ی ۱۱ مذکور بدین نحو اصلاح شده است: «وسیله‌ی نقلیه‌ی موتورسیکلت حامل مواد مخدر به دستور دادستان موقتاً توقیف می‌شود و در صورت محکومیت به اداره‌ای که در کشف جرم مؤثر بوده است تعلق خواهد گرفت و اگر صاحب وسیله‌ی نقلیه‌ی غیر از متهم باشد و بدون اطلاع او وسیله‌ی نقلیه‌ی را برای حمل مواد مخدر به کار برده باشد، وسیله‌ی نقلیه‌ی وی پس داده می‌شود».

طی هشتاد و شش سال قانون‌گذاری یعنی از سال ۱۲۸۹ تا ۱۳۷۵ این تنها موردی است که به صراحت در مورد ضبط و مصادره‌ی وسیله‌ی نقلیه‌ی قاچاقچیان اشاره کرده و در مورد وسیله‌ی نقلیه‌ی راجع به مصادره‌ی اموالی که از راه قاچاق مواد مخدر و تجارت مرگ نصیب آن‌ها می‌باشد، هیچ

گونه مقرراتی وجود نداشته و به طور کلی از دهه ی ۱۹۸۰ میلادی به بعد است که فکر چنین مبارزه ای در سطح بین المللی شکل گرفته و وارد مرحله ی عملی می شود و در مقررات بعد از انقلاب اسلامی ملاحظه خواهد شد که طرز فکر مذکور وارد سیستم قضایی و قانونی کشور ما شده است.^۱

قانون مبارزه با مواد مخدر در سوم آبان ماه سال ۱۳۶۷ تصویب و در سال ۱۳۷۶ اصلاح شد. مجدداً نیز در سال ۱۳۸۹ مورد اصلاح قرار گرفت. ماده ی ۴ در اصلاحیه ی ۱۳۸۹ این گونه مقرر داشته است: «هر کس بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیره، سوخته، تفاله ی تریاک و یا دیگر مواد مخدر یا روانگردان های صنعتی غیر دارویی که فهرست آن ها به تصویب شورای اسلامی می رسد را به هر نحوی به کشور وارد و یا به هر طریقی صادر یا ارسال کند یا مبادرت به تولید، ساخت توزیع یا فروش کند یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد مذکور به مجازات های زیر محکوم می شود:

ماده ی ۲۸ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مقرر می دارد: «کلیه ی اموالی که از راه قاچاق مواد مخدر تحصیل شده و نیز اموال متهمان فراری موضوع این قانون در صورت وجود ادله ی کافی مصادره، به نفع دولت ضبط و مشمول اصل ۵۳ قانون اساسی در خصوص اموال دولتی نمی باشد. تبصره- وسایل نقلیه ای که در درگیری مسلحانه از قاچاقچیان مواد مخدر به دست می آید دادگاه آن را به نفع سازمان عمل کننده ضبط می کند».

در کنوانسیون پاک سازی پول مصوب شورای اروپا در هشت نوامبر ۱۹۹۰ در فصل اول در بند «د» ماده ی واژه ی مصادره آمده است و از نظر واژه شناسی توضیح داده شده که: «مصادره در این کنوانسیون به معنای مجازات یا اقدامی است که توسط دادگاه متعاقب رسیدگی های مربوط به جرم یا جرایم جزایی مورد حکم قرار می گیرد و منجر به محرومیت قطعی از اموال می شود». که سه مطلب قابل بحث است: ۱- مصادره مجازات دادگاه است. به هر حال تصمیم قضایی است که از نظر ماهیتی در مقابل یک جرم قرار می گیرد. ۲- این اقدام یا تدبیر یا مجازات یا تصمیم از سوی دادگاه که در مقام رسیدگی می باشد، اتخاذ می شود و به تعبیر دیگر در پایان رسیدگی این تصمیم

^۱ - باقرزاده میانی، احد،

۱۳۷۸، همکاریه بین المللی در مبارزه با مواد مخدر، انتشارات آزاد اسلامی، چاپ اول، ص ۱۰۱.

اتخاذ می شود و مقام صالح دادگاهها است. ۳- آثار مرتبط بر این تصمیم همواره به صورت محرومیت مالک نسبت به اموال مورد نظر ظهور پیدا می کند.^۱

از جمله ی آنها قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۷ می باشد که در مورخه ۱۷/۸/۱۳۷۶ توسط آن مجمع اصلاح شده است و چنان چه در ماده ۲۸ از ضبط و مصادره اموال در جرایم مربوط به قاچاق از منظر قوانین کشور این قانون پیش بینی شده تمامی اموال و وجوه حاصله از مواد مخدر به نفع دولت ضبط خواهد شد و هم چنین ماده ی ۳۰ این قانون پیش بینی کرده که: «ضبط و یا توقیف وسایل نقلیه که در مورد مواد مخدر دخالت دارد به نفع دولت». پس نتیجه گرفته می شود که یکی از جرایم موضوع پاکسازی پول یا تطهیر پول های کثیف در قوانین ایران در خصوص مواد مخدر می باشد.

بر اساس اصلاحیه ی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مصوب ۹/۵/۱۳۸۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام به جای عبارت «مصادره ی اموال به استثنای هزینه ی زندگی متعارف برای خانواده محکوم» عبارت «مصادره ی اموال ناشی از همان جرم» جایگزین شده است.

ماده ی ۲۸ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مقرر می دارد: «کلیه ی اموالی که از راه قاچاق مواد مخدر تحصیل شده و نیز اموال متهمان فراری موضوع این قانون در صورت وجود ادله ی کافی مصادره، به نفع دولت ضبط و مشمول اصل ۵۳ قانون اساسی در خصوص اموال دولتی نمی باشد. تبصره- وسایل نقلیه ای که در درگیری مسلحانه از قاچاقچیان مواد مخدر به دست می آید دادگاه آن را به نفع سازمان عمل کننده ضبط می کند».

در مورد نقاط ضعف و قوت مجازات ضبط و مصادره ی اموال در قانون ۱۳۶۷ و اصلاحیه ی آن در سال ۱۳۷۶ می توان گفت: استفاده از ماده ی ۲۸ قانون اخیرالتصویب کلیه ی اموالی که از راه قاچاق مواد مخدر تحصیل شده و نیز اموال متهمان فراری در صورت وجود ادله ی کافی برای مصادره به نفع دولت ضبط می شود.

^۱ - کوشا، جعفر، ۱۳۸۷، تقریرات در حقوق جزای اختصاصی (۲)، دورهی کارشناسی، ص ۲۰.

اولاً: در خصوص نحوه ی تحقیق و بررسی اموال حاصل از قاچاق در عمل مشکلات فراوانی وجود دارد. به گونه ای که قانون جواب گوی نیاز مسئولان و دست اندرکاران امر تحقیق نمی باشد و به دلیل این که سوابق و هویت واقعی افراد همواره برای مراجع قضایی مشخص نمی باشد و هم چنین در بسیاری از موارد به دلیل تأخیر در رسیدگی به اموال مرتکبین، آن ها با استفاده از معاملات صوری اموال خود را به دیگران منتقل می کنند؛ لذا در هنگام صدور حکم اموال چندانی از آن ها شناسایی نمی شود.

ثانیاً: از مقایسه ماده ی ۲۸ قانون مبارزه با مواد مخدر با مواد مندرج در قانون نحوه ی اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می توان نتیجه گرفت که حتی در مواردی که ضبط و مصادره ی اموال در جرایم مربوط به قاچاق از منظر قوانین کشور اموال مشمول ماده ی ۲۸ نشود، با استفاده از قانون نحوه ی اجرای اصل ۴۹ می توان نسبت به مصادره ی اموال مرتکبین قاچاق اقدام کرد.

برابر ماده ی ۳۰ قانون اخیر التصویب وسایل نقلیه ای که حامل مواد شناخته می شوند به نفع دولت ضبط و با تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر در اختیار سازمان کاشف قرار می گیرند. با عنایت به این که میزان مواد مکشوفه در خودروی حامل مواد مخدر مشخص نشده و ملاک و معیاری در این زمینه به دست نداد. لذا همین امر موجب برداشت چندگانه و صدور احکام متفاوت از سوی محاکم شد؛ و لیکن خودرو در صورتی حامل مواد شناخته می شود که عرفاً حمل آن مقدار توسط فرد امکان پذیر نباشد. والا خودرو حامل مواد شناخته نشده و قابل توقیف نخواهد بود.

در قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی سال ۱۳۸۹، قانون گذار به مواردی در مورد ضبط و مصادره ی اموال و ضبط و مصادره ی اموال ناشی از جرم پرداخته است که ذیلاً و البته به اختصار به مواردی از آن اشاره می شود.

بر اساس بند ۴ از ماده ی ۴ این قانون، قانون گذار به مورد مصادره ی اموال ناشی از جرم اشاره می کند. بر اساس این ماده «هر کس بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیر، سوخته، تفاله تریاک و یا دیگر مواد مخدر یا روان گردان های صنعتی غیر دارویی که فهرست آن ها به تصویب مجلس شورای اسلامی می رسد را به هر نحوی به کشور وارد و یا به هر طریقی صادر یا ارسال نماید یا مبادرت به تولید، ساخت، توزیع یا فروش کند یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب و با

توجه به مقدار مواد مذکور به مجازات های زیر محکوم می‌شود: ۱- تا پنجاه گرم، تا چهار میلیون ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق. ۲- بیش از پنجاه گرم تا پانصد گرم، از چهار میلیون تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و در صورتی که دادگاه لازم بداند تا سه سال حبس. ۳- بیش از پانصد گرم تا پنج کیلوگرم، از پنجاه میلیون ریال تا دویست میلیون ریال جریمه نقدی و پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و سه تا پانزده سال حبس. ۴- بیش از پنج کیلوگرم، اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

همان گونه که شاهد هستیم قانون گذار در این ماده به مصادره ی اموال ناشی از جرم اشاره کرده است و آن را به عنوان یکی از مجازات ها قرار داده است. البته قانون گذار اشاره میکند که این مصادره ی اموال باید اموالی را شامل گردد که از همان ناشی از همان جرم باشند.

از سوی دیگر در تبصره ی ذیل این ماده می خوانیم: «هرگاه محرز شود مرتکبین جرائم موضوع بند ۴ این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن ها هم نشده و مواد، بیست کیلو یا کمتر باشد دادگاه با جمع شروط مذکور آن ها را به حبس ابد و هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره ی اموال ناشی از همان جرم می‌نماید. در اوزان بالای بیست کیلوگرم مرتکبین تحت هر شرایطی اعدام می‌شوند» بر اساس این تبصره نیز اموال ناشی از همان جرم که البته کمتر از بیست کیلو گرم باشد مصادره می شود.

در ماده ی بعدی که ماده ی ۵ می باشد قانون گذار باز هم به مصادره ی اموال ناشی از جرم اشاره کرده است. بر اساس این ماده هر کس مواد مخدر ممنوعه ی مورد اشعار در ماده ی ۴ را خرید، نگهداری، مخفی یا حمل کند به مجازات هایی محکوم می شود که مصادره ی اموال ناشی از جرم از جمله ی آن ها می باشد. بر اساس بند ۴ از ماده ی ۵ این قانون، «جرایمی که در آن ها بیش از پنج کیلوگرم یا بیست کیلوگرم، شصت تا دویست میلیون ریال جریمه نقدی و پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و پنج تا ده سال حبس و در صورت تکرار برای بار دوم علاوه بر مجازات های مذکور، به جای جریمه مصادره اموال ناشی از همان جرم، و برای بار سوم اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم».

علاوه بر آن در بند ۵ همان ماده، باز هم قانون گذار از مصادره ی اموال ناشی از جرم سخن گفته است. بر این اساس در جرایمی که مواد مخدر در آن، بیش از بیست کیلوگرم تا یکصد

کیلوگرم باشد، علاوه بر مجازات مقرر در بند ۴ به ازاء هر کیلوگرم دو میلیون ریال به مجازات جزای نقدی مرتکب اضافه می‌گردد و در صورت تکرار، اعدام و مصادره ی اموال ناشی از همان جرم در انتظار متخلفان و مجرمان قرار دارد. در بند ۶ از همین ماده نیز به مصادره ی اموال ناشی از جرم اشاره شده است. بر اساس این بند در صورتی که مواد مخدر بیش از یکصد کیلوگرم باشد، علاوه بر مجازات جریمه ی نقدی و شلاق مقرر در بندهای ۴ و ۵ حبس ابد و در صورت تکرار اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم می‌باشد.

در ماده ی بعدی که ماده ی ۶ می‌باشد به مواردی اشاره رفته است که مرتکبین به تکرار جرمسابق خود اقدام می‌کنند و بر اساس تعداد و تکرار به مجازات هایشان افزوده می‌شود. مصادره ی اموال ناشی از جرم خود یکی از مجازات هایی است که قانونگذار به آن اشاره کرده است. بر این اساس «مرتکبین جرائم مذکور در هر يك از بندهاي ۱، ۲ و ۳ دو ماده ۴ و ۵ در صورت تکرار جرم مذکور در همان بند یا هر يك از بندهاي ديگر، براي بار دوم به يك برابر و نیم، براي بار سوم به دو برابر و در مرتبه‌هاي بعد به ترتيب دو و نیم، سه، سه و نیم و... برابر مجازات جرم جدید محکوم خواهند شد. مجازات شلاق براي بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه است. چنان چه در نتیجه تکرار جرائم موضوع بندهاي مذکور از ماده ۴ میزان مواد به بیش از پنج کیلوگرم برسد مرتکب به مجازات اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم محکوم می‌شود و چنانچه در نتیجه تکرار جرائم مذکور از دو ماده ۴ و ۵ یا بندهاي مذکور در ماده ۵ مواد به بیش از پنج کیلوگرم برسد به دو برابر مجازات بند ۴ از ماده ۵ محکوم خواهد شد.

مصادره ی اموال ناشی از جرم در ماده ی ۸ این قانون نیز مورد اشعار قرار گرفته و در مورد آن سخن رفته است و از آن به عنوان یکی از مجازات هایی که بر قاچاقچیان اعمال می‌شود استفاده شده است. بر اساس بند ۶ ماده ی ۸ این قانون کسانی که هروئین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین و یا لیزرژیک اسید دی اتیل آمید (ال.اس.دی)، متیلن دی اکسی مت آمفتامین (ام.دی.ام.آ. یا آکستاسی)، گاما هیدروکسی بوتیریک اسید (جی.اچ.بی)، فلونیترازپام، آمفتامین، مت آمفتامین (شیشه) و یا دیگر مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر دارویی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد را وارد کشور کند و یا مبادرت به ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، خرید یا فروش نماید و یا در معرض فروش قرار دهد و یا نگهداری، مخفی یا حمل

کند با رعایت تناسب و با توجه به میزان مواد در صورتی که بیش از سی گرم باشد، اعدام شده و اموال ناشی از آن جرم نیز به نفع دولت مصادره می شود.

بر اساس تبصره ی اساس تبصره ی این ماده، هرگاه محرز شود مرتکب جرم موضوع بند (۶) این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن هم نشده در صورتی که میزان مواد بیش از یکصد گرم نباشد با جمع شروط مذکور یا عدم احراز قصد توزیع یا فروش در داخل کشور با توجه به کیفیت و مسیر حمل، دادگاه به حبس ابد و مصادره ی اموال ناشی از همان جرم، حکم خواهد داد.

از سوی دیگر و بر اساس ماده ی ۱۸ این قانون «هرکس برای ارتکاب هر يك از جرائم موضوع این قانون، اشخاصی را اجیر کند یا به خدمت گمارد و یا فعالیت آن ها را سازماندهی و یا مدیریت کند و از فعالیت های مذکور پشتیبانی مالی یا سرمایه گذاری نماید، در مواردی که مجازات عمل مجرمانه حبس ابد باشد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم و در سایر موارد به حداکثر مجازات عمل مجرمانه، محکوم می شود. مجازات سرکرده یا رئیس باند یا شبکه اعدام خواهد بود». در این ماده نیز قانون گذار به مصادره ی اموال ناشی از جرم اشاره کرده است و کسانی را که به سرکردگی و فرماندهی جرایم مربوط به مواد مخدر اقدام می کنند را نیز با مصادره ی اموال ناشی از همان جرم مجازات می کند.

شاید به جرأت بتوان گفت که ماده ی ۲۸ این قانون به طور بسیار صریح و البته اختصاصی به بحث مصادره ی اموال ناشی از جرم پرداخته است و تمامی اموالی را که از راه قاچاق و کارهای غیر قانونی مشمول این قانون به دست آمده است را شایسته ی مصادره می داند. بر این اساس «کلیه ی اموالی که از راه قاچاق مواد مخدر یا روان گردان های صنعتی غیر دارویی تحصیل شده و نیز اموال متهمان فراری موضوع این قانون در صورت وجود ادله ی کافی برای مصادره، به نفع دولت ضبط و مشمول اصل ۵۳ قانون اساسی در خصوص اموال دولتی نمی باشد. تبصره - وسایل نقلیه ای که در درگیری مسلحانه از قاچاقچیان مواد مخدر یا روان گردان های صنعتی غیر دارویی بدست می آید دادگاه آن را به نفع سازمان عمل کننده ضبط می کند».

مورد دیگری که قانون گذار در آن به مصادره ی اموال ناشی از جرم در قانون مبارزه با مواد مخدر اشاره کرده است در ماده ی ۳۵ می باشد که بر اساس این قانون کسانی که به هر دلیلی

نمی توان احکام حقوقی را بر آن ها مجرا کرد؛ اگر توسط افراد دیگری مورد سوء استفاده قرار بگیرند، مصادره ی اموال ناشی از آن جرم از مجازات های آن ها به حساب می آید. بر اساس این ماده «هرکس اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال تمام هجری شمسی و افراد محجور عقلي را به هر نحو به مصرف و یا به ارتکاب هر يك از جرائم موضوع این قانون وادار کند و یا دیگری را به هر طریق مجبور به مصرف مواد مخدر یا روان گردان نماید و یا مواد مذکور را جبراً به وي تزریق و یا از طریق دیگری وارد بدن وي نماید به يك و نیم برابر حداکثر مجازات قانونی همان جرم و در مورد حبس ابد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم محکوم می شود. در صورت سایر جهات از جمله ترغیب، مرتکب به مجازات مباشر جرم محکوم می شود».

در قسمت های پایانی این قانون و در ماده ی ۳۶، قانون گذار به مواردی اشاره کرده است که مرتکبین به مصادره ی اموال ناشی از جرم محکوم می شوند. در این صورت و بر اساس این ماده «در کلیه ی مواردی که در این قانون، مرتکبین علاوه بر مجازات های مقرر به مصادره ی اموال ناشی از جرائم موضوع این قانون محکوم می شوند، دادگاه مکلف است مشخصات دقیق اموال مصادره شده را دقیقاً در حکم یا در حکم اصلاحي قید نماید. تخلف از مقررات مذکور موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴ به بالا می باشد. تبصره - محاکم موظفند رونوشت کلیه احکام صادر شده را پس از قطعیت به ستاد مبارزه با مواد مخدر ارسال دارند».

۲-۲- مبحث دوم: ضبط و مصادره ی اموال در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری

قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاه برداری برای مبارزه ی سرسخت تر و محکم تر با متخلفان در این موارد وضع شده تا با تشدید بر خردها با این اعمال غیر قانونی از شدت و کمیت آن ها بکاهد. در این قانون نیز مانند سایر قوانینی که در آن ها در مورد اموال ناشی و حاصل از جرم سخن رفته است، ضبط و مصادره ی اموال یکی از پاهای ثابت مجازات ها می باشد. این قانون علیرغم کم حجم بودن و کم بودن مواد آن، ولی در دو ماده به ضبط و مصادره ی اموال پرداخته است.

بر اساس ماده ی ۳ این قانون «هر يك از مستخدمين و مامورين دولتي اعم از قضايي و اداري يا شوراها يا شهرداري ها يا نهاد هاي انقلابي و به طور كلي قواي سه گانه و هم چنين نيروهاي مسلح يا شركت هاي دولتي يا سازمان هاي دولتي وابسته به دولت و يا مأمورين به خدمات عمومي خواه رسمي يا غير رسمي براي انجام دادن يا انجام ندادن امري كه مربوط به سازمان هاي مزبور مي باشد، وجه يا مال يا سند پرداخت وجه يا تسليم مالي را مستقيما يا غير مستقيم قبول نمايد، در حكم مرتشي است اعم از اين كه امر مذكور مربوط به وظائف آن ها بوده يا آن كه مربوط به مامور ديگري در آن سازمان باشد، خواه آن كار را انجام داده يانداده و انجام آن بر طبق حقانيت و وظيفه بوده يا نبوده باشد و يا آن كه در انجام يا عدم انجام آن مؤثر بوده يا نبوده باشد به ترتيب زير مجازات مي شود».

در اين قانون، قانون گذار بدون هيچ اغماض و چشم پوشی بر جرم ارتشا معین می کند که هر نیرویی در هر یک از نهادهای دولتی وابسته به جمهوری اسلامی ایران به هر طریقی که وجهی یا هر چه در حکم رشوه باشد را دریافت کند اعم از این که امر مذکور مربوط به وظائف آن ها بوده یا آن که مربوط به مامور ديگري در آن سازمان باشد، خواه آن كار را انجام داده يانداده و انجام آن بر طبق حقانيت و وظيفه بوده يا نبوده باشد و يا آن كه در انجام يا عدم انجام آن مؤثر بوده يا نبوده باشد در حكم رشوه گیرنده و مرتشی است و باید طبق موازین این قانون که ذیلا به ان اشاره می کند مجازات شود.

بر اساس آن چه در ادامه ی این ماده آمده است مجازات مرتکبین ارتشا به قرار زیر است: «در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از بیست هزار ریال نباشد به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال و چنان چه مرتکب در مرتبه مدیر کل یا هم تراز مدیر کل یا بالاتر باشد به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد و بیش از این مبلغ تا دویست هزار ریال از يك سال تا سه سال حبس و جزاي نقدي معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و چنان چه مرتکب در مرتبه ی مدیر کل یا هم تراز مدیر کل یا بالاتر باشد به جاي انفصال موقت به انفصال دائم از مشاغل دولتي محکوم خواهد شد».

در ادامه ی مجازات هایی که در این ماده برای مرتشی ذکر شده است می توان به موارد دیگری اشاره کرد. بر این اساس «در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از دویست هزار ریال تا يك میلیون ریال باشد، مجازات مرتکب دو تا پنج سال حبس به علاوه ی جزاي نقدي معادل قیمت

مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق خواهد بود. و چنان چه مرتکب در مرتبه ی پایین‌تر از مدیرکل یا هم تراز آن باشد به جای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

هم چنین «در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از یک میلیون ریال باشد مجازات مرتکب پنج تا ده سال حبس به علاوه ی جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق خواهد بود و چنان چه مرتکب در مرتبه ی پایین‌تر از مدیرکل یا هم تراز آن باشد به جای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

همان طور که مشاهده می‌شود قانون‌گذار تا این جای ماده و در بحث مجازات‌ها فقط در مورد انفصال از خدمت و جلوگیری از مدیریت دوباره در مورد مدیران می‌باشد. این ماده علاوه بر آن چه گذشت دارای تبصره‌هایی نیز می‌باشد که ذیلاً به آن‌ها اشاره می‌شود. بر اساس تبصره ی ۱ این ماده «مبالغ مذکور از حین تعیین مجازات و یا صلاحیت محاکم اعم از این است که جرم دفعات واحد و یا به دفعات واقع شده و وجه مبلغ مأخوذه بالغ بر نصاب مذکور باشد».

بر اساس تبصره ی ۲ ذیل این ماده «در تمامی موارد فوق مال ناشی از ارتشا به عنوان تعزیر رشوه دهنده به نفع دولت ضبط خواهد شد و چنان چه راشی به وسیله ی رشوه امتیازی تحصیل کرده باشد این امتیاز لغو خواهد شد». بر اساس این تبصره، قانون‌گذار در تمامی مواردی که در صدر این ماده و قبل از آن گفته است مال ناشی از ارتشا به عنوان مجازات و تعزیر به نفع دولت ضبط خواهد شد و اگر راشی به وسیله ی رشوه، امتیازی تحصیل کرده باشد این امتیاز لغو خواهد شد. در واقع قانون‌گذار در این تبصره حکم به ضبط اموال ناشی از جرم داده است و همه ی امتیازهایی را که از عواید جرم ناشی شده است را نیز قابل بازپس‌گیری می‌داند. در ادامه ی این ماده نیز دو تبصره ی دیگر وجود دارد ولی به دلیل این که به بحث ما ربطی ندارد از این رو به آن‌ها نمی‌پردازیم.

مطلب دیگری که در آن از ضبط و مصادره ی اموال سخن رفته است ماده ی ۴ این قانون می‌باشد. بر اساس این ماده «کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه به امر ارتشا و اختلاس و کلاه برداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه ی اموال منقول و غیر منقولی که از طریق رشوه کسب

کرده‌اند، به نفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاص و کلاه براری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دایم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتی که مصداق کامل مفسد فی الارض باشند مجازات آن‌ها مجازات مفسد فی الارض خواهد بود».

بر اساس این ماده قانون گذار معین کرده است که تمامی اموال اعم از منقول و غیر منقولی که حاصل از جرم ارتشا و اختلاص و کلاه برداری می باشد باید ضبط و مصادره شود. از سوی دیگر اموالی که از طریق اختلاص و کلاه برداری حاصل شده است، حسب مورد به صاحبان اصلی آن اموال و رد اموال ضبط شده به این افراد و یا حسب مورد به نفع دولت مصادره خواهد شد.

۲-۳- مبحث سوم: مصادره ی عواید حاصل از جرم

با توجه به مفهومی که از اموال حاصله از جرم داده شد، الزام مرتکب به پرداخت اموال حاصله از جرم را ماهیتا باید دارای جنبه ی جبران خسارت دانست و نه کیفر. از این جهت که، مرتکب در اثر ارتکاب جرم اموالی را عائد خود می‌کند که قانونا مستحق آن نیست.^۱ در واقع اموالی که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است به بزه‌دیدگان تعلق دارد و هر جا که مرتکب مالی را در اثر ارتکاب جرم تحصیل می‌کند مال یا منفعت متعلق به بزه دیده است و باید به او برگردد.

ولی در مورد عوائد حاصله از جرم وضعیت متفاوت است. برعکس اموال حاصله از جرم که لزوم اعاده ی آن‌ها از طرف مرتکب را دارای ماهیت جبران خسارت تلقی کردیم، در مورد عوائد حاصله از جرم، باید قایل به ماهیت کیفری باشیم. از این نظر دارای ماهیت کیفری است که بزه‌دیده، در عین بزه‌دیدگی، بزهکار نیز هست و عمل شخصی نیز که مال یا منفعت از او تحصیل

^۱ - برای نمونه در این مورد می توان به مثالی اشاره کرد. برای مثال، با فروختن سکه قلب به مردم، که در واقع نوعی کلاهبرداری است، اموالی را از آنان کسب می‌کند که حق تحصیل آن را نداشته است.

شده طبق قانون جنبه مجرمانه دارد که در این صورت اموال و منافع حاصله، نه مال فرد مزبور، بلکه متعلق به دولت خواهد بود.

در این حالت می‌توان گفت که مالباخته در قبال مالی که از دست می‌دهد، ما به ازائی را به دست می‌آورد. برای مثال، وقتی در قبال جعل سند مبلغی پول به جاعل می‌دهد یا در قبال دریافت مواد مخدر پولی به فروشنده می‌دهد، استفاده‌ای که از سند مجعول خواهد برد و موادی که دریافت می‌کند، ما به ازاء پولی تلقی می‌شود که پرداخت می‌کند.^۱ در این مورد می‌توان به جرایم ارتشاء و روسپیگری نیز، که در حقوق ما جرم تلقی شده است، اشاره نمود.

با توجه به ماهیت کیفری عوائد حاصله از جرم، باید مصادره ی این عوائد را نوعی مجازات تلقی کرد. هم چنان که گفته شد این نوع مجازات یک نوع وجه باز دارندگی نیز دارد. به این اعتبار که قانونگذار با مصادره ی عوائد حاصله از جرم می‌خواهد مانع از گرایش اشخاص به ارتکاب جرائمی شود که اهدافشان از ارتکاب آن جرم تحصیل منفعت می‌باشد. واجد جنبه ی کیفری تلقی کردن مصادره، این حسن را هم دارد که علاوه بر عوائد جرم، عوائد عوائد جرم نیز قابل مصادره باشند. برای مثال اگر متهم از ارتکاب جرم عوائدی تحصیل نموده و با سرمایه‌گذاری و به گردش انداختن آن عوائدی را نیز تحصیل کند، عوائد مزبور نیز باید به عنوان عوائد حاصله از جرم ضبط و مصادره شود.

یکی از نکات مهم در ارتباط با اموال و عوائد حاصله از جرم تأمین آن‌ها و جلوگیری از اخفا آن‌ها به وسیله ی متهم یا اشخاص ذی نفع است. یکی از مشکلاتی که در مورد فرایند اجرایی و تأمین اموال و عوائد حاصله از جرم می‌تواند مطرح شود، مسأله ی ادعای حق اشخاص ثالث نسبت به اموال مزبور است که ممکن است دارای حسن نیت نیز باشند.

در حقوق و مقررات ایران برای مقابله با اقدامات متهم در اخفاء یا از دسترس خارج ساختن عوائد حاصله از جرم، در برخی موارد قانون‌گذار به دادستان اجازه می‌دهد که، از همان ابتدای امر که اتهامی به متهم وارد می‌شود و چنین تصور می‌رود که متهم از ارتکاب جرم عوائدی را تحصیل نموده، دستور مسدود نمودن حساب‌های بانکی و توقیف اموال وی را صادر نماید. در این مورد نیز

^۱ - رحمدل، منصور،

۱۳۸۵، مالو عواید حاصله از جرم و معکوس شدن بار اثبات، مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱۷۰، ص ۷۲.

برخی حتی پا را از این نیز فراتر نهاده و پیشنهاد کرده‌اند که دادستان حتی قبل از آن که شخص مورد اتهام واقع شود بتواند دستور توقیف اموال متهم را صادر نماید.^۱

در حقوق ایران، طبق ماده ۲۸ مصوبه مبارزه با مواد مخدر، کلیه ی اموال حاصله از قاچاق (عوائد جرم) و نیز اموال متهمان فراری موضوع مصوبه ی مزبور، در صورت وجود ادله ی کافی قابل ضبط است. بنا بر این در حقوق ایران در مورد پرونده هائی که به صورت غیابی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند نیز امکان ضبط اموال وجود دارد و ضبط اموال محدود به پرونده های حضوری نیست.

آئین نامه ی اجرائی مصوبه نیز کمیته‌ای را به عنوان کمیته ی شناسائی اموال پیش‌بینی کرده و وظیفه این کمیته را، که متشکل از نمایندگان دادگاه انقلاب، نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات است، شناسائی اموال منقول و غیر منقول قاچاقچیان مواد مخدر اعلام کرده است. ولی مواد ۱۰ و ۹ آئین نامه مزبور ۱ که به دادستان اجازه توقیف و ضبط اموال متهمان را می‌داده است به وسیله دیوان عدالت اداری ابطال شده‌اند. با این حال نمی توان ابطال مواد ۱۰ و ۹ آئین نامه را نافی اختیار دادستان در صدور دستور توقیف اموالی دانست که دلایلی دایر بر تحصیل آنها از طریق ارتکاب جرم در دست دارد.

چون ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی سابق در زمینه ی توقیف اموال حاصله از جرم حکم کلی را بیان کرده است. ماده ی ۱۴ آئین نامه ی مزبور نیز پیش‌بینی کرده است که «در کلیه ی مواردی که آراء صادره منجر به ضبط یا مصادره ی اموال می‌گردد، چنانچه پس از صدور حکم قطعی نیز اموالی از محکوم علیه شناسائی شود که منشاء مالکیت آن قبل از محکومیت باشد، دادگاه صادرکننده رأی بدوی مجدداً به موضوع رسیدگی و رأی اصلاحی صادر خواهد نمود».

از توجه به نظام حقوقی کشورهای مختلف^۲ چنین برمی‌آید که در مورد عوائد حاصله از جرم تقریباً مفهوم و فرایند دادرسی مشابهی وجود دارد. این فرایند شامل تحقیقات مقدماتی برای شناسایی اموال و عوائد حاصله از جرم، توقیف و نهایتاً مصادره آنها به نفع دولت می‌شود.

^۱ - www.lawreform.ie/publications/data/volume8/Irc_60.html.p.10

^۲ - ن. ک. رحمدل، منصور، مال و عواید حاصل از جرم و معکوس شدن بار اثبات، نشریه ی حقوقی دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، شماره ی ۷۲، صص ۱۶۳ - ۲۰۰

فصل سوم:

تطهیر و سرنوشت اموال ناشی از جرم بعد از مصادره و آراء وحدت رویه

۳-۱- مبحث اول: تطهیر و سرنوشت اموال ناشی از جرم بعد از مصادره و آراء وحدت رویه

در این فصل به بررسی و تبیین و تشریح اموالی که مصادره و ضبط می شوند و سرنوشت بعد از مصادره ی آن ها می پردازیم و در مورد اموال ناشی از جرمی که متخلفان و مجرمان به هر طریقی در پی تطهیر آن ها و قانونی کردن عواید آن هستند می پردازیم و در نهایت به آراء وحدت رویه در این مورد را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم.

۳-۱-۱- گفتار اول: اموال ناشی از جرم و تطهیر آن ها

مصادره ی اموال حاصل از قاچاق مواد مخدر و جرم شناختن عمل پولشویی و تطهیر مال، در کنوانسیون بین المللی مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان گردان سال ۱۹۸۸، که جمهوری اسلامی ایران با تصویب قوه ی مقننه در سال ۱۳۷۰ به آن پیوسته و این کنوانسیون بر اساس ماده ی ۹ قانون مدنی در حکم قوانین داخلی کشور می باشد، مقرر شده که منشأ برقراری مجازات مصادره ی اموال و جرم شناختن پولشویی در مورد جرایم مربوط به مواد مخدر، در سیاست جنایی و قوانین جزایی بسیاری از کشورها و اتحادیه های جهانی عضو کنوانسیون یاد شده، آمده است.

جرم شناخته شدن پولشویی در کنوانسیون پالرمو مربوط به جرایم سازمان یافته^۱ که در سال ۲۰۰۰ به امضای دولت ها از جمله جمهوری اسلامی ایران رسیده تأکید شده است. این کنوانسیون علاوه بر این که در موارد درآمدهای مشکوک به عواید ناشی از جرم، اماره ی مجرمیت متهم را بر اصل برائت مقدم داشته (بند ۷ ماده ی ۱۲)^۲، خواستار نسخ مقررات مربوط به راز داری حرفه ای در مورد بانک ها در خصوص معرفی حساب های مشکوک شده است.^۳

با نگاهی به مجموع تعاریف و تعبیری که در کنوانسیون بین المللی مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روانگردان، کنوانسیون پالرمو، مربوط به جرایم سازمان یافته ی فراملی و نوشته های

^۱ - United Nations Convention Against transnational organized crimes 2000

^۲ - بر اساس این بند کشورهای عضو می توانند مقرر نمایند مجرم باید منبع قانونی عواید مورد ادعا حاصل از جرم یا سایر اموال قابل مصادره را ارایه نماید به این شرط که این امر با اصول حقوق داخلی آن ها و نیز ماهیت دادرسی قضایی یا دادرسی ها انطباق داشته باشد.

^۳ - پاراگراف ۱، بند الف ماده ۷ کنوانسیون پالرمو

حقوق دانان آمده، می توان گفت: پولشویی^۱ فرآیندی است که طی آن درآمدهای غیر قانونی را قانونی جلوه می دهند. به تعبیر دیگر، پولشویی فرآیندی است که در طی آن منابع اصلی پول و اموال نامشروع، پنهان می شود. از دیدگاه علم حقوق هرگونه فعل یا ترک فعل که برای قانونی جلوه دادن وجوه یا اموال با منشأ غیر قانونی صورت گیرد پولشویی است که شامل جاسازی (استقرار)^۲، لایه گذاری (استتار)^۳ و ادغام یا یک پارچه سازی^۴ است.

برای مثال: وقتی یک قاچاقچی مواد مخدر، پول یا مال کثیفی را که به طور مستقیم از عمل قاچاق موادمخدر به دست آورده با مکان یابی، پنهان سازی و ادغام با دارایی های مشروع، مال یا پول مباح جلوه می دهد و این عمل را با هدف پنهان کردن منبع اصلی پولی که از طریق غیرقانونی کسب نموده انجام می دهد مرتکب عملی شده است که اصطلاح پولشویی به آن اطلاق می شود. باید گفت فرآیند پولشویی مطرح شده در کنوانسیون های بین المللی، معمولاً ویژگی هایی به شرح زیر دارد: الف) فعالیتی گروهی و سازمان یافته است؛ ب) استمرار دارد؛ ج) فراملی است؛ د) دارای حجم بالنسبه انبوه می باشد ه) نیاز به مکان یابی، لایه گذاری و ادغام دارد.

به هر حال، در پولشویی امور زیر اهمیت دارد:

اول) باید مالکیت اصلی و منشأ واقعی پول پنهان بماند.

دوم) شکل پول تغییر کند. برای مثال، اگر اسکناس ها دویست ریالی است به بیست هزار ریالی و یا به متاع با ارزش دیگری مثل طلا و... تبدیل شود.

سوم) این فرآیند باید مخفیانه طی شود.

چهارم) از پول غیر قانونی حفاظت مستمر به عمل آید، زیرا افرادی که در جریان پولشویی بوده اند، می دانند که اگر آن را به دست آورند، تصاحب کننده ی اولی نمی تواند از آن ها شکایت کند.

شیوه های تطهیر مال که از سوی مجرمین اتخاذ می شود با توجه به نوع جرم، ارزش مال، امکانات مجرم و نظایر آن ها متنوع و متفاوت هستند. ولی علیرغم تنوع شیوه های پولشویی، در این

1 – Money laundering

2 – Placement

3 – Layering

4 – Integration

جا به برخی از انواع مهم تر آن و نیز به چند نمونه از مواد مهم پولشویی در سطح جهان، اشاره می کنیم.

۳-۱-۱-۱- بند اول: تصفیه ی پول

آسان ترین و معمول ترین شیوه ی پولشویی، تصفیه ی پول^۱ است که منظور از آن تبدیل اسکناس های کوچک به اسکناس های بزرگ است. معتادانی که در سطح خیابان ها به خرید مواد مخدر برای مصرف خود دست می زنند معمولاً مواد را با اسکناس های ریز می پردازند. این اسکناس ها چه بسا خود آلوده به مواد مخدر باشند. هم برای پاک کردن این آلودگی ظاهری و هم مهمتر از آن در جهت تسهیل نقل و انتقال پول باید این اسکناسها «تصفیه» و تبدیل به اسکناسهای درشت (مثلاً صد دلاری) شوند^۲؛

۳-۱-۱-۲- بند دوم: استفاده از بانک های فاسد

در بسیاری از کشورها (بر خلاف کشورهای دیگر مثلاً استرالیا) افتتاح حساب با نام غیر واقعی جرم محسوب نمی شود. بنابراین قاچاقچیان بین المللی مواد مخدر می توانند با همکاری برخی بانک ها حساب های جعلی افتتاح و با واریز پول نقد به آن ها نسبت به انتقال وجه به خارج از کشور اقدام نمایند. این گونه بانک ها برای جلب سرمایه های کلان سپرده گذاران ناسالم از اخذ اوراق شناسایی کامل یا گزارش کردن موارد مشکوک به مقامات دولتی خود داری می کنند و بدین وسیله بهترین امکان را در اختیار قاچاقچیان مواد مخدر برای پولشویی قرار می دهند، زیرا هر گاه پول کثیف در ابتدای ورود به سیستم بانکی کشف نشود پس از آن با انتقال های کامپیوتری و تلگرافی سریع و پی در پی می تواند به بانک ها و حساب های مختلف برده شود و کشف آن بسیار مشکل گردد، چرا که مثلاً در آمریکا روزانه یک تریلیون دلار و چهار صد هزار معامله وارد سیستم اتاق های تهاتر بانکی می شود.

^۱ -refining

^۲ - چرا که یک میلیون دلار متشکل از اسکناس های صد دلاری، ۲۰ پوند (کمتر از ۱۰ کیلو) وزن دارد و در یک چمدان قابل جاسازی است، در حالی که اگر این اسکناس ها ۱۰ دلاری باشند مجموع وزن آن ها به ۲۰۰ پوند بالغ شده و برای نقل و انتقال آن ها به ده چمدان نیاز خواهد بود. مشکل حجم عظیم اسکناس های ریز حاصله از فروش مواد مخدر با توجه به گرانی این مواد در بازارهای اروپا و آمریکا و گستردگی مصرف آن ها مشکل بزرگی است که قاچاقچیان مواد مخدر با آن روبرو هستند.

بنابراین کنترل پول درست مثل کنترل انسانی است که قصد ورود غیر مجاز به داخل یک کشور را دارد. هر چند در مرز ورودی می توان با کنترل اوراق هویت و روادید و غیره به آسانی از ورود او جلوگیری کرد ولی در صورت عدم دقت در مرز و ورود به داخل کشور رديابی وی بسیار مشکل خواهد بود؛ یا مثل یک ظرف آب آلوده که در ابتدای واریز شدن به داخل یک حوض آب به دلیل تلاطمی که ایجاد می کند قابل شناسایی است ولی پس از واریز شدن، بخشی از آب حوض را تشکیل داده و قابل تفکیک از آن نخواهد بود.

۳-۱-۱- بند سوم: استفاده از پوشش های تجاری مشروع

راه دیگر برای شستشوی پول، استفاده از پوشش های تجاری مشروع برای پنهان کردن منبع اصلی پول های کثیف است. این کار به طریق گوناگونی قابل انجام می باشد. برای مثال باندهای قاچاق مواد مخدر ممکن است با ایجاد مغازه ها و مراکزی که پول نقد فراوانی از مشتری می گیرند، مثلا رستوران ها، کازینوها و قمار خانه ها، پول ناشی از مواد مخدر را جزء درآمد این مراکز جا زده و آن را بدون مشکل به حساب های بانکی خود واریز نمایند. آنان برای از بین بردن هرگونه سوءظن ممکن است حتی این پول ها را جزء درآمد مشمول مالیات این مراکز تجاری نیز قلمداد کرده و مالیات آن را هم بدهند، که در این صورت سهام آن فعالیت تجاری نیز به تصور پر فایده بودن آن ترقی خواهد کرد.

نمونه ی بارز این شیوه در حدود سال ۱۹۸۵ اتفاق افتاد. گروه مافیایی کازانوسترا^۱، که در آن زمان عمده بازار قاچاق مواد مخدر را در آمریکا در اختیار داشت، ترتیبی داده بود که برخی از ایتالیایی های مقیم نیویورک، که مورد اعتماد گروه بودند، تعدادی پیتزا فروشی و رستوران های دیگر را در این شهر خریداری نمایند. پول ناشی از فروش مواد مخدر تحت عنوان درآمد نقدی این رستوران ها به بانک های آمریکا گذاشته می شد.^۲ توسل به عملیات مجازی و صورت حساب های نادرست هم یکی از شیوه های معمول برای پولشویی است.

یکی از بارزترین تلاش ها در جهت مبارزه با قاچاق مواد مخدر و نتیجه ی طبیعی آن یعنی جرم تطهیر پول ناشی از فروش مواد مخدر، کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه قاچاق مواد روان

^۱ - casa nostra

^۲ - این موضوع تحت عنوان pizza connection در مطبوعات آمریکا انعکاس یافت.

گردان^۱ است که به کنوانسیون مواد مخدر سازمان ملل^۲ معروف بوده و در دسامبر ۱۹۸۸ در وین منعقد شده است. این کنوانسیون از یازدهم نوامبر ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا شده و در حالی که تا مارس ۱۹۸۹، ۸۹ کشور آن را امضاء کرده بودند. در حال حاضر بیش از ۱۱۵ کشور آن را امضاء و تأیید کرده‌اند.

در این کنوانسیون، دولت‌های عضو ملزم شده‌اند که تطبیق پول ناشی از مواد مخدر را، که در ماده ی ۳(۱) c^۳ و ۳(۱) b^۴ کنوانسیون تعریف شده است، در قوانین داخلی خود جرم بشناسند. قراین و نشانه‌هایی در دست است که نشان می‌دهد سازمان ملل متحد در صدد گسترش دیدگاه خود نسبت به جرم پولشویی و تسری آن به کلیه ی اموال ناشی از جرم (و نه صرفاً پول ناشی از قاچاق مواد مخدر) می‌باشد.^۵

در سال ۱۹۸۸ اینترپلیک گروه کاری برای تعیین مکانیزمی جهت جمع آوری و تبادل اطلاعات بین کشورها ایجاد کرد و در مارس ۱۹۹۲ نیز با ایجاد سیستمی جهت انجام تحقیقات امکان دست یابی کشورها را به اطلاعات یکدیگر در مورد جرم پولشویی فراهم ساخت. البته هر کشور حق دارد از قبل تعیین نماید که کدام یک از کشورها حق دستیابی به اطلاعات آن کشور را دارند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد هم به موجب قطعنامه ۴۵/۱۲۳ از اعضاء درخواست نموده است که مقررات قانونی خود را در مورد پولشویی و مبارزه با جرایم سازمان یافته در اختیار دبیرکل

¹ - The U.N Convention against Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances.

² - U.N. Drug Convention.

³ - Article 3; 1- Each party shall adopt such measures as may be necessary to establish as criminal offences under its domestic law, when committed intentionally: c) subject to its constitutional principles and the basic concepts of its legal system: 1) the acquisition, possession or use of property, knowing, at the time of receipt, that such property was derived from an offence or offences established in participation in accordance with subparagraph a) of this paragraph or from an act of participation in such offence or offences...

⁴ - Article 3; 1: b) 1) the conversion or transfer of property, knowing that such property is derived from any offence or offences established in accordance with subparagraph a) of this paragraph, or from an act of participation in such offence or offences for the purpose of concealing or disguising the illicit origin of the property or of assisting any person who is involved in the commission of such an offence or offences to evade the legal consequences of his actions.

^۵ - میرمحمدصا دقی، حسین،

۱۳۸۰، پاک‌نمای‌ی‌ت‌ط‌ه‌ی‌ر‌ا‌م‌و‌ال‌ک‌ث‌ی‌ف‌ن‌ا‌ش‌ی‌ا‌ز‌ج‌ر‌م‌، فصل‌ن‌ا‌م‌ه‌ی‌د‌ی‌گ‌ا‌ه‌ا‌ی‌ح‌ق‌وق‌ض‌ ای‌، بهار و تابستان - شماره ۲۱ و ۲۲. ص ۱۶۱.

بگذارند. در نتیجه از اعضاء به موجب سه یادداشتبه تاریخ های ۶ مارس ۱۹۹۱، ۷ نوامبر ۱۹۹۱ و ۶ ژوئیه ۱۹۹۲ در خواست شده است که این کار را انجام دهند.^۱

یکی از آخرین اقدامات جهانی برای مبارزه با پولشویی کنفرانس برگزار شده در کومایور^۲ در کشور ایتالیا در سال ۱۹۹۴ است که به لزوم کنترل پولشویی و ممانعت از استفاده از عواید ناشی از جرم میپردازد. در سطح منطقهای نیز اقداماتی برای مبارزه با تطهیر اموال کثیف ناشی از جرم انجام شده است، که از جمله م تواند به موارد زیر اشاره کرد: توصیه ی مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۰ کمیته ی وزیران شورای اروپا به دول عضو در مورد اقداماتی که باید برای مبارزه با انتقال و اخفای پول حاصل از جرم انجام دهند. مطابق این متن، دول عضو باید اطمینان حاصل کنند که بانک ها با ملاحظه ی مدارک رسمی، هویت مشتریان خود را احراز نمایند.

در اعلامیه ی کمیته ی بازل در مورد جلوگیری از استفاده از سیستم بانکی برای تطهیر پول ناشی از جرم که در دسامبر ۱۹۸۸ در شهر بازل در کشور سوئیس منعقد شده و به وسیله ی مقامات بانکی دوازده کشور^۳ تهیه شده است، برخی از اصولی که مؤسسات مالی باید رعایت کنند مورد اشاره قرار گرفته اند، از جمله ی این که بانک ها باید هویت مشتریان خود را احراز نمایند، از مساعدت و کمک به عملیاتی که ممکن است به پولشویی ارتباط پیدا کنند پرهیز نموده و در صورت لزوم روابط خود را با چنین مشتریانی قطع کنند.

برای مبارزه با پولشویی تلاش های بازدارنده ای در سطوح کشوری، منطقه ای و جهانی صورت گرفته و ادامه دارد که برای نمونه می توان به مواردی اشاره کرد:

- در امریکا در سال ۱۹۸۶ «قانون کنترل پولشویی» تصویب و به اجرا گذارده شد.

^۱ - در حال حاضر ۴۶ دولت عضو این اطلاعات را ارائه کرده اند که بررسی این پاسخ ها نشان می دهد که برخی از دولت ها در این زمینه اقدامات قابل توجهی را انجام داده اند، در حالی که برخی دیگر چندان موفق عمل نکرده اند. به علاوه اکثر کشورها تنها در زمینه ی مواد مخدر اقداماتی را انجام داده اند.

^۲ - comayeur

^۳ - این کشورها عبارتند از: کشورهای گروه هفت (کانادا، آمریکا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن و انگلستان) به علاوه ی سه کشور بنلوکس (یعنی هلند، بلژیک و لوگزامبورگ) به همراه سوئد و سوئیس.

- در انگلستان «قانون جرایم راجع به قاچاق موادمخدر» در سال ۱۹۸۶ تصویب شد که از اول سال ۱۹۸۹ لازم الاجرا گردید و «مقررات راجع به پولشویی» از آوریل سال ۱۹۹۴ به اجرا درآمد

- در اسکاتلند «قانون درآمدهای ناشی از جرم» در سال ۱۹۹۵ تصویب شد.

- ژاپنی ها در سال ۱۹۹۱، قانون خاص مواد مخدر را تصویب کردند که بر اساس آن پولشویی را جرم شناختند.

- در سال ۱۹۹۸، کارشناسان چهل کشور در فرانسه با یکدیگر ملاقات کردند تا تدابیری را برای ممانعت از شست و شوی پول در روسیه و اروپای شرقی اتخاذ کنند.

- نمایندگان ۱۴۰ کشور در ایتالیا با یکدیگر ملاقات کردند تا استراتژی واحدی برای مبارزه با جنایات سازمان یافته ی فراملی در پیش گیرند.

- نمایندگان ۱۸۰ کشور در مصر با یکدیگر ملاقات کردند تا یک جبهه ی جهانی برای مبارزه با جنایات سازمان یافته تشکیل دهند.

- وکلای دادگستری آمریکا در واشنگتن با یکدیگر ملاقات کردند تا مسؤولیت های خود را در قبال شست و شوی پول آلوده بررسی کنند.

- وزرای ۲۵ کشور در آرژانتین با یکدیگر ملاقات کردند و متعهد شدند دولت های خود را به مبارزه با پولشویی موظف کنند.

- شش صد نفر از کارشناسان حقوق بین المللی در انگلستان با یکدیگر ملاقات کردند تا پیشنهادهایی درباره ی تسهیل مقررات رازداری بانک ها ارائه کنند.

ولی باید اذعان کرد، علی رغم تمام تدابیر بازدارنده ، جلوگیری از فرآیند پولشویی در هیچ کشوری در حد مطلوب موفقیت نداشته ، چنان که در سال ۱۹۹۵ بیش از ۳۵۰ میلیارد دلار در

امریکا شست و شو شده^۱ و هم اکنون ، تخمین زده می شود که سالانه حداقل ۱۵۰۰ میلیارد دلار، پول آلوده را در جهان پولشویی می کنند^۲. مقدار پول آلوده ای که از قاچاق مواد مخدر در دنیا در چرخش می باشد به قدری زیاد است که سبب به وجود آمدن اقتصاد دوم (اقتصاد زیرزمینی) شده و هم چنان که در جهان اقتصاد، دلار نفتی ، به طور رسمی وجود دارد، باید گفت : «دلار هروئینی» (منظور تمام انواع مواد مخدر) هم به طور غیررسمی موجود است .

قاچاقچیان به طور معمول، در پولشویی سنتی از طریق سیستم های بانکی ، روش «انفجار ستاره» را به کار می گیرند؛ در این شیوه حساب سپرده ای با پول های مختلط کثیف و پاک افتتاح می کنند و با سفارش های مکرر از طریق حواله های کتبی ، تلگرافی ، تلفنی ، فاکس و... پول ها را به حساب های متعددی در کشورهای مختلف انتقال می دهند.

برخی از کشورها مانند استرالیا، ایتالیا، اتریش، بلژیک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، هنگ کنگ، کشورهای عضو شورای خلیج فارس، ایسلند، ایرلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند، زلاندنو، نروژ، پرتغال، سنگاپور، اسپانیا، سوئد، ترکیه ، ایالات متحده امریکا و... برای انتقال پول به کشورهای دیگر، سقفی بین ده تا بیست هزار دلار مقرر کرده اند تا به این وسیله از انتقال پول در مبالغ کلان جلوگیری کنند ولی قاچاقچیان برای انتقال مقادیر کلان ، علاوه بر جاسازی که بحث مفصلی را می طلبد، پول را به قسمت های کوچک تقسیم و برای انتقال آن از افراد مختلف استفاده می کنند. البته ، انتقال پول به این صورت زمان بر، پرهزینه و طاقت فرساست.

اما هنوز این روش توسط شویندگان پول به کار گرفته می شود. علاوه بر بانک های سوئیسی که مشهور است پول های کثیف را بهتر از دیگران می شویند، در سطح جهان بانک های متعددی است که در اختیار قاچاق چیان و شویندگان پول است و اغلب آن ها با بانک های سوئیسی در این جرم سازمان یافته ی فراملی شرکت دارند.

^۱ - نوابی، منوچهر، ۱۳۸۰، تاریختریاک. ترجمه کتاب Hitory a Opium، تهران : انتشاراتصفی علیشاه ، ص ۲۵.

^۲ - المجله ، ۲۵ دسامبر ۲۰۰۱ ؛ به نقل از سید حسن اسعدی، در آدرس اینترنتی: <http://vista.ir/article/367555>

در واقع همان طور که مشاهده می کنیم استفاده ی قانونی گونه از پول ها و اموال ناشی از جرم یکی از خطراتی است که همواره نظام حقوقی و اقتصادی نه تنها کشورها بلکه جامعه ی بین المللی را نیز تهدید می کند که لازم است با تحدید و مقابله با آن به مبارزه و مقابله با آن پرداخت.

در قوانین موضوعه ی کشورمان و در قانون مبارزه با پول شویی و در ماده ی ۹ در مورد استرداد و ضبط و مصادره ی اموال ناشی از جرم می خوانیم: «مرتکبین جرم پولشویی علاوه بر استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم مشتمل بر اصل و منافع حاصل (و اگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن) به جزای نقدی به میزان يك چهارم عواید حاصل از جرم محکوم می شوند که باید به حساب درآمد عمومی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز گردد». در واقع قانون گذار در این ماده علاوه بر این که متخلفان را به جریمه ی نقدی مجازات می کند، آن ها را مکلف می کند که همه ی اموال ناشی از جرم و عواید حاصل از آن را مسترد نمایند. و حتی در مواردی که عین آن مال و عواید موجود نباشد باید مثل و یا قیمت آن را به حساب در آمد های عمومی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز نماید.

در ذیل این ماده و در تبصره ی ۱ در مورد این که در مواردی که عواید حاصل از جرم به اموال دیگری تبدیل یا تغییر یافته باشد، می گوید چنان چه عواید حاصل به اموال دیگری تبدیل یا تغییر یافته باشد، همان اموال ضبط خواهد شد. در واقع قانون گذار در این تبصره به قاطعیت خود در مبارزه با پولشویی را به منصفه ی ظهور و بروز می رساند و عوایدی را که امکان دارد متخلفان از طریق پولشویی به اموال و حتی عواید دیگر تبدیل کنند را نیز مد نظر خود قرار داده است و مجریان را مکلف می کند که در صورت نبود عواید حاصل از جرم، و تغییر آن ها به اموال دیگر، همان اموال را قابل ضبط می داند.

۳-۲- مبحث دوم: وضعیت اشیا و اموال پس از ضبط و مصادره

یکی از موضوعاتی که راجع به ضبط و مصادره اموال و اشیا قابل بحث و مطرح می باشد، وضعیت اموال و اشیا پس از ضبط و مصادره می باشد. ماده ی ۱۰ قانون مجازات اسلامی سابق و قانون جدید مجازات اسلامی که قبلاً هم مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، مرجع قضایی (قاضی دادگاه) را مکلف کرده که تکلیف اشیا و اموال کشف شده که دلیل یا وسیله جرم بوده و یا از

جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است را تعیین کند تا مسترد یا ضبط یا معدوم شود؛ بنابراین در بخش های آتی ما در سه بند در خصوص وضعیت اشیا و اموال پس از ضبط به بحث می پردازیم.

۳-۲-۱- گفتار اول: استرداد

اصولاً موضوع اخذ مال از بزهکار و رد مال به صاحب آن به حکم قانون و به عنوان تکلیف مجرم با اتخاذ تصمیم از سوی مقامات و مراجع قضایی است. برابر ماده ی ۱۰ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و انقلاب استرداد اموال امری قضایی می باشد. در واقع مراجع قضایی دو وظیفه ی «اخذ اشیا و اموال» و «استرداد اشیا و اموال» را به عهده دارند.

بر اساس ماده ی ۱۰ قانون مجازات اسلامی سابق «بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب باید تکلیف اشیا و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله ی جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است، تعیین کند تا مسترد یا ضبط یا معدوم شود. در مورد ضبط، دادگاه تکلیف اموال و اشیا را تعیین خواهد کرد. هم چنین بازپرس و یا دادستان مکلف است مادام که پرونده نزد او جریان دارد به تقاضای ذی نفع با رعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیا مذکور در فوق را صادر نماید». در واقع قانون گذار در این ماده بازپرس و یا دادستان را مکلف کرده است که تکلیف اموال کشف شده و ناشی از جرم را معین کنند و در این راستا شرایطی را معین کرده است که در صورت تحقق آن ها بر حسب مورد دستور مصادره یا رد اموال را صادر می کنند.

در این راستا، یکی از شرایط مورد اشعار وجود تمام یا قسمتی از آن اشیا و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد. مورد دیگر این است که باید اشیا و اموال بلاعارض باشند. از سوی دیگر این اشیا و اموال باید در شمار اشیا و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد. علاوه بر همه ی این ها، در کلیه ی امور جزائی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن، اعم از این که مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوف شدن تعقیب متهم باشد، نسبت به اشیا و اموالی که

وسیله ی جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده حکم مخصوص صادر و تعیین نماید که آن ها باید مسترد یا ضبط یا معدوم شود.

این ماده دارای تبصره هایی است. بر اساس تبصره ۱ متضرر از قرار بازپرس یا دادستان یا قرار یا حکم دادگاه می تواند از تصمیم آنان راجع به اشیاء و اموال مذکور در این ماده شکایت خود را طبق مقررات در دادگاه های جزائی تعقیب و درخواست تجدید نظر نماید. هر چند قرار یا حکم دادگاه نسبت به امر جزائی قابل شکایت نباشد.

و در تبصره ی ۲ این قانون چنین می خوانیم که: «مالي که نگهداري آن مستلزم هزینه نا متناسب براي دولت بوده یا موجب خرابي یا کسر فاحش قیمت آن گردد و حفظ مال هم براي دادرسي لازم نباشد و هم چنین اموال ضایع شدني و سریع الفساد حسب مورد به دستور دادستان یا دادگاه به قیمت روز فروخته شده و وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهایی در صندوق دادگستري به عنوان امانت نگهداري خواهد شد».

در ماده ی ۱۰۷ از قانون سابق آیین دادرسی کیفری نیز در این مورد باید به مواردی اشاره کرد. بر اساس این ماده «آلات و ادوات جرم از قبیل حربه، اسلحه، اسناد ساختگی، سکه ی تقلبی و کلیه ی اشیایی که در حین بازرسی به دست آمده و می تواند موجب کشف جرم یا اقرار متهم به جرم باشد باید ضبط شده و در صورت مجلس، هر یک از اشیای مزبور تعریف و توصیف شود».

در این ماده نیز قانون گذار مسئولین ذی ربط را مکلف کرده است که همه ی اموالی را که در حین بازرسی کشف می شود را ضبط نمایند و هر یک از آن ها را علاوه بر این که تعریف نمایند و نام ببرند، وصف هر یک را نیز جداگانه بنویسند.

موارد مذکور مقرراتی هستند که در قانون سابق آمده بودند. حال نوبت آن است تا ببینیم که آیا این مقررات و قوانین در قوانین جدید آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی نیز آمده اند و آیا تغییراتی را نیز شاهد بوده اند یا نه؟

در قانون جدید مجازات اسلامی که در سال ۱۳۹۳ به تصویب رسیده است ماده ی ۱۰ در ذیل ماده ی ۲۱۵ آمده است. در واقع اگر بخواهیم تفاوت این دو را با هم مقایسه ای اندک کنیم باید گفت که تقریباً هیچ تغییری در آن ها ایجاد نشده است و به غیر از برخی از افعال آن ها که تغییر کرده

اند در واقع ماده ی ۲۱۵ قانون جدید انعکاس همان ماده ۱۰ قانون سابق می باشد. بر اساس این ماده «بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا حسب مورد، مسترد، ضبط یا معدوم شود. در مورد ضبط، دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین می کند. هم چنین بازپرس و یا دادستان مکلف است مادام که پرونده نزد وی جریان دارد به تقاضای ذینفع و با رعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیاء مذکور را صادر نماید:

الف- وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در باز پرس یا دادرسی لازم نباشد.

ب- اشیاء و اموال، بلاعارض باشد.

پ- جزء اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد.

در کلیه ی امور جزائی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن اعم از این که مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوفی تعقیب متهم باشد، در مورد اشیاء و اموالی که وسیله ی ارتکاب جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص یافته است، باید رأی مبنی بر استرداد، ضبط یا معدوم شدن آن صادر نماید.

تبصره ۱- متضرر از قرار بازپرس یا دادستان یا قرار یا حکم دادگاه می تواند از تصمیم آنان راجع به اشیاء و اموال مذکور در این ماده شکایت کند و طبق مقررات در دادگاه های جزائی شکایت خود را تعقیب و در خواست تجدید نظر نماید هر چند قرار یا حکم دادگاه نسبت به امر جزائی قابل شکایت نباشد.

تبصره ۲- مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نا متناسب برای دولت است یا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن می گردد و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نیست و هم چنین اموال ضایع شدنی و سریع الفساد حسب مورد به دستور دادستان یا دادگاه به قیمت روز فروخته می شود و وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهائی در صندوق دادگستری به عنوان امانت نگهداری می گردد».

قانون گذار در قانون جدید آیین دادرسی کیفری در مورد ضبط اموال ناشی از جرم و استرداد آن ها به مطالبی اشاره کرده است که تا حدودی با مقرره ی قانون سابق متفاوت است. ماده

ی ۱۰۷ که در قانون سابق وجود داشت، در قانون جدید به ماده ی ۱۴۷ تغییر مکان داده است و علاوه بر آن تبصره ای نیز بر آن افزوده شده است. بر اساس این ماده «آلات و ادوات جرم، از قبیل اسلحه، اسناد و مدارک ساختگی، سکه ی تقلبی و تمامی اشیائی که حین بازرسی به دست می‌آید و مرتبط با کشف جرم یا اقرار متهم باشد توقیف می شود و هر یک در صورت مجلس توصیف و شماره گذاری می گردد. آن گاه در لفاف یا مکان مناسب نگهداری و رسیدی مشتمل بر ذکر مشخصات آن اشیاء به صاحب یا متصرف آن ها داده می شود. مال توقیف شده با توجه به وضعیت آن در محل مناسبی که از طرف دادگستری برای این منظور تعیین می شود، نگهداری می گردد».

همان طور که مشاهده می کنیم در این ماده قانون گذار علاوه بر تکرار ماده ی ۱۰۷ قانون سابق مواردی را نیز به آن افزوده است که از جمله ی آن ها می توان به این مورد اشاره کرد که قانون گذار در این ماده علاوه بر این که دستور به ضبط و توقیف اموال ناشی از جرم داده است، مواردی را نیز در مورد نگهداری و مکان نگهداری و نوع نگهداری آن ها نیز اضافه کرده است. بر اساس این قانون بعد از ضبط و شماره گذاری و یادداشت اوصاف اموال مصادره شده باید آن ها را در لفافه یا مکان مناسبی نگهداری کنند و رسیدی را که در آن نام و مشخصات آن اشیا است به صاحب یا متصرف آن ها تحویل بدهد. بعد از این مرحله نیز قانون گذار دستور به نگهداری اموال تحت شرایط مناسب و فراخور آن مال در محل مناسبی نگهداری نماید. البته این مکان را باید دادگستری مشخص نماید.

علاوه بر همه ی این موارد که ذکر آن ها گذشت، قانون گذار با افزودن یک تبصره به این ماده به موارد دیگری نیز اشاره کرده است و به قوانین دیگری نیز ارجاع داده است. بر اساس تبصره ی این ماده «شیوه ی نگهداری اموال و پرداخت هزینه های مربوط که از محل اعتبارات قوه قضائیه است، به موجب آیین نامه ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می شود به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد».

معمولاً اموال حاصل از جرم از طرف مأموران کشف جرایم، به منظور استرداد آن اموال به صاحب آن ضبط می شود. اولین تکلیف متهم، رد مال حاصل از ارتکاب صاحب آن ضبط می شود. اولین تکلیف متهم، رد مال حاصل از ارتکاب جرم به صاحب آن می باشد و لذا هرگاه سارق

پس از ارتکاب سرقت، مال مسروقه را تحت ید مالک قرار داده باشد، مستوجب حد نیست^۱. هم چنین در صورتی که سارق به جای دوبر بار به سرقت مستلزم حد، تنها یک بار نزد قاضی اقرار کند، باید مال را به صاحبش بدهد ولی حد بر او جاری نمی شود.

بدیهی است منظور از دادن مال همان استرداد مسروقه است که مثل تمامی اموال حاصل از جرم شامل عین و مثل قیمت آن نیز می شود؛ بنابراین رد اصل مال حاصل از جرم اعم از استفاده یا استرداد تکلیف بزه کار است که خود دادگاه نیز مکلف است که اشیا و اموال کشف و ضبط شده را به صاحبش مسترد کند. گاهی استرداد مال حاصل از جرم به حکم قانون است و لذا به تقدیم دادخواست ضرر و زیان نیازی نیست؛ مثل تکلیف قانونی دادگاه در اجرای ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاه برداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام استرداد مال و رد قوانین پیش بینی شده است»^۲.

ماده ی ۱۱۱ قانون سابق آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری نیز دادگاه را مکلف کرده که اموال مسروقه یا اشیایی که به واسطه ی ارتکاب جرم تحصیل شده و یا هر نوع مال در جریان تحقیقات توصیف شده باشد به کسی که مال از او سرقت رفته و یا اخذ شده مسترد شود و اشیایی که برابر قانون باید ضبط یا معدوم شود از حکم این ماده مستثنی کرده است؛ بنابراین اگر اموال و اشیا از موارد ضبط و مصادره و یا معدوم کردن نباشد به حکم قانون به مالک آن مسترد می شود.

بر اساس این ماده «اموال مسروقه یا اشیایی که به واسطه ارتکاب جرم تحصیل شده و یا هر نوع مالی که در جریان تحقیقات توقیف شده، باید به دستور قاضی، به کسی که مال از او سرقت رفته و یا اخذ شده مسترد شود. مگر این که وجود تمام یا قسمتی از آن ها در موقع تحقیق یا دادرسی لازم باشد که در این صورت پس از رفع احتیاج به دستور قاضی مسترد می شود. اشیایی که برابر قانون باید ضبط یا معدوم شود از حکم این ماده مستثنی است».

^۱ - تبصره ی ۴ ماده ی ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی سابق و قسم (ر) ماده ی ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی جدید.

^۲ - گلدوزیان، بهنقل از میرزا علی آدابی، ۱۳۸۳، ضبط و مصادره اموال در جرائم مربوط به قاچاق از منظر قوا و اینک کشور، نشریه ی کارگاه، دور هیدوم، سال پنجم، شماره ی ۱۸. ص ۳۷۲.

ماده ی ۹ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است اگر موجود باشد عیناً و اگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده ی خسارات وارده نیز برآید». بر خلاف رویه ی جاری و آرای مشورتی اداره ی حقوقی و نظر بعضی از اساتید، حق این است که نه تنها عین مال حاصل از جرم در صورت بقای آن در دست مجرم بایستی به مالک آن مسترد شود، بلکه این تکلیف در مورد استرداد مثل یا قیمت مال حاصل از جرایم نیز تکلیف است برای مجرم از جهت مسترد کردن آن و در صدور دستور رد و استرداد مال ضبط شده مرجع کیفری نیز مکلف است رأساً این دستور را صادر کند.

اما در موردی که مال از بین رفته و یا فروخته شده و یا تبدیل شده و پول آن موجود است و یا مالک تقاضای مثل یا قیمت آن را دارد نیز مرجع کیفری مکلف است دستور استرداد مثل یا قیمت و یا بدل آن را حسب مورد مالک متقاضی صادر کند و این امر هیچ نیازی به درخواست رسمی و یا دادخواست ضرر و زیان ندارد؛ بنابراین مطابق قوانین جزایی، دادگاه دو وظیفه مهم را در مورد اموال حاصله از جرم به عهده دارد که عبارتند از: اخذ و استرداد.

مال حاصل از جرم با جبر و قهر از سوی دادگاه طی حکم محکومیت، از مجرم گرفته می شود و یا از سوی مأموران کشف و ضبط می شود که در هر دو مورد اخذ و ضبط مال در جهت استرداد آن به صاحب مال انجام می پذیرد و مقصود از «استرداد» مال در قوانین جزایی همین موارد است که تکلیف قانونی دادگاه است.

۳-۲-۲- گفتار دوم: ضبط به نفع دولت (مصادره اموال و اشیا)

در مواردی اموال حاصل از جرم یا وسیله ی ارتکاب جرم به نفع دولت ضبط می شود. هم چنین در مواردی اموال موضوع جرم به عنوان مجازات به نفع دولت ضبط و مصادره می شوند. اصل چهل و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد: «دولت موظف است ثروت های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری ها و معاملات دولتی، فروش زمین های موات و مباحث اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق شرعی به وسیله دولت اجرا شود».

این اصل به منظور تحقق بخشیدن به عدالت اجتماعی یا بنا بر وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و ایجاد امنیت اقتصادی و تشویق به سرمایه گذاری در عرصه ی مشروع تولید و بستن راه های فساد و اسراف و اشرافیت و طاغوت زدایی و ریشه کن کردن عوامل فساد اخلاق و ایجاد جوّ سالم در دواير دولتی، دولت را موظف کرده است که ثروت های ناشی از فعالیت های کاذب و نامشروع را که مانع رشد جامعه است، گرفته و به صاحبان اصلی آن ها مسترد گرداند و در صورت نبودن آن ها به بیت المال تحویل نماید.

قانون تأسیس سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی و اساس نامه ی آن مصوب ۲۴/۱۰/۱۳۷۰ نیز بیان داشته است: « ماده ۱- به منظور جمع آوری و نگهداری، اداره و فروش کالاهای متروکه ی دولتی و غیر دولتی و ضبط و قاچاق قطعیت یافته و کالای قاچاق بلاصاحب متواری و هم چنین اموال منقول و غیر منقول و حقوق مالی که بر اثر احکام و قرار های قطعی مراجع ذی صلاح قضایی و یا تصمیمات مراجع صلاحیت دار اداری و صنفی به انحای مختلف از قبیل:

ضبط، مصادره، استرداد، تملیک، جریمه و تعزیر مال، صلح، همه و نیز سایر اموالی که در اجرای اصل چهل و نهم قانون اساسی و سایر قوانین به تملیکی که در این قانون سازمان نامیده می شود به صورت شرکت دولتی تشکیل و طبق این قانون و آیین نامه های آن و مقررات مربوط به شرکت های دولتی اداره می شود».

پس سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی، اشیایی را که به نفع دولت ضبط و مصادره شده اند حفظ و نگهداری کرده و به نفع دولت بهره برداری می کند. نحوه و چگونگی اداره ی آن اموال در موارد دیگر قانون مزبور شرح داده شده است.

۳-۲-۳- گفتار سوم: معدوم کردن

گاهی اشیا و اموال از این جهت که بایستی به حکم قانون معدوم شوند و یا به احتمال شمول حکم قانون برای معدوم کردن آن ها ضبط می شوند که در این موارد ضبط موقت مال ادامه پیدا می کند تا دادگاه تکلیف آن را از جهت معدوم و یا ضبط شدن تعیین کند.

مثلاً مواد مخدر چنان چه به مصرف دارویی نرسد به حکم دادگاه از بین خواهد رفت. ماده ۱۴ قانون مواد خوردنی و آرایش و بهداشتی مصوب ۲۲ تیرماه سال ۱۳۴۶ مقرر می‌دارد: «کلیه ی مواد تقلبی یا فاسد یا مواردی که مدت مصرف آن‌ها مقتضی شده باشد پس از کشف، توقیف می‌شود، هر گاه وزارت بهداشت یا مؤسسات مسئول دیگر گواهی کنند که مواد مکشوفه برای برخی از مصارف انسانی یا حیوانی یا صنعتی قابل استفاده است، ولی نگهداری آن‌ها امکان ندارد، مواد مکشوفه به دستور دادستان شهرستان با اطلاع صاحب کالا و با حضور نماینده دادستان شهرستان به فروش می‌رسد و وجوه حاصل تا ختم دادرسی و صدور حکم قطعی در صندوق دادگستری تودیع خواهد شد و هرگاه گواهی شود که مواد مکشوفه قابلیت مصرف انسانی یا حیوانی یا صنعتی ندارد فوراً به دستور دادستان معدوم می‌شود...»

در واقع قانون‌گذار برای اموالی که مد نظر قرار داده و امکان استفاده از آن در زمینه‌های مجرمانه وجود دارد در برخی موارد از معدوم کردن آن‌ها سخن به میان آورده است و در این موارد بعد از ضبط و مصادره ی اموال ناشی از جرم حکم به تعدیم آن‌ها داده است.

البته مطابق نظریه ی مشورتی شماره ی ۴۸۳۷ مورخه ۱۷ / ۹ / ۱۳۶۱ اداره ی حقوقی قوه قضاییه، برای معدوم کردن محصولات خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی غیر قابل مصرف انسانی، حضور نماینده دادستان الزامی است.^۱ بنابراین اموال و اشیای ضبط شده ای که غیر قابل استفاده باشند نفعی ندارند و به دستور دادگاه و با حضور مدعی العموم یا نماینده جامعه معدوم و نابود می‌شوند و یا به نفع بیت المال و یا دولت «خزانه» که به موجب حکم مرجع صالح قضایی «دادگاه» صورت می‌گیرد و می‌تواند شامل همه یا قسمتی از اموال موجود کسی باشد».

همان طور که شاهد هستیم اموال و اشیایی که ضبط و مصادره می‌شوند، بعد از ضبط و مصادره سه حالت در انتظارشان است. یکی از آن‌ها استرداد اموال ضبط و مصادره شده می‌باشد که قانون در جای خود به آن اشاره کرده است و در مواردی که مال توقیف شده به جرم انجام یافته ربطی نداشته باشد آن مال به صاحبش و یا به کسی که آن مال در ید اوست مسترد می‌شود.

^۱ - شهری، غلامرضا، ستود هجرمی، سروش

۱۳۷۷، نظرهای مشورتی اداره حقوقی قضایی در مسائل کیفری، جلد اول، چاپ دوم، رو
زنامه رسمی کشور. ص ۴۱۳

سرنوشت بعدی که در انتظار اموال ناشی از جرم که مصادره و یا ضبط شده اند مصادره به نفع دولت می باشد که این مورد بیشتر در مورد جرایم مربوط به مواد مخدر و جرایم مالی عینیت می یابد. و بالاخره مورد دیگری که اموال ناشی از جرم به آن می رسند تعدیم و نابودی است که بیشتر در مورد اموال قاچاق و افیونی کاربرد دارد.

۳-۳- مبحث سوم: آراء وحدت رویه در مورد مصادره ی اموال ناشی از جرم

رئیس دادگستری چابهار طی شرحی به دادستانی کل کشور اعلام داشته که شعبه ی دوم دادگاه عمومی چابهار در دو پرونده ی جداگانه، در مورد صید در محدوده ی کمتر از هفت مایل دریایی، دو کاپیتان متخلف کشتی صیادی را که بدون مجوز اقدام به صید کرده اند، طبق بندهای یکم و چهارم ماده ی ۲۲ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر جریمه ی نقدی، به مصادره ی محصولات صیادی نیز محکوم کرده است.

بر اساس ماده ی ۲۲ فوق الذکر «الف - هر شناور صیادی خارجی که بدون کسب پروانه لازم پیش بینی شده در این قانون اقدام به انجام فعالیت صیادی در آب های مذکور در ماده ی ۲ این قانون بنماید، به پرداخت جزای نقدی از دو میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال و مصادره ی محصولات صیادی محکوم می گردد. علاوه بر مجازات فوق الذکر دادگاه می تواند شناور صیادی، آلات و ادوات صید و سایر ابزار موجود در شناور را نیز مصادره نماید.

ب - مرتکبین جرایم ذیل:

- (۱) انجام فعالیت صیادی اشخاص ایرانی بدون کسب پروانه لازم پیش بینی شده در این قانون.
- (۲) انتقال غیر مجاز محصولات صیادی از شناور به شناورهای غیر مجاز.
- (۳) عرضه و انتقال آبیان به منظور تکثیر و پرورش آن ها بدون داشتن گواهی بهداشتی.
- (۴) فروش آلات و ادوات صیادی غیر مجاز.

۵) تغییر مسیر، ایجاد موانع فیزیکی و احداث هر گونه تاسیسات غیر مجاز در رودخانه هایی که به عنوان مسیر مهاجرت یا تکثیر طبیعی آبیان تعیین شده اند.

۶) ایجاد هر گونه آلودگی یا انتشار بیماری های مسری و تخلیه فاضلاب های صنعتی و هر گونه مواد آلاینده که باعث خسارت به منابع آبی شود.

با حکم محاکم قضائی محکوم به پرداخت جزای نقدی تا سه برابر ارزش محصول (متناسب با نوع تخلف، ظرفیت شناور، میزان و نوع صید) برای موارد ۱ و ۲ و ۳ و یا یک تا پنج میلیون ریال برای سایر موارد می شود، به علاوه دادگاه می تواند محصولات صیادی و پرورشی و یا حاصل فروش آن ها و آلات و ادوات صید و سایر ابزار و مواد به کار رفته در ارتکاب جرائم را مصادره نماید و واحد آلاینده را نیز تا رفع نقص از ادامه کار باز دارد. در صورت تکرار جرائم مقرر در این بند دادگاه علاوه بر مجازات مقرر، آلات و ادوات صید و سایر ابزار و ادوات بکار رفته در ارتکاب جرائم مذکور را مصادره می نماید.

ج - شرکت سهامی شیلات ایران می تواند صیادانی را که مرتکب یک یا تمام جرائم زیر شده باشند به دادگاه معرفی نماید. دادگاه نسبت به مراتب و درجات جرم مرتکبین را به پرداخت جزای نقدی از یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال و مصادره محصولات صیادی و ابزار و آلات صید محکوم می نماید.

۱) صید در مناطق یا فصول ممنوعه.

۲) صید گونه هایی که صید آن ها ممنوع اعلام شده است.

۳) صید گونه هایی که برای آن ها اجازه لازم دریافت نشده است.

۴) فعالیت شناورهای صیادی صنعتی در مناطق صید ساحلی.

۵) صید با آلات و ادوات و مواد غیر مجاز و یا نگهداری این گونه آلات و ادوات و مواد در شناور بدون کسب مجوز از شیلات.

۶) حمل و نگهداری محصولات صید شده غیر مجاز در شناور.

۷) عدم ارسال اطلاعات مربوط به ماده ۱۶ این قانون و یا ارائه اطلاعات غیر واقعی مربوط به صید و فعالیت های تکثیر و پرورش انجام شده و به ترتیب مقرر در این قانون و مقررات اجرایی آن.

۸) عدم رعایت مقررات مربوط به در معرض دید قرار دادن علائم، اسامی، حروف و شماره هایی که شناسایی یا تعیین هویت شناور را ممکن می سازد.

د - صید، عمل آوری، عرضه، فروش، حمل و نقل، نگهداری واردات و صادرات انواع ماهی های خاویاری و خاویار بدون اجازه شیلات ممنوع است و مرتکب یا مرتکبین به جزای نقدی تا سه برابر ارزش محصول (متناسب با نوع و میزان صید) و حبس یک تا سه ماه محکوم می شوند. در صورت تکرار جرائم مقرر در این بند دادگاه مرتکب یا مرتکبین را علاوه بر جزای نقدی مقرر به نود و یک روز تا شش ماه حبس تعزیری محکوم می نماید».

همان طور که مشاهده می کنیم دادگاه بر اساس بر اساس این ماده حکم کرده است و استناد خود را بر اساس بند های یکم و چهارم این ماده قرار داده است که در ادامه به مباحث بیشتری در این مورد اشاره می کنیم.

آرای صادر شده به استناد بند ۳ ماده ی (۲۱) قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب^۱، به دیوان عالی کشور ارسال شده و شعب چهارم و نوزدهم... در این مورد، دو رویه متفاوت اتخاذ کرده اند. شعبه ی چهارم دیوان عالی کشور طی دادنامه ی شماره ی ۱۴/۲۵، موضوع را در صلاحیت دیوان عالی کشور دانسته و رأی را ابرام کرده است.

شعبه ی نوزدهم دیوان عالی کشور در داد نامه ی شماره ی ۲۷۸/۱۹ - ۷۵/۱۰/۳۰ چنین استدلال کرده است: «غرض قانون گذار در بند ۳ ماده ی (۲۱) قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب موردی است که مصادره و ضبط اموال مستقلاً به لحاظ نامشروع بودن آن انجام می شود و

۱- ماده ۲۱ - مرجع تجدید نظر آرا دادگاه های عمومی و انقلاب هر شهرستان دادگاه تجدید نظر مرکز همان استان است مگر در موارد ذیل که مرجع تجدید نظر آن دیوان عالی کشور خواهد بود.

۱- اعدام و رجم.

۲- قطع عضو و قصاص نفس و اطراف.

۳- مصادره و ضبط اموال.

۴- مجازات حبس بیش از ده سال.

۵- حکمی که خواسته آن از بیست میلیون ریال متجاوز باشد.

۶- احکام راجع به اصل نکاح و طلاق.

۷ - احکام راجع به نسب و وقف و حبس و تولیت . (برگرفته از قانون مشتمل بر سی و هشت ماده و بیست و یک تبصره در جلسه روز چهارشنبه، پانزدهم تیر ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و سه مجلس شورای اسلامی به ریاست علی اکبر ناطق نوری تصویب و در تاریخ 1373.4.22 به تأیید شورای نگهبان رسیده است.)

شامل آلات و ادوات جرم یا مواردی که اموال به تبع امر جزایی به حکم قانون بایستی ضبط شود، نمی‌گردد. و چون ضبط صید های کشتی به دعوی تخلف از مقررات قانونی حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران بوده و به تبع محکومیت کیفری بوده، شامل مورد نیست» و رسیدگی به تجدید نظر خواهی معترض را در صلاحیت دادگاه تجدید نظر استان دانسته است. هیأت عمومی دیوان عالی کشور به تقاضای دادستان کل کشور تشکیل شده و پس از بحث و بررسی به اکثریت آرا چنین رأی داده است:

رأی ۶۲۵ - ۱۳۷۷/۷/۸:

«بند ۳ ماده ی (۲۱) قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب ناظر به احکام صادره و ضبط اموالی است که به موجب بند ۶ ماده ی (۵) قانون مذکور^۱، به موجب اصل (۴۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۲، از دادگاه های انقلاب اسلامی صادر می‌گردد، و به آلات و ادوات جرم و اموالی که به تبع امر جزایی و به حکم قانون بایستی ضبط گردد، تسری ندارد و رسیدگی به درخواست تجدید نظر آن ها تابع قواعد رسیدگی به اصل جرم است. لذا اعتراض به صادره ی شناور ها و محصولات صیادی و آلات و ادوات صید که ناشی از تخلف از مقررات قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی بوده، از شمول بند ۳ ماده ی مرقوم خارج و رأی شعبه ی نوزدهم که با این

-
- ۱- ماده ۵- به تعداد مورد نیاز دادگاه های انقلاب، در مرکز هر استان و مناطقی که ضرورت تشکیل آن را رییس قوه قضاییه تشخیص می دهد تحت نظارت و ریاست اداری حوزه قضایی تشکیل می گردد، و به جرائم ذیل رسیدگی می نماید:
 - ۱- کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی الارض.
 - ۲- توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری.
 - ۳- توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور تحریب موسسات به منظور مقابله با نظام.
 - ۴- جاسوسی به نفع اجانب.
 - ۵- کلیه جرائم مربوط به قاچاق و مواد مخدر.
 - ۶- دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی.
 - ۲- اصل چهل و نهم: دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری ها و معاملات دولتی، فروش زمین های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.

نظر مطابقت دارد، صحیح و مطابق موازین قانونی است». این رای به استناد ماده واحده ی مصوب تیر ماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

بدیهی است چنان چه در جریان رسیدگی به ثروت های نامشروع موضوع اصل (۴۹)، دادگاه به جرایمی مانند رشوه و اختلاس و غیره برخورد نماید ، به آن جنبه نیز رسیدگی خواهد نمود . رسیدگی به جرایم مذکور حسب مورد در صلاحیت مراجع عمومی یا بعضاً اختصاصی است.

مصادره ی اموال موضوع اصل (۴۹) قانون اساسی، مجازات خاصی است که نوعاً دادگاه به تبع امر کیفری حکم به آن صادر نمی کند تا به عنوان مجازات تنمیمی یا تکمیلی مطرح شود، هر چند از سیاق قانون نحوه ی اجرای اصل (۴۹) قانون اساسی در بعضی از موارد، بخصوص آن جا که اصل جرایم مورد بحث در آن اصل مطرح شود ، عنوان مجازات تنمیمی و مصادره ی خاص را پیدا خواهد کرد . فرض کنید ثروت های ناشی از ربای کسی، در دادگاه انقلاب اسلامی مورد رسیدگی واقع شود و در خلال رسیدگی ، ربا دهندگان به دادگاه مراجعه و با طرح دعوا و تعیین مبالغ دریافتی و بهره پرداختی ، مدعی حقوق خود شوند . دادگاه همه موارد را یک به یک با شکایت شاکیان بررسی و حکم به استرداد وجوه دریافتی به ربا دهندگان صادر کند.

در این فرض ، اموال فرد ربا خوار مصادره و به صاحبان حق برگردانده می شود و دادگاه حکم به مجازات متهم صادر می کند ؛ این مصادره از نوع خاص و اجباری خواهد بود، ولیکن آن جا که ثروت های مالک یک کازینو که محل قمار بوده مصادره می شود و متهم به عنوان دایر کردن محل قمار ، محکومیت حاصل می کند ، مصادره عام خواهد بود.

در رأی شماره ی ۶۲۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ، مصادره ی پیش بینی شده در اصل (۴۹) را که مستقلاً در دادگاه مطرح می شود ، مشمول بند ۶ ماده ی (۵) قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب دانسته و مصادره ی آلات و ادوات ناشی از جرم یا تحصیل شده از جرم یا اختصاص یافته در این ارتکاب را که طبق ماده ی (۱۰) قانون مجازات اسلامی به تبع امر کیفری باید ضبط یا معدوم شود ، در صلاحیت مرجع تجدید نظر و تابع اصل جرم دانسته است .

در ذیل نگاهی داریم به پرونده ی رأی مذکور. رأی وحدت رویه شماره ۶۲۵ دیوان عالی

کشور در خصوص موضوع واحد ضبط و مصادره اموال به تبع امر کیفری

نقل از شماره ۱۵۶۲۳-۱۳۷۷.۷.۲۲ روزنامه رسمی

شماره ۱۹۷۶- هـ ۱۳۷۷.۷.۱

پرونده وحدت رویه ردیف: ۳۱.۷۶ هیأت عمومی

ریاست محترم دیوان عالی کشور

با سلام و تحیت

احتراماً در تاریخ ۱۲.۷.۷۶ رییس دادگستری شهرستان چابهار طی شرحی اعلام داشته در خصوص موضوع واحد یعنی ضبط مال به تبع امرکیفری از طرف شعب چهاردهم و نوزدهم دیوان عالی کشور آراء متهافت صادر گردیده و تقاضای طرح موضوع را در هیأت عمومی دیوان عالی کشور به منظور ایجاد رویه نموده است. اینک جریان پرونده های مربوطه گزارش و سپس اقدام به اظهار نظر می نماید:

۱- طبق محتویات پرونده کلاسه ۱۰۳۹.۷۵ شعبه دوم دادگاه عمومی چابهار، آقای حسین بنکدار فرزند علی اصغر فرمانده کشتی صیادی ستاره جنوب به شرح دادنامه شماره ۱۰۵۴.۷۵ به اتهام صید ماهی در محدوده کمتر از هفت مایل مجاز دریایی با توجه به گزارش ضابطین و شکواییه اداره کل شیلات استان سیستان و بلوچستان و نظریه کارشناسان مرکز تحقیقات شیلات و کارشناس امور دریایی و جامع محتویات پرونده مستنداً به بند یک و چهار از قسمت ج ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۴ به پرداخت مبلغ سه میلیون ریال جزای نقدی و مصادره محصولات صیادی که از نظر زیست محیطی در محدوده کمتر از هفت مایل زندگی می کنند محکوم و رأی صادره قابل تجدید نظرخواهی در دیوان عالی کشور باستناد بند ۳ ماده ی ۲۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب اعلام گردیده است با فرجام خواهی محکوم علیه از رأی صادره شعبه چهاردهم دیوان عالی کشور رد پرونده کلاسه ۱۴.۱.۵۷۳۱ به موجب دادنامه شماره ۱۴.۲۵ مورخ ۳۱/۰۱/۱۳۷۶ چنین رأی داده است که:

با توجه به محتویات پرونده ایراد مؤثری که موجب نقض دادنامه تجدید نظر خواسته باشد به عمل نیامد و رأی دادگاه نیز فاقد اشکال قانونی است بنابراین ضمن تأیید آن اعتراض رد می شود.

۲- طبق محتویات پرونده ی کلاسه ی ۲۸۴.۷۵ شعبه دوم دادگاه عمومی چابهار: آقای علی پوررمضان فرزند حسین کاپیتان کشتی ستاره جنوب به اتهام صید در محدوده کمتر از هفت مایل دریایی مغایر با مجوز صادره از اداره کل شیلات استان هرمزگان بموجب دادنامه شماره ۲۵۶.۷۵ با توجه به گزارش ضابطین قضایی و گزارش اداره کل شیلات استان سیستان و بلوچستان و نظریه کارشناسان مرکز تحقیقات شیلات چابهار و نظریه کارشناس علوم دریایی و اظهارات تعدادی از صیادان و مجموع محتویات پرونده مستنداً به بند یک و چهار از قسمت ج ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران به پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی و مصادره محصولات صیادی به جز ماهی مرکب در حق دولت محکوم و رأی صادره در خصوص جزای نقدی قطعی و در خصوص مصادره محصولات صیادی مستنداً به بند ۳ از ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب قابل اعتراض در دیوان عالی کشور اعلام گردیده است. با تجدید نظر خواهی ۱- علی پور رمضان (محکوم علیه) ۲- تقی شاهنویی فروشالی (مالک کشتی) از رأی صادره شعبه نوزدهم دیوان عالی کشور در پرونده کلاسه ۱۹-۵۵۰۶.۲۱ به موجب دادنامه ی شماره ی ۲۷۸.۱۹-۳۰.۱۰.۷۵ چنین رأی داده:

غرض قانون گذار در بند ۳ ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب موردی است که مصادره و ضبط اموال مستقلاً" به لحاظ نامشروع بودن آن انجام می شود و شامل آلات و ادوات جرم و یا مواردی که اموال به تبع امر جزایی به حکم قانونی بایستی ضبط شود نمی گردد و چون ضبط صیادهای کشتی به دعوی تخلف از مقررات قانونی حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران بوده و به تبع محکومیت کیفری بوده شامل مورد نیست و رسیدگی به اعتراض تجدید نظر خواه حسب ماده ۲۱ قانون یاد شده در صلاحیت دادگاه تجدید نظر استان است پرونده اعاده می شود.

نظریه: همان طور که ملاحظه می فرمایید در استنباط از بند ۳ ماده ی ۲۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب و در مورد ضبط و مصادره اموال به تبع امر

کیفری از طرف شعب چهاردهم و نوزدهم دیوان عالی کشور رویه های مختلفی اتخاذ گردیده است: بدین توضیح که شعبه چهاردهم موضوع را مشمول بند ۳ ماده ۲۱ قانون فوق الذکر و در صلاحیت دیوان عالی کشور دانسته به تقاضای تجدید نظر رسیدگی کرده است ولی شعبه نوزدهم برعکس عقیده دارد که منظور قانون گذار مربوط به مواردی است که مصادره و ضبط اموال مستقلاً و به لحاظ نامشروع بودن آن انجام می شود و شامل مواردی که اموال به تبع امر جزایی ضبط می شود نمی گردد و نتیجه رسیدگی به موضوع را در صلاحیت دیوان عالی کشور ندانسته و پرونده را اعاده داده است. بناءً علیهذا مستنداً به ماده واحده مربوط به قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ تقاضای طرح موضوع را در هیأت عمومی دیوان عالی کشور به منظور ایجاد رویه واحد دارد.

معاون اول دادستان کل کشور - حسن فاخری

- جلسه وحدت رویه

به تاریخ روز سه شنبه ۱۳۷۷.۲.۸ جلسه وحدت رویه ی قضایی هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت الله محمد محمدی گیلانی رئیس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران شعب حقوقی و کیفری دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده ی جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور مبنی بر: «نظر به این که مجازات مرتکبین صید ماهی در محدوده ی کمتر از هفت مایلی دریایی برابر بند ج ماده ی ۲۲ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۴ پرداخت جزای نقدی و مصادره ی محصولات صیادی و ابزار آلات صید می باشد و با این کیفیت ضبط و مصادره ی اموال به تبع امر کیفری و به موجب نص قانون در نظر گرفته شده است. بنابراین تجدید نظر آن در صلاحیت دادگاه های تجدید نظر استان می باشد.

همان گونه که در مورد وارد کنندگان و تولید کنندگان و توزیع کنندگان تجهیزات دریافت از ماهواره علاوه بر جزای نقدی ضبط و مصادره اموال مکشوفه پیش بینی شده و این امر در صلاحیت دادگاه ها می باشد از طرفی طبق بند ۳ ماده ی ۲۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب

مصادره و ضبط اموال که به طور مستقل و به لحاظ نا مشروع بودن آن مطرح و مورد حکم قرار می گیرد مرجع تجدید نظر آن دیوان عالی کشور خواهد بود، بنا به مراتب رأی شعبه ی ۱۹ دیوان عالی کشور که با این نظریه انطباق دارد موجه بوده معتقد به تأیید آن می باشم» مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رأی داده اند:

رأی شماره ی ۶۲۵-۲۰۸-۱۳۷۷: رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بند ۳ ماده ی ۲۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب ناظر به احکام مصادره و ضبط اموالی است که به موجب بند ۶ ماده ی ۵ قانون مذکور و به موجب اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی در دادگاه های انقلاب اسلامی صادر می گردد و به آلات و ادوات جرم و اموالی که به تبع امر جزایی و به حکم قانون بایستی ضبط گردد، تسری ندارد و رسیدگی به درخواست تجدید نظر آن ها تابع قواعد رسیدگی به اصل جرم است. لذا اعتراض به مصادره ی شناورها و محصولات صیادی و آلات و ادوات صید که ناشی از تخلف از مقررات قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی بوده از شمول بند ۳ ماده مرقوم خارج است و رأی شعبه ی نوزدهم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی به استناد ماده واحده ی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

با توجه به رأی وحدت رویه و مواردی که سابقاً گذشت می توان عنوان داشت که اموال ناشی از جرم که از جرم حاصل شده اند قابل پیگیری و مصادره و ضبط هستند و باید آن ها را به نفع عموم مصادره و ضبط کرد.

نتیجه گیری

هم چنان که پیشتر عنوان شد ضبط در لغت به معنی نگه داشتن و حفظ کردن است و در اصطلاح به معنی توقیف موقت شیء بدون سلب مالکیت از مالک در بخشی از اموال و توقیف دائم و تصرف و تملک شیء برای همیشه با سلب مالکیت از مالک در تمام یا بخشی از اموال است. از سوی دیگر می توان تعریف جامع تر دیگری از ضبط ارایه داد و آن عبارت است از این که ضبط توقیف مال موجود و کشف شده ی حاصل از جرم است که به طور موقت و بدون حق بر داشت می باشد. در اموال و اشیای مربوط به ارتکاب جرم و یا حاصل از جرم توقیف مال به موجب دستور یا قرار یا حکم مقام صلاحیت دار قانونی است و طبعاً نفع و حقوق مالک و متصرف قانوناً محفوظ و به شکل امانت در توقیف خواهد بود.

از مصادره به «مطالبی مال از سوی دولت، از غیر به وسیله ی طرق قانونی یا طرق متعارف» تعبیر می کنند. در تعبیر حقوقی این نوع مجازات می توان بیان داشت که مصادره یعنی گرفتن اموال، له دولت از محکوم علیه، به وسیله ی یکی از صور قانونی. از میان تعابیر مختلفی که از ضبط و مصادره ی اموال در قوانین آمده می توان در یک دسته بندی کلی ضبط اموال را به موقت و دائم و مصادره ی اموال را به عام و خاص تقسیم کرد. این دسته بندی بر اساس آثاری است که بر هر کدام از این تعابیر مترتب است. مصادره ی عام مصادره ای است که تمامی اموال حاصله در هر صورت له دولت از محکوم اخذ می گردد. از سوی دیگر در مورد مصادره ی خاص باید گفت که مصادره ای است که بنا به دلایلی فقط بخشی از اموال محکوم علیه که ناشی از جرم بوده، به نفع دولت اخذ می گردد.

در مورد رابطه ی میان ضبط و مصادره ی اموال می توان عنوان داشت که در هر دو مال از ید صاحب مال خارج شده و به تصرف دیگری در می آید با این تفاوت که در مصادره این اخذ ملکیت مال از جانب دولت بوده و قابل بازگشت نیست (مگر در مواردی) و این مطالبه ی مال به طرق قانونی و متعارف انجام می گیرد و ملکیت نیز به دولت منتقل می شود. ولی در ضبط مال توقیف موقتی و بدون سلب مالکیت از مالک در بخش یا اموال توقیف می شود و تصرف موقت و مملکتی بر ایه همیشه با سلب مالکیت از مالک در تمامی بخش یا اموال است و هم چنین این اموال، بیشتر اموال ناشی از جرم می باشد.

در واقع می توان عنوان کرد که، ضبط به نظر دار ایه می تغییر است به عبارتی دیگر ذوالجنبین است از یکسوناظر به مرحله ی تحقیق است (ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی)
و از سوی دیگر ناظر به مجاز ات قطع می باشد؛ هر چند به عنوان زیر مجموع هم مجاز اتها را دیگر مثل تعزیر (ماده ۵۲۲

قانون مجازات اسلامی» علاو هبر مجازات هبا مقرر در مواد (۵۱۸) و (۵۱۹) و (۵۲۰)

کلیه اموال التحصیلی از طریق موار دمذکور به عنوان اعزیر به نفع و لتضبط خواهد شد». همچنین با عنایت به ماده

فوق بایده بیان نمود ضابطه منظر به اموال التحصیلی از وقوع جرم است که این بر داشت بسیار ائته تعریف ضابطه در مقدمه ما شد

هاس تو همنظر به بخش یاز اموال است به مانند (ماده ۲

قانون راجع به جلوگیری از عمل قاچاق توسط وسایل نقلیه موتوری، دریایی، و سیلھی ادارهی مرزبانیمصوب ۹ ابان

۱۳۳۶ که مقرر میدارد:

«هرگاه قاچاق وسیلهو سائط نقلیه دریایی صورت گیرد علاو هبر محکومیت مرتکب قاچاق، حکم به ضبط وسیلھی

نقلیه به نفع و لتضابطه خواهد شد». همانگونه که به

نظر میرسد این قانون نمودار زی از ضابطه بخش یاز اموال است که همنان در این قانون وسیله نقلیه موتوری است).

اما در این جا، جا دارد تا در مورد مال حاصل از جرم نیز سخن کوتاهی عنوان شود تا با دید باز تری به نتیجه گیری در این بحث پردازیم. مال حاصله از جرم، عبارت از هر مالی است که بز هکار در اثر ارتکاب جرم از بزه دیده تحصیل می کند. به عبارت دیگر، منظور مقنن از مال حاصله از ارتکاب جرم تنها مالی است که از ید بزه دیده خارج و در ید بز هکار قرار گرفته است. برای مثال، در مورد سرقت، مال مسروقه، که از تصرف صاحب مال خارج و در تصرف متهم قرار می گیرد مال حاصله از جرم است و یا در جرم کلاه برداری، اموالی که بزه دیده در اثر توسل به وسایل متقلبانه از ناحیه متهم تحویل وی داده است اموال حاصله از ارتکاب جرم می باشند. یا در خیانت در امانت، اموال مورد امانت که استعمال، تصاحب، مفقود یا تلف شده اند اموال حاصل از ارتکاب جرم تلقی می شوند.

با این اوصاف باید به مواردی اشاره کرد. در موضوع مصادره ی اموال ناشی از جرم در برخی موارد برخی خلأ ها و مشکلاتی وجود دارد که البته با تدوین و تصویب و اجرایی شدن قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری جدید تا حدودی این موارد اصلاح شده است.

در مورد قوانین مربوط به قاچاق باید عنوان داشت که این قوانین دارای مشکلات فراوانی است؛ نامناسب بودن قوانین و مقررات مربوط به مبارزه با قاچاق کالا و نارسایی و پراکندگی آن ها و نیز تعدد مراکز تصمیم گیری، ناهماهنگی سازمان های ذی ربط در مبارزه با قاچاق کالا و عدم اتخاذ رویه های مناسب در این امر، عمده ترین مشکلات مبارزه با قاچاق ارز و کالا است. ضبط و مصادره

ی اموال نیز در هر کدام از قوانین تصویب شده دارای ساز و کارهای خاصی است که موجب ناهماهنگی و تضییع حقوق جامعه و حقوق متهم می شود.

پیشنهادات

اما آن چه لازم است در این جا با عنوان پیشنهاد عنوان شود می توان به مواردی اشاره کرد.

۱. ضبط و مصادره ی اموال می بایست دارای محدوده و قلمرو مشخصی باشد و ضوابط تعیین کننده ی آن به نحوی مقرر شود که هم از حتمیت و قطعیت برخوردار بوده و هم موجب تضییع حقوق مالکانه اشخاص نشود. در حقوق کیفری ما به دلیل پراکندگی وسیع قوانین مربوط به قاچاق، ضبط و مصادره ی اموال دارای ضوابط یکسان و واضحی نیست. این امر موجب ناکارآمدی و باز دهی اندک قوانین یاد شده در تقابل با جرایم ارتكابی می شود؛ فلذا تعیین ضوابط یکسان و رویه ی واحد از موارد ضروری ضبط و مصادره ی اموال در جرایم مربوط به قاچاق از منظر قوانین کشور عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی قاچاق کالا محسوب می شود.

۲. در مورد پول شویی و تطهیر اموال باید گفت که کشور ما نیز مثل سایر کشورهای که در نظام بانکی آن ها محدودیت های ارزی حاکم است، محل جذابی برای پول شویان بین المللی محسوب نمی شود تا مایل باشند که با استفاده از بانک های ایران پول های کثیف خود را تطهیر و آن ها را وارد شبکه ی بانکی بین المللی نمایند، ولی در هر حال نباید فراموش کرد که، اولاً، عمل تطهیر پول ممکن است توسط باند های داخلی و نسبت به پول ملی نیز انجام گیرد و خود به همین دلیل است که در برخی از کشورها مثل آمریکا به موجب «قانون کنترل پول شویی» مصوب سال ۱۹۸۶ عمل پول شویی در دو شق داخلی و بین المللی آن جرم شناخته شده است. از این رو و با توجه به این مطالب است که باید قوانین با ضمانت اجراهای قوی در این موارد وضع کرد و با متخلفان و پولشویان به شدت برخورد کرد و با تدوین و تصویب قوانین جامع و مانع، از بروز پولشویی های کلان جلوگیری کرد.

۳. در ایران با توجه به آمار موجود، جرایم مرتبط با مواد مخدر بالاترین میزان جرایم ارتكابی در سطح کشور را تشکیل می دهند. بدیهی است قاچاقچیان و فروشندگان مواد مخدر نیازمند تطهیر و تبدیل پول های گزاف حاصل از فروش مواد مخدر و استفاده از آن ها برای خرید مواد بیشتر می باشند و شک نیست که این پول های نقد فراوان به شبکه ی بانکی یا بازار ارز و سکه و نظایر آن ها راه پیدا می کنند. از این رو، مبارزه با تطهیر این پول ها از طریق کنترل بانک ها و بازار ارز و سکه و غیره می تواند تأثیر فراوانی در کم کردن میزان قاچاق مواد مخدر داشته باشد، چرا که تطهیر پول

در واقع خونی است که برای ادامه ی حیات قاچاقچیان مواد مخدر لازم است. نکته ی دوم این که چون بانک های ما چند سالی است که نسبت به افتتاح حساب های ارزی اقدام می نمایند، احتمال سوء استفاده از این حساب ها نیز از سوی پول شویان بین المللی وجود دارد.

۴. در مورد سرنوشت اموال ضبط و مصادره شده لازم است قانون گذار با ایجاد رویه ی واحد از برخورد های سلیقه ای مراجع با اموال دخیل در ارتکاب جرم، جلوگیری کند. هم چنین تسریع در دادرسی و تعیین تکلیف اموال ضبط شده، دادرسی را عادلانه تر می کند.

منابع و مأخذ:

منابع فارسی

۱. آشوری، محمد، ۱۳۸۴، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سمت.
۲. آن تسیه، ۱۳۷۹، مشکلات اجرای قانون فرانسه در زمینه ی تطهیر پول، ترجمه ی روح الدین کرد علی وند، مجموعه مقالات (سخنرانی های خارجی)، همایش بین المللی علمی – کاربردی جنبه های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، چاپ روزنامه ی رسمی.
۳. اردبیلی، محمد علی، ۱۳۸۴، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، انتشارات میزان،
۴. ال. بی. کرزون، ۱۳۸۷، فرهنگ حقوق، ترجمه ی قدیر گلکاریان و، تهران، انتشارات دانشیار،
۵. امام خمینی(ره)، ۱۴۱۸ق، البیع، موسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، تهران، ج ۱،
۶. امام خمینی(ره)، تحریر الوسیله، ۱۳۷۹ش، انتشارات موسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ج ۲،
۷. باقرزاده میانجی، احد، ۱۳۷۸، همکاری های بین المللی در مبارزه با مواد مخدر، انتشارات آزاد اسلامی، چاپ اول.
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۵، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش.
۹. جعفریلنگرودی، محمدجعفر؛
۱۳۸۶، مبسوط ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم، جلد چهارم،
رم،
۱۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۶، حقوق اموال، چاپ چهارم، تهران، گنج دانش.

۱۱. حائری شاه باغ، سید علی، ۱۳۷۶، شرح قانون مدنی، ج ۱، تهران، گنج دانش.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۱۲.
۱۳. زراعت، عباس، ۱۳۷۸، شرح قانون مجازات اسلامی، جلد اول، نشریه فیض، چاپ دوم.
۱۴. شهری، غلامرضا، ستوده جهرمی، سروش ۱۳۷۷، نظرهای مشورتی اداره حقوقی قضائیه در مسائل کیفری، جلد اول، چاپ دوم، روزنامه رسمی کشور.
۱۵. طباطباییزیدی، سیدمحمدکاظم، ۱۴۱۷ق، حاشیه‌ی سید بر مکاسب، ج ۱.
۱۶. عدل، مصطفی، ۱۳۷۳، حقوق مدنی، انتشارات بحر العلوم، قزوین.
۱۷. عمید، حسن، ۱۳۶۴، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۸. فرج الهی، رضا، ۱۳۸۸، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۱۹. قادری، حسین، ۱۳۶۱، موارد قاچاق در قوانین گمرکی، ماهنامه صنعت حمل و نقل، شماره چهاردهم، آبان ماه.
۲۰. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۶، حقوق مدنی، نشر دادگستر، تهران.
۲۱. کوشا، جعفر، ۱۳۸۷، تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی (۲)، دوره ی کارشناس ارشد.
۲۲. محمدی، حمید، ۱۳۷۸، ضبط، مصادره و استرداد اموال، تهران، انتشارات گنج دانش.
۲۳. معین، محمد، ۱۳۶۸، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات امیر کبیر، دوره ی شش جلدی.
۲۴. میر محمد صادقی، حسین، ۱۳۸۰، پاک‌نمایی یا تطهیر اموال کثیف ناشی از جرم، فصل‌نامه ی دیدگاه‌های حقوق قضایی، بهار و تابستان - شماره ۲۱ و ۲۲.
۲۵. نجیب حسنی، محمود، شرح قانون العقوبات و جرائم الاعتداء علی الاموال.
۲۶. نوابی، منوچهر، ۱۳۸۰، تاریخ تریاک. ترجمه کتاب *Hitory a Opium*، تهران: انتشارات صفی‌علیشاه.

پایان نامه ها:

۱. محمدی، حمید، ۱۳۷۳، بررسی مواد ۱۰ قانون مجازات اسلامی و ۱۰۷ آیین دادرسی کیفری، پایان نامه ی حقوق جزای دانشگاه آزاد مرکزی تهران.

مقالات و مجلات:

۱. امامی، نورالدین، ۱۳۷۱، حقوق مالکیت‌های فکری، فصلنامه ی رهنمون، شماره ی دوم و سوم.

۲. رحم دل، منصور، ۱۳۸۵، مال و عواید حاصله از جرم و معکوس شدن بار اثبات، مجله ی دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ی ۷۲.

۳. گلدوزیان، ۱۳۸۳، به نقل از میرزا علی آدابی، ۱۳۹۱، ضبط و مصادره ی اموال در جرایم مربوط به قاچاق از منظر قوانین کشور، نشریه ی کارآگاه، دوره ی دوم، سال پنجم، شماره ی ۱۸.

روزنامه ها:

۱. روزنامه اطلاعات شماره ۲۱۶۴۶، سه شنبه ۲۵ خرداد، ۱۳۸۸

سایت های اینترنتی:

1. www.lawreform.ie/publications/data/volume8/Irc_60.html.p.10
2. Www.lawreform.ie/publication/data/volume8/Irc-06.html.p9
3. www.geocities.com/capitolIill/lobby/3473/proceeds.htm.77k.p.1
4. www.unafei.or.jp/english/pdf-rms/no85/85-21.pdf
5. www.Rcmp.ca/poc/Proceeds-e.htm
6. http://thesaurus.islamicdoc.org/thesaurus/thesaurus1.php?term_code1=247453
7. <https://en.wikipedia.org/wiki/Confiscation>

منابع عربی:

۱. ابن منظور، ۱۳۶۳ ه.ش، ۱۴۰۵ ه.ق، لسان العرب، ج ۱۱، نشر ادب حوزه، قم،
۲. السنهوری، عبدالرزاق، ۱۹۶۷، الوسیط فی شرح القانون المدنی، جلد هشتم، قاهره، دارالنهضة العربیه.
۳. انصاری، شیخ مرتضی، ۱۴۲۰، مکاسب، مجمع الفکر الاسلامی.
۴. جر، خلیل، ۱۳۵۱ (۱۹۷۳)، لاروس: المعجم العربی الحدیث، کتابخانه ی موسسه ی لغت نامه ی دهخدا دانشگاه تهران، تهران
۵. خویی، سید ابوالقاسم، ۱۳۵۳، مصباح الفقاهه، انتشارات مکتبه الدوری، قم، ج ۲،
۶. رشدی، مراد، ۱۹۸۲، اختلاس فی جرائم الاموال، چاپ دوم: قاهره، جامعه القاهره.
۷. طباطبایی، السید محسن، ۱۴۲۱ق، نهج الفقاهه، انتشارات دارالفقه، قم،
۸. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، ۱۴۱۷ق. العروه الوثقی، انتشارات موسسه ی نشر اسلامی، قم،
۹. طریحی، فخر الدین، ۱۳۸۵، مجمع البحرین.
۱۰. فراهیدی، ابی عبدالرحمان خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، العین، چاپ دوم، دارالهجره
۱۱. نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۱۴، قم، ۱۳۷۵

منابع خارجی:

1. Bosworth, Davies Rowan & Saltmarsh, Graham, 1995, Money Laundering: A Practical guide to the new legislation. Chapman & Hall Press. London.

2. George levasour, Albert chavanne Jeanmontril droit penal genal ET, procedure penale, edition 1994.

3. Rider Barry & Ashe Michael, 1996, Money Laundering Control. Individual Contributors and Round Hall Sweet & Maxwell, Dublin.

قوانین و مقررات مورد استفاده:

۱. قانون مبارزه با پول شویی
۲. قانون مجازات اسلامی
۳. قانون مجازات اسلامی
۴. قانون مبارزه با قاچاق انسان
۵. قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیر مجاز می کنند
۶. قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره
۷. قانون مجازات مرتکبین قاچاق
۸. قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر
۹. قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات
۱۰. در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری

11. The U.N Convention against Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances 1988

12. United Nations Convention Against transnational organized crimes 2000

Abstract:

It seems that seizing goods due to penalty in penalty law in Iran , with considering different legal Decalogue , can be the viewer of seizing goods caused by penalty that is 2 types: seizing goods due to penalty in penalty law in Iran , can be specific or general (general seizing like 721 matter in Islamic penalty law – specific seizing like article 4 , matter 4 of law reform in fighting with opiate) . position that can be record and plan for seizing good , is in financial penalty . It means lawgiver introduce this performing guarantee attached to the penalty that was with financial motivation and goal , whether direct or indirect so stated that seizing and recording goods in penalty in all financial penalty is a statistic punishment , but the difference is that in some financial penalty record and seizing expression is stated and the text is clear law like matter 712 of Islamic penalty law every body who is done panhandle or extortion , all the goods that earned from extortion or panhandle are seized in some cases although lawgiver don't name record or seizing , but states sentence that It's requirement is record and goods seizing (like matter 1 increasing punishment is in venality or money purification . hiding main goods source from penalty and shifting them to pure goods . as finding the main source is impossible or difficult . Also in Islamic penalty law , seizing goods as one of penalty method is mentioned for wrongdoer and in considering other item that is the first priority .

Basic foundation is in this question that whether recording and seizing have the same meaning ? different ideas are stated . In fact we can state that , record has different nature , from one point is the viewer of research level (matter 10 of Islamic penalty law) and from another point is the viewer of finality punishment , although is subset from other punishment like (matter 522 from Islamic penalty law . in addition to punishment in (518) , (519) , (520) , all educational goods are recording for government) also with considering below matter we should state that recording is the viewer of educational goods in penalty that cause recording definition in introduction and also is parts of goods .

Keyword : seizing , penalty , record , venality .